محفل روحانی ملّی

مجموعه‌ای تهیّه شده توسّط دایرهٔ مطالعهٔ نصوص و الواح

اکتبر ۲۰۲۳

* * *

ابزار محوری نظم اداری

نظم اداری: هسته و الگوی نظم جهانی حضرت بهاءالله

نقش محفل روحانی ملّی

روح خدمت صمیمانه

هم‌بستگی مؤسّسات انتخابی و انتصابی

تسهیل یک چارچوب عملِ در حال تکامل

تکامل نظم اداری و مؤسّسات آن

روحیّهٔ یادگیری

قابلیّت‌سازی تشکیلات و پرورش منابع انسانی

شوراهای منطقه‌ای بهائی

مؤسّسهٔ آموزشی

محافل روحانی محلّی

مؤسّسهٔ صندوق تبرّعات بهائی

شکوفایی نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی

ترویج تعالیم الهی

مساعدت به تقلیب و تحوّل اجتماعی

اقدام اجتماعی

مشارکت در گفتمان‌های اجتماع

سلامت روحانی و حیات جامعهٔ بهائی

سه عامل فعّال

* * *

ابزار محوری نظم اداری

نظم اداری: هسته و الگوی نظم جهانی حضرت بهاءالله

قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه.

(کتاب اقدس، بند ۱۸۱) **[۱]**

هر فرد بهائی باید به خاطر داشته باشد که سیستم نظم اداری بهائی بدعتی نیست که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء خودسرانه بر عالم بهائی تحمیل شده باشد، بلکه مرجعیّت آن از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء سرچشمه می‌گیرد، در الواح مبارکهٔ متعدّده بالأخصّ توضیح و تجویز گردیده، و بعضی مشخّصات اصلیّهٔ آن مبتنی بر تمهیدات صریحهٔ کتاب مستطاب اقدس است. بدین ترتیب نظم اداری بهائی اصولی را که جداگانه از قلم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء صادر گشته با یکدیگر عجین و مرتبط می‌سازد و با حقایق اساسی آیین بهائی پیوندی ناگسستنی دارد. تفکیک اصول اداری امر الله از تعالیمِ صرفاً روحانی و انسان‌دوستانهٔ این آیین به منزلهٔ ناقص کردن پیکر امر الهی است، تفکیکی که فقط می‌تواند به از هم پاشیدن اجزاء مرکبّهٔ آن و اضمحلال امر مبارک منجر شود.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ حضرت شوقی افندی) **[۲]**

نظم اداری که مندمج در تعالیم حضرت بهاءالله است و پیروان امر الهی در خطّهٔ امریکا پیش‌تازان آن بوده و هم‌اکنون در حال استقرارش هستند نباید تحت هیچ شرایطی با اصول زیربنای دموکراسی امروزی یکسان تلقّی شود و همچنین مانند هیچ یک از حکومت‌های کاملاً اشرافی (aristocratic) و یا استبدادی (autocratic) هم نیست. نظم اداری از خصوصیّات نامطلوب ذاتی هر یک از این نظام‌های سیاسی کاملاً مبرّا است. این نظم به نحوی که هیچ یک از حکومت‌های بشری تا کنون به انجام آن توفیق نیافته‌اند حقایق سلیمه و عناصر مفیده کمک‌های ارزشمندی را که هر یک از این حکومت‌ها در گذشته به اجتماع عرضه کرده‌اند به هم می‌آمیزد. مشورت صادقانه و آزاد شالودهٔ این نظم بی نظیر و مثیل است. اختیارات در دست اعضای منتخب محفل ملّی متمرکز است. قدرت و ابتکار عمل در درجهٔ اولی به تمامی پیروان امر الهی واگذار شده که از طریق نمایندگان محلّی خود عمل می‌کنند. تنها امتیاز و مسئولیّت خطیر وکلای مجتمع در کانونش وظیفهٔ دوگانه ایجاد قوایی که باید موجب تشکیل هیئت اداره‌کنندهٔ ملّی آنان گردد و مشورت آزاد و کامل در فواصل زمانی معیّن با هر دو محفل ملّی سابق و جدیدالانتخاب است. هیچ چیز به جز تعامل نزدیک و مداوم بین نهادهای مختلف نظم اداری بهائی نمی‌تواند آن را قادر به متحقّق ساختن سرنوشت متعالی‌اش نماید.

(ترجمه‌ای از پی‌نوشت حضرت شوقی افندی در ذیل نامهٔ مورّخ ۱۸ نوامبر ۱۹۳۳ صادره از جانب آن حضرت خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۳]**

یاران عزیز و محبوب، قوای نافذه‌ای که به نحوی آنچنان معجزه‌آسا از دو ظهور مستقل و پی در پی منبعث گشته اکنون بر اثر مجهودات حارسان منتخَب آیینی که صیتش به اقصی نقاط عالم رسیده در مقابل دیدگان ما به تدریج مجسّم و مصوّر می‌گردد. این قوا تدریجاً در کالبد مؤسّساتی متبلور می‌گردد که در مستقبل ایّام به عنوان نشانهٔ بارز و شکوه عصری محسوب خواهد شد که ما به استقرارش مأمور گشته و باید با اعمال و رفتار خود آن را مخلّد و جاودان سازیم. زیرا نفوذ و تأثیر ابزاری که اکنون در حال ایجادش هستیم، ابزاری که می‌باید مآلاً ساختار آن جامعهٔ مشترک المنافع سعادت‌مندی را که طلیعهٔ ظهور عصر ذهبی این

آیین نازنین است بنا نهد، مشروط به مجهودات کنونی ما و از همه بالاتر منوط به درجه همّت و کوششی است که در راه انتخاب روش زندگی‌مان بر اساس اقتدا و تأسّی به روش اسلاف دلیر و جان‌فشان مبذول می‌داریم.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۸ فوریه ۱۹۳۴ حضرت شوقی افندی) **[۴]**

مادام که این نظام هنوز در مرحلهٔ طفولیّت است مبادا نفسی در ادراک کیفیّتش به خطا رود، اهمّیّتش را اندک شمارد و یا مقصدش را دگرگون جلوه دهد. صخره‌ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیّت ثابتهٔ الهیّه برای عالم انسانی در عصر حاضر است. منبع الهامش نفس مقدّس حضرت بهاءالله است و حامی و مدافعش جنود مجنّدهٔ ملکوت ابهی ... دعائمی که سلطه و اقتدارش را قائم داشته و ارکانش را استحکام می‌بخشد مؤسّسات دوگانهٔ ولایت امر اللّه و بیت العدل اعظم است، مقصد اصلی و اساسی و محرّک آن، استقرار نظم بدیع جهان‌آرایی است که شالوده آن را حضرت بهاءالله بنیان نهاده‌اند. روشی که به کار می‌برد و موازینی که القا می‌نماید آن را نه به شرق متمایل می‌سازد و نه به غرب، نه به یهود و نه به نصاری، نه به فقیر و نه به غنی، نه به سفید و نه به سیاه. شعارش وحدت عالم انسانی، علمش صلح اعظم، سرانجامش حلول عصر ذهبی موعود است یعنی یومی که سلطنت‌های عالم به سلطنت الهیّه که سلطنت حضرت بهاءالله است مبدّل گردد.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۸ فوریه ۱۹۳۴ حضرت شوقی افندی) **[۵]**

حضرت ولیّ‌امرالله در تأکید به تمایز نظم اداری بهائی خاطرنشان می‌سازند که "این نظم اداری با آنچه هر یک از پیامبران گذشته تأسیس فرموده‌اند تفاوتی اساسی دارد زیرا که حضرت بهاءالله بنفسه اصول آن را نازل و مؤسّساتش را تأسیس و مبیّن آثار مقدّسهٔ خود را تعیین فرموده و به هیئتی که مأمور تکمیل و تنفیذ احکام شرعیّه‌اش می‌باشد اختیارات لازم را تفویض نموده‌اند." (ترجمه) در بیان دیگری، هیکل مبارک متذکّر شده‌اند که "سعی در مقایسهٔ این نظم بی‌نظیر الهی با هر یک از نظام‌های گوناگونی که فکر بشری در طیّ ادوار مختلف تاریخ برای ادارهٔ امور مؤسّسات خویش تدبیر نموده، راه به گمراهی است." (ترجمه) و همچنین می‌فرمایند "چنین تلاشی خود حاکی از عدم درک کامل علوّ و برتری صُنع ید عنایت مؤسّس عظیم الشّأنش خواهد بود." (ترجمه)

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان ایالات متّحدهٔ امریکا) **[۶]**

وضعیّت عالم، در حالی که ما را با چالشی حاد و به غایت فوری مواجه می‌سازد یادآور چشم‌انداز جهانی و امیدوارکنندهٔ حضرت شوقی افندی در مورد امکانات نظم اداری در خلال قرن دوّم بهائی است، قرنی که به سرعت به اواسط آن نزدیک می‌شویم. آن حضرت در سال ۱۹۴۶ مرقوم فرمودند "قرن دوّم مقدّر است شاهد یک گسترش عظیم و یک تحکیم قابل توجّه نیروهایی باشد که در جهت توسعهٔ نظم اداری و همچنین نخستین اثرات روح‌افزای آن نظم جهانی در کارند، نظم نوینی که نظم اداری هم مبشّر و هم هستهٔ مرکزی و الگوی آن است، نظمی که به آرامی در حال تبلّور است، پرتو اثرات مطلوبش را بر تمامی کرهٔ ارض می‌افکند، و هم‌زمان بلوغ جمیع نوع انسان و بلوغ امر بهائی را که مولد آن نظم نوین است اعلام خواهد کرد." (ترجمه)

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۹۹۲ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۷]**

شکوه و جلال نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله مقدّر است آن را بسط و توسعه دهد همواره از آغاز تاریخ امر بهائی مورد توجّه بوده است. حضرت باب بنفسه الاعلی اعلام فرمودند "طوبی لمن ینظر الی نظم بهآءاللّه و یشکر ربّه"، و حضرت بهاءالله در امّ‌الکتاب دور بهائی تصریح فرموده‌اند که "قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم". بسیار واضح است که

اهداف متعالی این آیین مقدّس تنها به وسیلهٔ نظم جهانی که حضرت بهاءالله بدین منظور بنیان نهاده‌اند محقّق خواهد شد. تقلیب روحانی نوع بشر، رهایی مردم مختلف جهان از مصیبت‌های بی‌شمار، دستیابی به صلح حقیقی در عالم و حفظ آن، و ولادت مدنیّتی جهانی — همهٔ این اهداف عالی الهی محقّق نخواهد شد مگر آنکه با آن تغییر بنیادین در ساختار و عملکرد جامعهٔ بشری که در رشد و شکوفایی این نظم الهی نهفته است، هم‌راه باشد. مؤسّسات نظم اداری بهائی که اکنون به همّت مؤمنین در سراسر عالم استقرار می‌یابد، مبشّر، هستهٔ مرکزی و الگوی آن نظم جهانی است که در گذر زمان پرتو اثرات مطلوبش را بر تمامی کرهٔ ارض می‌افکند.

حضرت شوقی افندی توضیح فرموده‌اند که نزول کتاب اقدس از قلم مبارک حضرت بهاءالله مخزن "حدود و احکامی است که باید برای نسل‌های آتیه باقی ماند و نظم جهان‌آرایش بر آن اساس استوار شود" (ترجمه). هیکل مبارک همچنین اشاره می‌فرمایند به "تأثیرات قوای سه‌گانهٔ منبعثه از لوح مبارک کرمل نازله از یراعهٔ مقدّسهٔ حضرت بهاءالله، و الواح مبارکهٔ وصایا و الواح نقشهٔ ملکوتی صادره از کلک مطهّر مرکز میثاق الهی به حرکت و فعّالیّت درآمده‌اند روز به روز به قوّتی جدید و فتوحاتی بدیع نائل گردند. این سه اثر سه منشوری است که سه فرایند مشخّص را به جریان انداخته است: منشور اوّل عامل توسعهٔ مؤسّسات امری در مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس است، و دو منشور دیگر عامل نشر نفحات الله و استقرار نظم اداری امر الله در سرتاسر بقیهٔ عالم بهائی." (ترجمه) این سه فرایند با وجود تفاوت‌هایشان به هم‌دیگر مرتبط‌اند. تحوّلات در مرکز جهانی امر الهی، قلب و مرکز نظم اداری، طبیعتاً بر هیکل زندهٔ جامعهٔ جهانی بهائی تأثیر بارزی دارد و نیز از نیروی حیاتی آن متأثّر است. نظم اداری را می‌توان در بهترین نگاه همانا وسیلهٔ اصلی اجرای نقشهٔ ملکوتی دانست در حالی که نقشهٔ ملکوتی قویّ‌ترین عامل برای رشد و توسعهٔ ساختار نظم اداری امر الله شناخته شده است. بنا بر این برای رشد صحیح و متوازن آیین بهائی و دستیابی سریع به نظم جهانی، لازم است توجّه شایسته به هر سه فرایند مبذول گردد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۴ ژانویه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم خطاب به محافل ملّی) **[۸]**

نظم جهانی حضرت بهاءالله همان نظم الهی است که ملل و امم عالم بی‌تابانه در جستجوی آنند. این نظم الهی که حضرت ربّ اعلی در کتاب مستطاب بیان فارسی به آن بشارت داده و حضرت بهاءالله شخصاً ویژگی‌های اساسی آن را تعیین فرموده‌اند، از نظر معیار عدالتش و از نظر تعهّدش نسبت به تحقّق وحدت نوع بشر و همچنین از لحاظ قابلیّتش برای ترویج تغییر و تحوّل و پیشبرد مدنیّت جهانی، در تاریخ بشر بی‌سابقه است. این نظم وسایل و امکاناتی را فراهم می‌کند که از طریق آن مشیّت الهیّه راه ترقّی نوع بشر را نورانی می‌سازد و استقرار نهایی ملکوت الهی بر روی زمین را هدایت می‌نماید.

در سراسر عالم، پیروان مخلص حضرت بهاءالله برای توسعهٔ هر چه بیشتر نظم اداری بهائی که حضرت ولیّ‌امرالله آن را "نه تنها هستهٔ مرکزی بلکه نمونهٔ کامل نظم بدیع الهی" (ترجمه) توصیف فرموده‌اند، سخت می‌کوشند و به این ترتیب شالودهٔ مدنیّتی جهانی را بنا می‌نهند که مقدّر است شکوه و جلال خیره‌کننده‌اش در قرون آینده به منصهٔ ظهور و بروز برسد. بهائیان عالم علی‌رغم آشوب‌ها و اغتشاشاتی که حضرت بهاءالله با بیان "قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه" تلویحاً بدان اشارت فرموده‌اند، به مساعی خویش ادامه می‌دهند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۵ مارس ۲۰۰۷ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۹]**

نقش محفل روحانی ملّی

محافل روحانیّه‌ئی که در این عصر الهی و قرن رحمانی تأسیس شود البتّه مثل و مانندش در اعصار ماضیه تحقّق نیافته زیرا محافل عظمی در تحت حمایت اکابر رجال بود امّا این محافل در تحت حمایت جمال ابهی ناصر و معین آنان یا امیر بود یا ملیک بود و یا کاهنی رئیس یا جمهوری کثیر امّا این محافل روحانی را ناصر و معین و مؤیّد و ملهم حضرت ربّ قدیر.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، شمارهٔ ۴۰) **[۱۰]**

این محافل که از قلم حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکهٔ وصایای آن حضرت به "بیت عدل خصوصی" تسمیه شده‌اند هیئت‌های انتخاب کنندهٔ بیت العدل اعظم می‌باشند و اختیار و مسئولیّت هدایت و ایجاد اتّحاد و هماهنگی و تشویق اقدامات افراد و محافل محلّیِ تحت اِشراف‌شان به آنان اعطا شده است. این محافل ملّیه مستقرّ بر شالودهٔ وسیع جوامع متشکّل محلّی، و خود بمنزلهٔ ارکان مستحکم مؤسّسه‌ای که می‌باید به عنوان رأس نظم اداری محسوب گردد، توسّط نمایندگان جوامع محلّی بر اساس اصل نمایندگی متناسب (proportional representation) — تعداد نمایندگان بر اساس تعداد اعضای جامعه — تعیین می‌شود و در یک کانونشن که در ایّام عید اعظم رضوان گرد هم جمع می‌آیند انتخاب می‌شوند. این محافل ملّی از اختیارات لازم برخوردارند تا توسعهٔ هماهنگ و مؤثّر فعّالیّت‌های بهائی را در حوزهٔ مسئولیّت خود تضمین نمایند، در اتّخاذ خطّ مشی و تصمیمات‌شان از هرگونه مسئولیّت مستقیم در برابر انتخاب‌کنندگان آزادند، وظیفهٔ مقدّس‌شان این است که نظرات نمایندگان را مورد مشاوره قرار داده و خواستار پیشنهادات آنها بوده، در تصمیمات‌شان اطمینان و هم‌کاری نمایندگان را تضمین نمایند و نمایندگان را با نقشه‌ها و مسائل و عملکرد خود آشنا سازند، و از منابع صندوق ملّی که همهٔ مؤمنین به تقدیم تبرّعات در آن تشویق می‌شوند حمایت می‌گردند.

(ترجمه‌ای از کتاب قرن بدیع، *God Passes By*) **[۱۱]**

غیر ممکن خواهد بود که در این مرحله، ضرورت مؤسّسهٔ محفل روحانی ملّی را نادیده گرفت و یا در اهمّیّت فوق‌العادهٔ آن غلوّ نمود، مؤسّسه‌ای که فعّالیّت‌های احبّا در سراسر قارّهٔ امریکا حول آن می‌گردد. موقعیّت این محافل عظیم، مسئولیّت‌هایشان خطیر، و وظایف‌شان متعدّد و دشوار است. چه موهبت بزرگی و چه وظیفهٔ حسّاسی به عهدهٔ جمع وکلایی است که مأموریّت انتخاب چنین نمایندگان ملّی را بر عهده دارند، نمایندگانی که خدمات‌شان باعث جلال و غنای صفحات تاریخ این امر اعظم است. هرگاه توجّه خود را به شرایط عالیهٔ صلاحیّت اعضای محافل بهائی مذکور در الواح حضرت عبدالبهاء معطوف نماییم احساس ناامیدی و عدم لیاقت بر ما غلبه خواهد کرد و حقیقتاً مأیوس خواهیم شد مگر با این فکر تسلّی‌بخش که اگر با صداقت به ایفای وظایف خود قیام نماییم هر کمبودی در زندگی ما به صرف فضل و قوّت غالبهٔ الهیّه به نحو احسن جبران خواهد شد. از اینرو بر وکلای منتخب واجب است که بدون ادنی شائبه‌ای از حب و بغض، و بدون هیچگونه ملاحظات مادّی، اسامی کسانی را که به بهترین نحوی خصایص لازمهٔ وفاداری صرف، ایمان و انقطاع محض، حسن درایت، لیاقت و کفایت مشهود و تجارب کافی را دارا باشند منظور نظر خود قرار دهند. امید آنکه محفل روحانی ملّی جدید الانتخاب، آن خادمین ممتاز و منتخب امر الله، دورهٔ مسئولیّت خود را با انجام خدمات صمیمانه که بر افتخار، شکوه و قدرت اسم اعظم خواهد افزود، جاودان نمایند.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۳ ژوئن ۱۹۲۵ حضرت شوقی افندی) **[۱۲]**

امّا محفل روحانی ملّی که وظیفهٔ اجتناب‌ناپذیرش حفظ سلامت، اصالت فعّالیّت‌ها، هماهنگ ساختن آنها، و تشویق و ترویج حیات کلّ جامعه است، توجّه اصلی‌اش در حال حاضر باید معطوف به مشورت خالصانه در مورد این نکته باشد که

چگونه به بهترین وجه می‌تواند هم آحاد مؤمنین و هم محافل محلّی را قادر سازد تا وظایف مربوطهٔ خود را ایفا نمایند. [اعضای این محفل] باید از طریق درخواست‌های مکرّرشان، با آمادگی‌شان برای رفع هرگونه سوء تفاهم و برطرف کردن همهٔ موانع، با ارائهٔ حیات بهائی نمونه در زندگی‌شان، با مراقبت دائمی و حسّ عمیق عدالت‌خواهی و خضوع و خشوع و تقدّس و شجاعت‌شان، قابلیّت خود را در ایفای نقش خویش در پیشرفت نقشه به نفوسی که نمایندگان‌شان هستند نشان دهند، نقشه‌ای که در آن نقش‌شان کمتر از دیگر اعضای جامعه نیست. امید است که روح غالبه و نبّاض حضرت بهاءالله در هر یک از اجزاء این سیستم که به طور هماهنگ انجام وظیفه می‌نماید چنان نفوذ نماید که آن را قادر به ایفای سهم شایستهٔ خود در پیروزی نقشه نماید.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۳۰ ژانویه ۱۹۳۸ حضرت شوقی افندی) **[۱۳]**

در حالی که فرایند ترویج و تحکیم داخلی جامعه شتاب بیشتری می‌گیرد نمایندگان منتخب ملّی این جامعه نباید از وظیفهٔ دیگر خود که به همان اندازه اساسی و حیاتی است غفلت ورزند، یعنی حیات روحانی اعضای جامعهٔ خود را پیوسته غنا بخشند، فهم و درک آنان را از حقایق اساسی و تعالیم و اصول بنیانی آیین‌شان

عمیق سازند، آنان را به رعایت دقیق قوانین و احکام آن ملزم سازند، و با انعکاسی کامل‌تر از حقایق روح‌بخش و تعالی‌دهندهٔ ظهور حضرت بهاءالله در حیات و رفتار شخصی خود سرمشقی برای هم‌کیشان خویش باشند.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۲۴ ژوئن ۱۹۵۴ حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۱۴]**

هدف نظم اداری در این زمان آن است که شعلهٔ ایمان را که اخیراً در قلوب تازه‌تصدیقان مشتعل شده شعله‌ور سازد، شوق و قابلیّت تبلیغ را در آنان ایجاد نماید، امور مهاجرت و تبلیغ را تسهیل کند، و به تزیید معلومات و معارف دوستان کمک نماید.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۵۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۱۵]**

محفل باید همچون پدر یا مادری خردمند و مهربان امور احبّا را اداره نماید و همواره با شکیبایی و پشت‌کار، آنها را تشویق کرده و شور و اشتیاق انجام وظایف مربوطه را در قلوب آنان القا نماید.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به پنج محفل ملّی) **[۱۶]**

یکی از اهداف ساختار مؤسّسات نظم اداری تسهیل ارسال و دریافت هدایات، اطّلاعات و وجوه بین خودِ مؤسّسات ولی اغلب بین افراد یا گروه‌ها و مؤسّسات می‌باشد. هرچند روند هر یک از این امور به خصوص انتقال اطّلاعات که در مکالمات روزانه اتّفاق می‌افتد می‌تواند از طرق غیر رسمی انجام شود ولی با این حال همهٔ این امور ممکن است نیازمند سیستم و ابزار رسمی باشند که بعضی از آنها ساختار بسیار سازمان‌یافته‌ای دارند مانند سیستم حساب‌داری یا یک گزارش آماری، و بعضی کمتر سازمان یافته‌اند مثل تشکیل جلسه‌ای برای رسیدگی به موضوعی خاصّ یا وظیفه‌ای که انجام آن به نمایندگی از طرف هیئتی به یک منشی محوّل می‌گردد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) [۱۷]

روح خدمت صمیمانه

سزاوار است که برای هر خوانندهٔ محقّقی روشن باشد که از جمله برجسته‌ترین و مقدّس‌ترین وظایف مقرّرهٔ کسانی که برای ابداع، هدایت و هماهنگی امور امر بهائی دعوت شده‌اند آنست که به هر وسیلهٔ ممکن اعتماد و محبّت کسانی را که افتخار خدمت‌شان را دارند جلب نمایند. وظیفه‌شان تحقیق و آشنایی با نظریّات مطروحه، عواطف فایقه و آرای شخصّیهٔ نفوسی است که وجداناً مکلّف به ترویج رفاه آنان هستند. وظیفه‌شان آنست که یکباره و به کلّی مشاورات و تعاملات خود را از هرگونه رایحهٔ بی‌اعتنایی و کناره‌گیری، شک به پنهان‌کاری و جوّ خفقان‌آور اصرار مستبدّانه، و به طور خلاصه از هر قول و عملی که ادنی رایحهٔ تبعیض، خودخواهی و تعصّب از آن استشمام شود مبرّا سازند. وظیفه‌شان آنست که با حفظ حقّ مقدّس و انحصاری تصمیم‌گیری نهایی در کف کفایت خود، خواهان مذاکره، ارائهٔ اطّلاعات و ابراز تظلمات بوده از توصیه‌های حتّی وضیع‌ترین اعضای جامعهٔ بهائی استقبال کرده و منویّات خود را ابراز کنند، نقشه‌های خود را ارائه دهند، اقدامات خود را توجیه نمایند، تصمیمات خود را در صورت لزوم اصلاح کنند، روح ابتکار و تهوّر فردی را ترویج دهند، و حسّ هم‌بستگی و هم‌کاری، و درک و اعتماد متقابل را بین خود از یک طرف و از طرف دیگر بین همهٔ محافل محلّی و افراد مؤمنین تقویت نمایند.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷ حضرت شوقی افندی) [۱۸]

کارآیی اداری و نظم باید همواره با میزانی مساوی از محبّت، فداکاری و رشد روحانی توأم باشد. هر دو ضروری است و کوشش برای جدا ساختن یکی از دیگری، به منزله سلب روح از هیکل امر الله است. در این ایّام که آیین بهائی هنوز در مراحل طفولیّت خود می‌باشد دقّت فراوانی باید مبذول گردد تا مبادا امور عادی و روزمره صرفاً اداری روحیّهٔ لازم برای تقویت هیکل نظم اداری را تضعیف کند، روحیّه‌ای که نیروی محرّکه و قوّهٔ نافذهٔ حیات آن نظم اداری است.
ولی همانطور که تأکید شد هم روح و هم شکل اقدامات برای رشد سالم و سریع نظم اداری ضروری است. حفظ تعادل کامل میان این دو، وظیفهٔ اصلی و منحصر به فرد مسئولین اداری امر مبارک است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۰ دسامبر ۱۹۳۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۱۹]

دوستان هرگز نباید اشتباهاً نظم اداری بهائی را بنفسه مقصدی برای آیین بهائی بدانند. این نظم صرفاً وسیلهٔ جریان و سریان روح امر الله است. این امر الهی امری است که خداوند آن را برای جمیع بشر نازل ساخته است. این امر به منظور بهره‌مندی تمامی نوع بشر طراحی شده و تنها راهی که می‌تواند این منظور را متحقّق سازد این است که حیات جامعهٔ بشری را اصلاح کند و سعی در احیای نفوس نماید. نظم اداری بهائی فقط اوّلین شکل‌گیری چیزی است که در آینده حیات اجتماعی و قوانین زندگی جامعه خواهد بود. در حال حاضر پیروان امر الهی فقط در آغاز استنباط و عملکردی صحیح از آن هستند. بنا بر این اگر در مواقعی به نظر می‌رسد که نظم اداری در نحوهٔ عملکردش اندکی خودآگاه و انعطاف‌ناپذیر است باید صبور بود. زیرا ما در حال یادگیری امری بسیار دشوار امّا شگفت‌انگیز می‌باشیم و آن اینکه چگونه با یکدیگر به عنوان یک جامعهٔ بهائی بر اساس تعالیم پرشکوه جمال مبارک زندگی کنیم.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به دو نفر از احبّا) **[۲۰]**

با تفکّر در بارهٔ هشدار حضرت بهاءالله که "هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود" در می‌یابیم که نظم اداری مورد نظر آن حضرت در بر دارندهٔ اصول اجرایی لازم برای تأمین و حفظ آن اعتدالی است که "آزادی حقیقی" نوع بشر را تضمین خواهد نمود. با در نظر گرفتن همهٔ جوانب، آیا به نظر نمی‌رسد که نظم اداری همانا ساختار آزادی برای عصر ما باشد؟ حضرت عبدالبهاء در این مورد به ما اطمینان خاطر می‌دهند و می‌فرمایند که "حرّیّت معتدله که کافل سعادت عالم انسانیست و ضابط روابط عمومی در نهایت قوّت و وسعت در تعالیم حضرت بهاءالله موجود" است.

در این چارچوب آزادی، الگویی برای رفتار افراد و مؤسّسات موجود است که مؤثّر بودنش نه چندان به قوّهٔ قانون که البتّه باید مورد احترام باشد وابسته است بلکه منوط به قبول متقابل بودن منافع و به روح همکاری متّکی به اراده، شهامت، حسّ مسئولیّت و ابتکارات فردی می‌باشد، خصوصیّاتی که ناشی از تجلّی ایمان و تسلیم افراد در مقابل ارادهٔ الهی است. بنا بر این تعادلی از آزادی بین مؤسّسات — ملّی یا محلّی — و افرادی که به وجود مؤسّسات استمرار می‌بخشند موجود است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان ایالات متّحدهٔ امریکا) **[۲۱]**

به طور کلّی می‌توان گفت که دموکراسی های مدرن نتیجهٔ کوشش در راه محدود نمودن قدرت سلطنت مطلقه، استبداد و یا حاکمیّت طبقات خاصّ بوده است. این تحوّل یا به طور تدریجی در طول قرون و یا از طرق پر فراز و نشیب و به واسطهٔ انقلابات متعدّد حاصل شده است. بنا بر این حتّی بعد از برقراری قوانین اساسی و ساختارهای دموکراسی هنوز نوعی بدگمانی نسبت به قدرت پابرجا می‌ماند و کشمکشی بین میزان آزادی فردی شهروندان و تحمیل انضباط عمومیِ لازم برای حفظ ضعفا از اهداف خودخواهانهٔ شهروندان مقتدر موجود است. عملکرد با شفّافیّت، مسئولیّت‌پذیری، آزادی مطبوعات و بحث‌های منتقدانه بدین ترتیب آکنده از روحیّهٔ حزبی می‌شود و متعاقباً به آسانی به تهاجم بی‌رحمانه به حریم خصوصی افراد، انتشار افترا و تهمت، افزایش بی‌حدّ بی‌اعتمادی و سوء استفاده از مطبوعات توسّط گروه‌های ذی‌نفع، تنزّل می‌یابد. عکس‌العمل نفوسی که می‌کوشند خود را در مقابل تحریف سیستم حفظ کنند به مخفی‌کاری، پنهان نمودن بسیاری از حقایق نامطلوب و سوء استفادهٔ متقابل از مطبوعات تبدیل می‌شود — کلّاً ناهماهنگی دائمی در ساختار اجتماع.

در مقابل این الگوها که زاییدهٔ دشمنی‌های سنّتی دیرینه است، سیستم بهائی مبتنی بر آرمان‌های وحدت، هماهنگی، عدالت، تنوّع و مدارا، برای بنای یک ساختار نظم اداری از طریق فرایند کشف و یادگیری همگانی است. همانطور که ذکر شد قدرت‌جویی مطلقاً در میان نیست بلکه کلّیّهٔ اعضای جامعهٔ بهائی علیرغم سمتی که در نظم اداری موقّتاً بر عهده دارند، باید خود را مشارکت‌کننده‌ای در یک فرایند یادگیری بدانند و سعی کنند احکام و اصول دیانت بهائی را فرا گرفته به اجرا گذارند. به عنوان بخشی از این فرایند، محافل نیز ترغیب می‌شوند که پیوسته آمال، اهتمامات و اخبار پیشرفت امر الله را با اعضای جامعه در میان گذاشته، خواهان نظرات و حمایت‌شان باشند. البتّه مسائلی نیز هست مانند مشکلات شخصی که فردی از احبّا برای مشورت به محفل ارجاع می‌نماید و مبلغی که افراد به صندوق تبرّعات تقدیم می‌کنند و غیره که محفل باید آنها را کاملاً محرمانه تلقّی کند. به مانند هر نظام عادلانهٔ حکومتی باید به دنبال تعادلی صحیح بین افراط و تفریط در امور بود و آن را یافت. در این رابطه بیانات حضرت ولیّ‌امرالله در نظم اداری بهائی را مسلّماً به یاد خواهید آورد:

همچنین باید در نظر داشت که مرام امر الهی مرجعیّت مستبدّانه نیست بلکه اخوّت خاضعانه است، قدرت مطلقه نیست بلکه روح مشورت صادقانه و مشفقانه است. تنها یک بهائی واقعی می‌تواند امید آن را داشته باشد که بین اصول شفقت

و عدالت، آزادی و اطاعت، تقدّس حقوق فرد و تسلیم، و مراقبت، حزم و احتیاط از یک سو و دوستی، صراحت و شهامت از سوی دیگر تطبیق و توافق ایجاد نماید. (ترجمه)

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) **[۲۲]**

"باید مراقب باشیم که مبادا با توجّه بیش از حدّ به اِکمال تشکیلات اداری امری، مقصد الهی از ایجاد آن را از نظر دور داریم." هیکل مبارک به طور مکرّر فرموده‌اند که سیستم اداری بهائی "بایستی به منزلهٔ یک وسیله منظور شود و نه اینکه خود به یک هدف" تبدیل گردد و به وضوح می‌فرمایند که منظور نظم اداری خدمت به "مقاصد دوگانه" است. از یک سو "باید ترویج مستمرّ و تدریجی" امر الله را "از طرقی وسیع، صحیح و جامع هدف قرار دهد" و از سوی دیگر "باید تحکیم درونی توفیقات حاصله را موجب گردد." در ادامه می‌فرمایند که "تشکیلات اداری بهائی باید موجب شود که از طریق آن قوای پویای نهفته در امر الهی ظاهر و متبلور گردد و حیات و رفتار انسان‌ها را شکل دهد و هم به منزلهٔ واسطه‌ای برای تبادل افکار و هماهنگی فعّالیّت‌ها در بین عناصر متنوّعی که جامعهٔ بهائی را تشکیل می‌دهند عمل نماید."

امید وطید این جمع آن است که شما عزیزان در طیّ نقشهٔ بعدی در مساعی خود برای توسعهٔ صحیح و متوازن امور اداری امر الله در تمام سطوح، از محلّی تا ملّی، نهایت کوشش خود را به کار برید و به احبّا کمک نمایید تا وظایف خود را در بستر فرایند رشد جامعه که به نحوی ارگانیک در سراسر عالم در حال شتاب گرفتن است ایفا نمایند. تحقّق این امید به میزان زیادی بستگی به آن خواهد داشت که کسانی که به انجام چنین خدماتی دعوت شده‌اند — چه به عضویّت محفل روحانی انتخاب گردیده یا به عضویّت یکی از دوایر آن منتصب شده باشند، خواه به سمت هماهنگ‌کنندهٔ یک مؤسّسهٔ آموزشی برگزیده شده و یا به معاونت شما منصوب شده باشند — تا چه حدّ تشخیص دهند که این انتخاب یا انتصاب افتخار بزرگی است که نصیب آنان شده است و حدّ و مرزهایی را که این موهبت برایشان تعیین می‌نماید بشناسند.

خدمت در مؤسّسات و دوایر امری براستی موهبتی بس عظیم است ولی نه موهبتی که افراد به دنبال کسب آن باشند بلکه وظیفه و مسئولیّتی است که یک فرد ممکن است در هر مقطع زمانی به انجامش دعوت شود. کلّیّهٔ کسانی که در میادین اداری بهائی به خدمت مشغولند البتّه این احساس را خواهند داشت که افتخار بی‌نظیری شامل حال‌شان شده است زیرا که به نحوی از انحا جزئی از اجزای ساختاری هستند که به منظور سریان روح امر الله در عالم طرح‌ریزی شده است. امّا این افراد نباید تصوّر نمایند که چنین خدمتی این حقّ را به آنان می‌دهد که در حاشیهٔ فرایند یادگیری که همه جا در حال قوّت گرفتن است فعّالیّت نمایند و از انجام مستلزمات طبیعی آن معاف باشند. هم‌چنین نباید گمان رود که عضویّت در هیئت‌های اداری فرصتی فراهم می‌سازد که فرد با استفاده از آن بتواند استنباط شخصی خود را از مفاد آثار مقدّسه و از نحوهٔ اجرای تعالیم ترویج نماید و جامعه را در جهت اولویّت‌های شخصی خود سوق دهد. حضرت ولیّ‌امرالله در یکی از توقیعات مبارک به زبان انگلیسی با اشاره به اعضای محافل روحانی می‌فرمایند که "باید به کلّی خواسته‌ها و امیال خود و علایق و تمایلات شخصی خویش را نادیده گرفته فکر خود را حصر در اموری نمایند که خیر و صلاح جامعهٔ بهائی را در بر دارد و مصالح عمومی را ترویج می‌نماید." مؤسّسات بهائی اختیارات لازم برای هدایت احبّا و تأثیرگذاری اخلاقی، روحانی و عقلانی در زندگی افراد و جوامع را دارند. امّا این وظایف می‌بایستی با علم به این نکته انجام شود که خصلت بنیادین هویّت تشکیلاتی بهائی همانا روح خدمت صمیمانه است. یک چنین برداشتی از اختیار و تأثیرگذاری ایجاب می‌کند که کسانی که ادارهٔ امور امر الله به آنان واگذار شده از خود فداکاری نشان دهند. مگر نه این است که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "... آهنی که در کورهٔ آتش افتد صفات حدیدی که سیاهی و برودت و جمودت است و ناسوتیست مخفی و نابود گردد فضایل آتش که احمرار و ذوبان و

حرارتست و ملکوتیست در آهن ظاهر و باهر شود.“ مولای حنون هم‌چنین می‌فرمایند: ”... شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جان‌فشانی کنید و به جان‌فشانی شادمانی و کامرانی نمایید.“...

حضرت ولیّ‌امرالله با اشاره به حسن رفتار از ”عدالت، بی‌طرفی، صداقت، درست‌کاری، انصاف، قابل اعتماد بودن، و امانت“ نام می‌برند که می‌باید ”در همهٔ شئون و احوال ما به الامتیاز حیات جامعهٔ بهائی باشد“ و تأکید می‌فرمایند که هرچند این ضروریّات مربوط به همهٔ اعضای جامعه است امّا در درجهٔ اوّل متوجّه ”نمایندگان منتخب ایشان اعمّ از محلّی و منطقه‌ای و ملّی“ می‌باشد، نمایندگانی که علوّ اخلاقیشان باید با ”اثرات مخرّب و مأیوس‌کننده‌ای که بازتابی چشم‌گیر از یک حیات سیاسی پرفساد است“، در تضادّی آشکار باشد. هیکل مبارک خواهان ”تمسّکی دائم و خلل‌ناپذیر به حبل عدالت“ در ”جهانی که به نحو غریبی آشفته و بی‌نظم“ است می‌باشند و با نقل قول مکرّر از آثار مبارکهٔ جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء توجّه احبّا را به موازین عالی صداقت و امانت جلب می‌فرمایند. از احبّا می‌خواهند که در همهٔ جنبه‌های حیات خود — در معاملات تجاری، در حیات خانواده، در کلّیّهٔ مشاغل، در همهٔ خدمات امری و خدمت به مردم — به حسن رفتار مزیّن باشند و با پیروی قاطع از احکام و اصول امر مبارک الزامات آن را رعایت نمایند. حیات سیاسی در سال‌های بعد از صدور این بیان مبارک به وضوح در همه جا به نحو وحشتناکی رو به زوال بوده چنانچه مفهوم سیاست‌مداری عاری از معنا شده، سیاست‌گذاری به اسم ترقّی و پیشرفت در خدمت منافع اقتصادی عدّهٔ معدودی درآمده و اجازه داده شده است که تزویر و ریا موجب تضعیف کار ساختارهای اجتماعی و اقتصادی گردد. اگر در آن زمان رعایت موازین عالی بهائی توسّط احبّا مستلزم سعی و کوشش بسیار بود امروزه در جهانی که تقلّب را ارج می‌نهد، فساد را تشویق می‌کند و حقیقت را کالایی قابل معامله می‌داند، چقدر باید این تلاش شدیدتر باشد. پریشانی و اغتشاشی که بنیان اجتماع را تهدید می‌کند بس عظیم است و ارادهٔ همهٔ کسانی که به فعّالیّت‌های امری مشغولند باید آن‌چنان محکم و قویّ باشد که مبادا کوچک‌ترین شائبهٔ منافع شخصی بر قضاوت‌شان سایه افکند. سزاوار است که هماهنگ‌کنندگان هر مؤسّسهٔ آموزشی، اعضای هر لجنهٔ تبلیغ ناحیه‌ای، هر یک از اعضای هیئت معاونت و فرد فرد مساعدین‌شان و تمام اعضای هر نهاد امری محلّی، منطقه‌ای و ملّی، اعمّ از انتخابی و انتصابی، اهمّیّت نصایح حضرت ولیّ عزیز امر الله را درک نمایند و در قلب خود در بارهٔ مقتضیات شایستگی اخلاقی که هیکل مبارک با چنان صراحتی تشریح فرموده‌اند تأمّل و تعمّق نمایند تا سلوک و رفتارشان برای بشر خسته و مبتلا، یادآوری از شرافت ذاتی و سرنوشت عظیمی که در انتظار اوست باشد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۲۳]**

هم‌بستگی مؤسّسات انتخابی و انتصابی

هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای و محافل روحانی ملّی در وظایف ترویج و صیانت با هم سهیم‌اند امّا مشاورین تخصّصی در این وظایف در سطحی متفاوت و به شیوه‌ای متفاوت دارند. مشاورین از یک نقطه نظر قارّه‌ای دیدگاهی را با فعّالیّت‌های خود به ارمغان می‌آورند که وقتی به یک محفل ملّی به صورت مشورت، توصیه، پیشنهاد، یا نظریّه ارائه می‌شود، درک آن محفل را غنی می‌سازد، آن جمع را با تجربه‌ای وسیع‌تر از تجربهٔ خود آشنا می‌کند، و آن هیئت را تشویق می‌نماید تا چشم‌اندازی جهان‌شمول اتّخاذ کند....

با شروع چهارمین عهد عصر تکوین، روالی به کار گرفته شد که اهداف نقشه‌های ملّی از طریق مشورت بین محافل روحانی ملّی و مشاورین قارّه‌ای تدوین می‌شود. این روند مرحلهٔ جدیدی در بلوغ نظم اداری را آغاز کرد. این پیشرفت دو مزیّت عمده

در بر دارد: هر یک از این دو مؤسّسه را قادر می‌سازد که از تجارب و بینش‌های خاصّ دیگری بهره‌مند گردد و در نتیجه دو مجرای متمایز اطّلاعات از دو سطح اداری بهائی در فرایند نقشه‌ریزی مورد استفاده قرار گیرد؛ هم‌چنین تضمین می‌کند که مشاورین، آشنایی لازم را با سابقه و منطق و محتوای نقشه‌های ملّی داشته باشند، نقشه‌هایی که اصولاً باید از آنها حمایت کنند. هر دو مؤسّسه از چنین هم‌کاری قوّت می‌گیرند....

(ترجمه‌ای از دستخطّ مورّخ ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۲۴]**

مضافاً، نظم اداری بهائی علاوه بر محافل روحانی، مؤسّسات هیئت مشاورین قارّه‌ای و هیئت معاونت را نیز شامل می‌شود. مجهودات این هیئت‌ها با افراد، جامعه و با مؤسّسات به منظور کمک به حفظ روح حقیقی امر مبارک، اندرز به مؤسّسات مدیریّت جامعه و مساعدت آنها در نیل به آرمان‌های عالیه‌ای صورت می‌گیرد که حضرت بهاءالله و مولای حنون برایشان معیّن فرموده‌اند. همانطور که بیت العدل اعظم در پیام مورّخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۲ مرقوم فرموده‌اند "وجود مؤسّساتی با چنین مقامی متعالی متشکّل از نفوسی که نقشی حیاتی داشته، ولی هیچگونه اختیار تشریعی، اداری و قضایی ندارند، و کلّاً فاقد هرگونه نقش رهبری مذهبی و یا حقّ تبیین آثار الهی می‌باشند، از خصیصهٔ بی‌همتای نظم اداری بهائی است که در هیچ یک از ادیان سالفه سابقه نداشته است." (ترجمه) بیت العدل اعظم در ادامه تشریح نموده‌اند که فقط با رشد جامعهٔ پیروان اسم اعظم و با افزایش قابلیّت مؤمنین برای تأمّل در بارهٔ ساختار نظم اداری، عاری از نفوذ مفاهیم ادوار گذشته، می‌توان هم‌بستگی متقابل حیاتی این دو جناح نظم اداری را کاملاً درک نمود و به ارزش آن پی برد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) **[۲۵]**

نظم اداری مورد نظر حضرت بهاءالله مقاصد الهی خود را از طریق سیستمی از مؤسّسات که هر یک حوزهٔ عمل مشخّص خود را دار است تحقّق می‌بخشد. بیت العدل اعظم هیئت حاکمهٔ مرکزیِ این نظم می‌باشد که دستورالعملش آثار نازلهٔ حضرت بهاءالله و تبیینات و توضیحات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ‌امرالله است. تحت هدایت بیت العدل اعظم اختیارات امور قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی جامعهٔ بهائی توسّط محافل روحانی محلّی و ملّی اِعمال می‌گردد. این اختیارات هم‌چنین در حدودی که به آنها محول گردیده توسّط شوراهای منطقه‌ای، لجنات و سایر هیئت‌هایی که توسّط این مؤسّسات تأسیس می‌شود اِعمال می‌گردد.

اختیارات مؤسّسات انتخابی در اخذ تصمیمات لازم الاجرا برای جامعه، با نفوذ روحانی و اخلاقی و فکری‌ای همراه است که نظم اداری هم بر حیات مؤمنین و هم بر کار مؤسّسات امری اِعمال می‌دارد. این نفوذ از طریق خدمات نفوس منتصب به مقام رفیع مشاور و معاونین آنان خصوصیّت ویژه‌ای می‌یابد. مشاورین قارّه‌ای و اعضای هیئت‌های معاونت و مساعدین آنان علی‌الخصوص مسئول انجام وظایفی مربوط به صیانت و ترویج امر الله هستند. مشاورین قارّه‌ای در اجرای وظایف خویش در ظلّ هدایت دارالتّبلیغ بین‌المللی عمل می‌کنند که حوزهٔ اختیاراتش جهانی است و در ارتباط نزدیک با بیت العدل اعظم انجام وظیفه می‌کند.

دو مؤسّسهٔ مشاورین و محافل روحانی هر یک با اجرای نقش خاصّ خود در ایفای مسئولیّت صیانت و ترویج امر الله سهیم‌اند. تعامل هماهنگ بین این دو مؤسّسه، موجب سریان مداوم هدایت و تشویق و محبّت به احبّا گردیده مجهودات فردی و جمعی آنان را در ترقّی و تقدّم امر مبارک تقویت می‌نماید....

مشاورین و اعضای هیئت معاونت با فراغت از مسئولیّت‌های اداری محوّله به مؤسّسات انتخابی، قادرند قوای خویش را متمرکز در تشویق و ترغیب احبّا و تشکیلات امری و جوامع بهائی به تمسّک به اصول نمایند. درک مشاورین و معاونین از تعالیم الهی همراه

با تدابیری که زاییدهٔ تجربیّات حاصله از اشتغال آنان به جنبه‌های متعدّد فعّالیّت‌های امری است ایشان را به خصوص برای ارائه اندرزهای مفید برای کار نهادهای انتخابی واجد شرایط می‌سازد. به علاوه، این واقعیّت که این نفوس منتصبه حائز مقامی بالاتر از محافل روحانی هستند تضمین می‌کند که کاملاً در جریان امور قرار گیرند و محافل روحانی به پیشنهادات و توصیه‌های آنان توجّهی شایسته مبذول دارند. فرایندهای اداری امر الهی تنها مربوط به امور قضایی، احکام و مقرّرات، و برنامه‌هایی که اقدامات را جهت می‌بخشد نیستند بلکه شامل تمهیداتی نیز می‌شوند که موجب جلب حمایت صمیمانهٔ احبّا و هدایت قوای آنان می‌گردد.

(ترجمه‌ای از سند مؤسّسهٔ مشاورین) **[۲۶]**

رابطهٔ هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای با محافل روحانی ملّی یک همکاری محبّت‌آمیز بین دو مؤسّسهٔ امر مبارک است، مؤسّساتی که هر دو برای مقاصد مشترکی خدمت می‌کنند و مشتاق‌اند که نزول تأییدات الهیّه را بر مساعی احبّا در ترویج و استقرار مستحکم امر الله مشاهده نمایند؛ رابطه‌ای است در حال تکامل که هر چه این دو مؤسّسه بیشتر با چالشِ ساختن جوامع بهائی مواجه گردند و در کمال مباهات ترقّی و تقدّم امر الهی را مشاهده نمایند، از غنای بیشتری برخوردار می‌گردد.

با همکاری مشاورین قارّه‌ای محافل روحانی ملّی برای تضمین ترویج و تحکیم جامعه، تمام تصمیمات اجرایی لازم را اتّخاذ نموده مسئولیّت اجرای آنها را به عهده می‌گیرند. مشاورین در انجام وظایف خود چشم‌اندازی قارّه‌ای دارند و وقتی که آن را به صورت پند، راهنمایی، توصیه، پیشنهاد و یا اظهار نظر به محافل ارائه می‌دهند، درک آن محافل را گسترش می‌دهند، آنان را با تجربیّاتی وسیع‌تر از تجارب خودشان آشنا می‌سازند، و به حفظ بینشی جهان‌شمول تشویق می‌نمایند.

مشاورین که منتصَبین بیت العدل اعظم هستند به مرجع امر الهی کمک می‌کنند تا شالودهٔ محافل روحانی ملّی را استحکام بخشند، تشکیلات و جوامع تحت اِشراف این محافل را گسترش دهند، قوای آنها را بپرورند، و صیانت آنها را تضمین نمایند. از طریق هیئت‌های معاونت، مشاورین دامنهٔ بهره‌مندی اقدامات خود را به محافل روحانی محلّی و سطح مردمی جامعه گسترش می‌دهند.

مشاورین در ایفای مسئولیّت‌های خود، از ابتکارات و تصمیمات متّخذهٔ یک محفل روحانی ملّی که اغلب منبعث از مذاکرات مشترک هر دو مؤسّسه می‌باشد حمایت می‌کنند. اعضای هیئت معاونت ماهیّت و هدفِ این اقدامات را برای احبّا توضیح می‌دهند، آنان را به قیام و اجابتِ دعوت محفل ملّی ترغیب می‌نمایند و به استمرار در وحدت عمل تشویق می‌کنند. مشاورین در تعیین شیوهٔ عمل مؤسّسهٔ خود برای ایفای این وظایف البتّه آزادی عمل وسیعی دارند.

یک جنبهٔ حسّاس کار مشاورین که آنان را قادر می‌سازد که توصیه‌های ارزشمندی به محافل روحانی ملّی ارائه دهند، دوری جستن آنان از جزئیّات امور اداری است، فراغتی که به آنها اجازه می‌دهد تا همّ خود را در مواضیع اساسی و حیاتی امر مبارک متمرکز سازند. امّا باید مراقب بود که این دوری جستن به وضعی افراطی نیانجامد. مشاورین نباید در ابراز نظریّات خود به محافل روحانی ملّی در بارهٔ مسائل اداری ممانعتی داشته باشند و محافل ملّی نباید برای استفاده از فرصت مشورت با مشاورین در مورد چنین مطالبی احساس محدودیّت کنند.

مشاورین نه تنها حقّ دارند بلکه موظّف‌اند که با محافل روحانی ملّی در اجرای وظایف خاصّ آنها مذاکره کنند، آنها را راهنمایی نمایند و توصیه‌های خود را به آنها ارائه دهند. ایشان در مورد هر نوع مشکلات و گرایش‌هایی در جامعهٔ بهائی که احساس می‌کنند مستلزم توجّه خاصّ می‌باشد به محافل ملّی هشدار می‌دهند. در این زمینه نگرانی آنان حتّی می‌تواند شامل عملکرد خود محفل ملّی باشد. اگر مشاورین در کار یک محفل ملّی یا تشکیلات وابستهٔ آن انحراف شدیدی از اصول نظم

اداری یا سایر اصول مشاهده کنند باید بدون ادنی بیم و نگرانی از اینکه ممکن است چنین اقدامی به ایجاد تنش بین دو مؤسّسه منجر گردد با محفل ملّی در این خصوص مشورت کرده و اقداماتی اصلاحی پیشنهاد نمایند.

(ترجمه‌ای از سند مؤسّسهٔ مشاورین) **[۲۷]**

تلاش‌هایتان برای افزایش درک شما از ماهیّت هم‌کاری با مشاورین که موفّقیّت آن برای پیشبرد امر الله ضروری است، مورد تقدیر و امتنان بیت العدل اعظم می‌باشد. همانطور که از مطالعهٔ سند ”مؤسّسهٔ مشاورین“ می‌دانید، ”رابطهٔ هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای با محافل روحانی ملّی یک هم‌کاری محبّت‌آمیز بین دو مؤسّسهٔ امر مبارک است، مؤسّساتی که هر دو برای مقاصد مشترکی خدمت می‌کنند و مشتاق‌اند که نزول تأییدات الهیّه را بر مساعی احبّا در ترویج و استقرار مستحکم امر الله مشاهده نمایند“. (ترجمه) با ارتباطی نزدیک و محترمانه، مشاورین و محافل ملّی در انجام طیف وسیعی از مسئولیّت‌هایی که به آنان سپرده شده و در بسیاری از آنها با یکدیگر شریک‌اند، با هم هم‌کاری می‌کنند.

برای درک بهتر فرایند این هم‌کاری، ممکن است مفید باشد که چشم‌انداز وسیع‌تر تصمیم‌گیری و مشورت مورد توجّه قرار گیرد. البتّه شما با این اصل آشنا هستید که یک محفل ملّی به طور کلّی یک تصمیم نهایی را وقتی اتّخاذ می‌کند که فقط اعضای محفل حضور دارند. در عمل، به کار بردن درجه‌ای از انعطاف‌پذیری معقول است به ویژه در مورد خاصّ مشورت‌های شما با مشاورین. برای مثال، در مواردی که موضوعات مشترک با مشاورین مورد بحث قرار می‌گیرد — مانند مؤسّسهٔ آموزشی یا سایر حوزه‌هایی که موفّقیّت آنها به هم‌کاری کامل و توافق این دو مؤسّسه بستگی دارد — اغلب اتّفاق می‌افتد که در جریان مشورت، وحدت نظر حاصل می‌شود، از جمله در مورد تصمیمات مربوط به اقدامات مشخّصی که باید پی‌گیری شوند. در چنین مواردی، صحیح خواهد بود که محفل ملّی نتایج شور و بررسی‌ها را بپذیرد و آنها را به عنوان تصمیمات خود در خلاصه مذاکرات ثبت نماید. همانطور که در سند ”مؤسّسهٔ مشاورین“ ذکر شده است ”روابط و طرز برخورد مشاورین و محافل روحانی ملّی با یکدیگر ناشی از کاربرد قانونی مقرّرات مربوط به روابط کاری آنها نیست“ و ”هم‌کاری‌های این دو مؤسّسه در فضایی محبّت‌آمیز و با رعایت مراتب احترام واقعی شکوفا می‌گردد.“ (ترجمه)

شایسته است هنگامی که مشاورین و محافل روحانی ملّی به وظایف خود می‌پردازند از افراط و تفریط پرهیز نمایند. تأکید بیش از حدّ بر فواید وحدت نظر ممکن است به این محدودیّت منجر شود که همه چیز باید با هم تصمیم‌گیری شود. از سوی دیگر، تمرکز بی‌حاصل بر نقش‌ها می‌تواند به مقرّرات خشک و نامناسبی بینجامد که فی‌المثل مشاورین توصیه می‌نمایند، محافل ملّی تصمیم می‌گیرند، و مشاورین از آن حمایت می‌کنند. علاوه بر این، اگر در جلسهٔ مشترکی، عضوی از محفل ملّی نظراتی مخالف با دیدگاه ارائه شدهٔ مشاور داشته باشد ولی آنها را تا زمانی که محفل به تنهایی جلسه دارد مطرح نکند، فرصت دستیابی به وضوح و فهم مشترک را از همه شرکت‌کنندگان سلب می‌کند. در اینجا نیز به انعطاف‌پذیری نیاز است چرا که همهٔ مشورت‌ها به منظور رسیدن به نتیجه‌ای مشخّص صورت نمی‌گیرد، همانگونه که در یک کانونشن هدف ایجاد وحدت نظر، ایجاد یک چشم‌انداز، اتّخاذ روندی استراتژیک، یا آمادگی و تمایل برای عمل است. از آنجایی که تمام مشورت‌ها بین این دو مؤسّسه در جلسات شور صورت نمی‌گیرد؛ هنگامی که برنامه‌های توافق شده اجرا می‌شوند و پاسخ به تحوّلات جدید تعیین می‌شود باید امکان و وسعت عمل برای مشورت‌های مداوم فراهم باشد، برای مثال، بین یکی از مشاورین و منشی محفل ملّی. حضرت ولیّ‌امرالله در مورد ضرورت انعطاف‌پذیری در ادارهٔ امور امر الله، در نامه‌ای به یک محفل ملّی بیان فرمودند ”روح کامل نظام حضرت بهاءالله اینست: پیروی انعطاف‌ناپذیر از مبادی اصلی و بنیادین، و انعطاف‌پذیری و حتّی قدری تنوّعِ ضروری در امور فرعی.“ (ترجمه) بیت العدل اعظم نیز نسبت به پیامدهای پیروی بیش از حدّ از جنبه‌های فنّی عملکرد اداری‌مان چنین

هشدار داده‌اند "امّا پرداختن به نکات فنّی نظم اداری بهائی بدون توجّه به روح نبّاض امر مبارک، به یک انحراف و به نوعی سکولاریسم خشک و بی‌روح می‌انجامد که با ماهیّت نظم اداری بیگانه است." (ترجمه)

چنان که در سند "مؤسّسهٔ مشاورین" بیان شده است رابطهٔ هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای با محفل روحانی ملّی "رابطه‌ای است در حال تکامل که هر چه این دو مؤسّسه بیشتر با چالشِ ساختن جوامع بهائی مواجه گردند و در کمال مباهات ترقّی و تقدّم امر الهی را مشاهده نمایند، از غنای بیشتری برخوردار می‌گردد. " (ترجمه) با پیشرفت و پیچیده‌تر شدن امور امر الله، ابعاد جدیدی از "همبستگی پویای مؤسّسات" (ترجمه) بین این دو مؤسّسه پدیدار خواهد شد و روش‌های نوینی برای تصمیم‌گیری به وجود خواهد آمد. هنر و مهارت مشورت بهائی نیز در حال تکامل است؛ هر چه اصول مشورت به شکلی کامل‌تر به کار گرفته شود، کیفیّت هم‌کاری میان مؤسّسات بهبود خواهد یافت و محرّکی بیشتر برای رشد و توسعهٔ امر الله و غنای حیات روحانی جامعه خواهد شد. بیت العدل اعظم به توانایی شما در حلّ مسائل مطرح شده از طریق مطالعهٔ مستمرّ و دقیق سند "مؤسّسهٔ مشاورین" و مشورت‌های مشفقانه با مشاورین، اطمینان دارند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۵ مارس ۲۰۱۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۲۸]**

در عرصهٔ نظم اداری بهائی قابلیّت محافل روحانی ملّی برای ادارهٔ امور جوامع خود با همهٔ پیچیدگی‌های فزاینده‌اش به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. این محافل علی‌الخصوص از همکاری مضاعف با

مشاورین قارّه‌ای بهره برده‌اند، مؤسّسه‌ای که در سیستماتیک نمودن جمع‌آوری بینش‌هایی از سطح مردمی در سراسر جهان و تضمین گسترش وسیع آن بسیار مؤثّر است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۲۱ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۲۹]**

تسهیل یک چارچوب عملِ در حال تکامل

تکامل نظم اداری و مؤسّسات آن

با آگاهی از مسئولیّت‌های عالیهٔ خویش و اعتماد به نیروی اجتماع‌سازی که آیین‌شان دارا است مساعی خود را بی‌هراس و بی‌واهمه برای ایجاد و اِکمال وسایل و ابزار لازمه‌ای معطوف می‌دارند که نظم جنینی جهانی حضرت بهاءالله می‌تواند در آن رشد و توسعه یابد. همین فرایند نامشهود و بطیء سازندگی است که یگانه روزنهٔ امید اجتماع مبتلای کنونی می‌باشد، جریانی که حیات جامعهٔ جهانی بهائی را به خود معطوف داشته است زیرا که خالق آن همانا قوّهٔ نافذهٔ منبعثه از مشیّت لن یتغیّر الهی است و در قالب نظم اداری بهائی در نشو و نما است.

در جهانی که بنیان مؤسّسات سیاسی و اجتماعی‌اش معیوب، بینشش تاریک، وجدانش آشفته و نظام‌های دینیش ضعیف و عاری از فضایل و مناقب است، این عامل شفابخش، این نیروی تقلیب‌کننده، این قوّهٔ الفت‌دهنده در غایتِ جلوه و تأثیر، به تدریج در کالبد مؤسّسات متبلور می‌شود و نیروهایش را بسیج می‌کند و برای فتح روحانی جهان و رستگاری بشر آماده می‌شود. هرچند جامعه‌ای که آمالش را تجسّم داده بسی کوچک و فواید مستقیم و محسوسش قلیل است، امّا قوای مکنونه‌اش که برای احیای بشر و بازسازی جهان از هم گسیخته خلق شده غیر قابل محاسبه است.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶ حضرت شوقی افندی) **[۳۰]**

دوّمین اصل اساسی که ما را قادر به درک الگویی می‌سازد که حضرت بهاءالله برای جامعهٔ بشری در نظر دارند اصل رشد ارگانیک است که مستلزم آن می‌باشد که توسعهٔ مشروح و درک جزئیّات آن فقط با گذشت زمان و با هدایات مرجع منصوص امر الهی که مرجع کلّ است میسّر گردد. در این مورد می‌توان مثال یک درخت را ذکر نمود. اگر باغبانی درختی غرس نماید او در آن لحظه قادر نیست از بلندی دقیق، از تعداد شاخه‌ها و یا زمان مشخّص بروز شکوفه‌های درخت سخنی گوید ولی می‌تواند به طور کلّی در بارهٔ اندازه و نحوهٔ رشد درخت اظهار نظر کند و با قاطعیّت ابراز نماید که چه ثمری به بار خواهد آورد. همین مثال در مورد تکامل نظم جهانی حضرت بهاءالله صادق است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۷ آوریل ۱۹۹۵ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) **[۳۱]**

در مورد مؤسّسات امری، دخول افواج به همان اندازه بر مؤسّسات تأثیر خواهد گذاشت که مؤسّسات در راه تحقّق دخول افواج عمل نمایند. در این برهه از زمان، تکامل محافل محلّی و ملّیِ بهائی مستلزم طرز تفکّری جدید هم از طرف اعضای آن مؤسّسات و هم از سوی انتخاب‌کنندگان آنهاست زیرا جامعهٔ بهائی دست‌اندرکارِ یک فرایند تاریخیِ عظیمی است که در حال ورود به مرحله‌ای حسّاس می‌باشد. مؤسّساتی که حضرت بهاءالله به عالم عطا فرموده‌اند باید تحت نظامی عمل نمایند که برای جهت‌بخشی به قوای یک تمدّن نوین طرح‌ریزی شده است. پیشرفت به سوی تحقّق آن هدف شکوه‌مند نیاز به گسترش وسیع و مداوم جامعهٔ بهائی دارد تا میدان کافی برای بلوغ این مؤسّسات فراهم شود. این مسئله برای پیروان متمسّک جمال قدم در همهٔ عالم از اهمّیّتی فوری برخوردار است.

برای تحرّک بخشیدن و ممکن ساختن چنین گسترشی، محافل روحانی باید به مرحلهٔ جدیدی در ایفای مسئولیّت‌های خود به عنوان مجاری هدایت الهی، طرّاحان فعّالیّت‌های تبلیغی، مربّیان منابع انسانی، سازندگان جوامع، و نگهبانان مهربانِ تودهٔ مردم، برسند. محافل می‌توانند با افزایش توانایی اعضای خود در مشاوره با یکدیگر بر اساس اصول امری و در مشورت با احبّای ساکن در مناطق تحت اشراف خود، با پرورش روح خدمت، با هم‌کاری مشتاقانه و خودجوش با مشاورین قارّه‌ای و معاونین‌شان، و با توسعه دادنِ روابط خارجی، به این انتظارات جامهٔ عمل بپوشانند. پیشرفت در تکاملِ مؤسّسات به خصوص باید در افزایش تعداد مناطقی مشاهده شود که در آنها عملیّاتِ محفل روحانی مایهٔ ازدیاد قابلیّت احبّا در خدمت به امر الله و تقویت وحدت در عمل می‌گردد. خلاصه آنکه، بلوغ محفل روحانی نباید فقط برحسب تشکیل مرتّب جلسات و کارآیی نحوهٔ عملش سنجیده شود بلکه باید نسبت به رشد مستمرّ تعداد اعضای جامعه، ثمربخش بودن روابط متقابل بین محفل و اعضای جامعه، کیفیّت حیات روحانی و اجتماعی جامعه، و تحرّک و نشاط همه‌جانبهٔ جامعه‌ای که دست‌اندرکار فرایندِ پیشرفتی پویا و پیشرو است، سنجیده شود.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۳۲]**

مؤسّسات نظم اداری حضرت بهاءالله که از تمهیدات نازله از قلم اعلی نشئت گرفته‌اند، به تدریج و به طور طبیعی به موازات رشد و توسعهٔ جامعهٔ بهائی تحت تأثیر نفثات قدسیّه‌ای که در این عصر نورانی بر نوع بشر دمیده شده، پدید آمده‌اند. خصوصیّات و وظایف هر یک از این مؤسّسات و همچنین روابط بین آنها تکامل یافته و هنوز نیز در حال تکامل است. توقیعات حضرت ولیّ عزیز امر الله عناصر اصلی این نظم افخم را تشریح نموده و تصریح می‌نماید که نظم اداری گرچه از بسیاری جهات از نظم جهانی بدیعی که ظهور آیین بهائی مقدّر است آن را به عرصهٔ وجود درآورد متفاوت می‌باشد ولیکن در عین حال هم ”هستهٔ مرکزی“ و هم ”الگوی“ (ترجمه) آن نظم جهانی است. به این ترتیب، تکامل مؤسّسات نظم اداری هرچند برای

مواجهه با شرایط در حال تغییر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف عوامل متغیّری را دنبال می‌کند، امّا باید دقیقاً از اصول اساسی نظامات بهائی مصرّحه در آثار مقدّسه و مندرجه در تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ‌امرالله پیروی نماید.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۳۰ مه ۱۹۹۷ بیت العدل اعظم خطاب به محافل ملّی) **[۳۳]**

در مشاورات خود در بارهٔ ماهیّت این مرحلهٔ بعدیِ پیشرفت نقشهٔ الهی، باید وسعت و عظمت تغییراتی را که در مقدّرات امر الله در حال وقوع است در نظر داشته باشید. اتمام ابنیهٔ عظیمهٔ حول قوس در مرکز جهانی نمایان‌گر گامی عمده در سبیل تحکیم اساس نظم بدیع اداری الهی است. نقشهٔ چهارساله شاهد افزایش فوق‌العاده‌ای در قابلیّت تشکیلاتی جوامع بهائی در جمیع قارّات عالم بود. سیر تکاملی محافل ملّی و محلّی به وضوح سرعت گرفته و شوراهای منطقه‌ای در هر کجا که تأسیس شده‌اند انرژی و کارآیی جدیدی در امور امری به وجود آورده‌اند. با پیدایش و شکوفایی بیش از ۳۰۰ مؤسّسهٔ آموزشی، امر مبارک هم‌اکنون وسیله‌ای پرقدرت برای پرورش منابع انسانی که لازمهٔ استمرار بخشیدن به ترویج و تحکیم گسترده است در اختیار دارد. علاوه بر آن، توانایی جامعهٔ بهائی برای تأثیرگذاری بر مسیر امور عالم انسانی، هم از طریق ارتباط آن با دول و سازمان‌های جامعهٔ مدنی و هم از طریق فعّالیّت‌های خود در عرصهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، به مراتب افزایش یافته است. در مقطعی از تاریخ که علی‌رغم آشفتگی‌ها و فوران دشمنی‌های تازه، جهان پیشرفتی سریع و واقعی به سوی صلح نموده است، امر حضرت بهاءالله در آستانهٔ عهد جدیدی قرار دارد. آمادگی فزاینده‌ای برای پذیرش روح نافذ و مشعشع الهی را می‌توان به وضوح در دنیا مشاهده نمود.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۹ ژانویه ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۳۴]**

همانطور که به خوبی آگاهید، نظم اداری تحت هدایت و نظارت بیت العدل اعظم در حال توسعه است. بیت العدل اعظم با توجّه به مستلزمات مصالح امر الله، وظایف محوّله به محافل روحانی، شوراهای منطقه‌ای بهائی، مشاورین و اعضای هیئت‌های معاونت، و همچنین تعامل روزافزون بین این نهادهای مختلف را تشریح

می‌نمایند. تمامی این مسائل در چارچوب اصول اساسی رخ می‌دهد که تعیین‌کنندهٔ تمایز بین وظایف واگذار شده به مؤسّسات انتخابی و وظایف تعیین شده برای مؤسّساتی است که عمدتاً به عنوان افراد فعّالیّت می‌کنند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۸ فوریه ۲۰۰۴ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) **[۳۵]**

هشتاد سال پیش در مکتوبی صادره از جانب حضرت ولیّ‌امرالله در توصیف نظم اداری بهائی توضیح داده شده است که این نظم "اوّلین شکل‌گیری چیزی است که در آینده حیات اجتماعی و قوانین زندگی جامعه خواهد بود."(ترجمه) امروز در آغاز قرن دوم عصر تکوین، نظم اداری بهائی به میزان قابل ملاحظه‌ای توسعه یافته است و توسعهٔ مستمرّ آن برای ظاهر ساختن نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی لازم خواهد بود.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۳۶]**

روحیّهٔ یادگیری

در فرهنگ جامعهٔ بهائی تغییری ایجاد شد. این تغییر، در توان‌مندی گسترش یافته، در روش منظّم اجرای امور و نتیجتاً در عمق اطمینانِ مشارکت‌کنندگانِ سه‌گانهٔ نقشه یعنی فرد، مؤسّسات و جامعهٔ محلّی قابل ملاحظه است. علّت تغییر این است که احبّا بیش از پیش در صدد بر آمدند تا با جدّیّت بیشتری معلومات خود را در بارهٔ تعالیم الهی افزایش دهند و به خوبی و به نحوی سیستماتیک‌تر از گذشته آموختند که چگونه این معلومات را در انتشار امر الله، در ادارهٔ فعّالیّت‌های فردی و جمعی خویش و در مراوده با همسایگان خود به کار گیرند. بدین معنی که چنان شیوه‌ای از یادگیری را در پیش گرفتند که نتیجه‌اش دنبال کردن اقدام هدف‌مند بود. محرّک عمدهٔ این تغییر، سیستم مؤسّسات آموزشی تأسیس یافته در سراسر جهان با سرعتی چشمگیر بود، موفّقیّتی که شایسته است در عرصهٔ ترویج و تحکیم مهمّ‌ترین میراث نقشهٔ چهارساله به شمار آید.

در افزایش قابلیّت افراد برای تبلیغ امر الله با شواهدش در ازدیاد ابتکارات فردی؛ در افزایش توانایی محافل روحانی و شوراهای منطقه‌ای و لجنات برای هدایت مجهودات احبّا؛ و در ارائه الگوهای جدید فکر و عمل که رفتار جمعیِ جامعهٔ محلّی را تحت تأثیر قرار داده — در تمامی این مراتب، سیستم مؤسّسات آموزشی ضرورت حتمی خود را به عنوان مولّد نیرو و موتورِ فرایند دخول افواج به ثبوت رساند.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۳۷]**

اقدامات مصمّم محافل روحانی ملّی، با همکاری مشاورین، در پاسخ به چالش‌های اداری که رشد در مقیاس وسیع در سطح محدودهٔ جغرافیایی به وجود آورده نیز سبب دلگرمی است. طرح‌های اجرایی اغلب شامل انتصاب یک یا چند فرد از طرف مؤسّسهٔ آموزشی برای هماهنگ کردن دوره‌های متوالی اصلی و نیز برنامه‌های کودکان و نوجوانان است. انتصاب یک لجنهٔ ناحیه‌ای تبلیغ از طرف شورای منطقه‌ای و یا محفل ملّی برای ادارهٔ جوانب دیگر مجهودات سیستماتیک در راه ترویج و تحکیم سریع نیز ضروری است. اعضای هیئت معاونت در هر دو میدان فعّالیّت می‌نمایند تا مطمئن شوند دو حرکتی که شاخص فرایند رشد شناخته شده است بدون وقفه به پیش می‌رود. در حالی که این اجزاء مختلف به تدریج در محدوده‌ها یکی بعد از دیگری شکل می‌گیرد، هنوز مسائل بسیار دیگری در مورد عملکرد هر کدام و ارتباط‌شان با یکدیگر باید آموخته شود. حائز اهمیّت آنست که انعطاف‌پذیری فعلی که اجازهٔ تهیّهٔ لوازم و تمهیدات جدید لازم را می‌دهد خدشه‌ای نبیند و طرح هم‌آهنگ کردن فعّالیّت‌ها در سطح محدوده متناسب با احتیاجات رشد جامعه باشد. امیدواریم که شما و محافل ملّی این فرایند یادگیری را هدایت نمایید.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۳۸]**

مطالعهٔ آثار امری و کوشش برای درک بهتر ظهور شکوه‌مند حضرت بهاءالله تکلیفی است که بر عهدهٔ هر یک از پیروان آن حضرت گذاشته شده است. همه موظّفند که بر حسب توان و تمایل خود، در بحر زخّار ظهور اعظمش کاوش نمایند و از لآلی حکمت که در آن به ودیعه گذاشته شده بهره برند. بدین ترتیب کلاس‌های محلّی تزیید معلومات، مدارس تابستانه و زمستانه، و جلسات مخصوصی که در آن احبّای متبحّر در آثار بهائی می‌توانستند بینش خود را در بارهٔ مواضیع مختلف با دیگران در میان بگذارند طبیعتاً از ویژگی‌های برجستهٔ حیات بهائی گردید. همان گونه که عادت به تلاوت روزانهٔ آیات الهی جزئی ضروری از هویّت بهائی باقی خواهد ماند، این نوع مطالعات نیز جزئی از حیات جمعی جامعه خواهد بود. امّا وقتی مطالعه و خدمت با هم توأم گردد و هم‌زمان صورت گیرد، درک مقتضیات آیات الهی هم برای رشد فردی و هم برای پیشرفت اجتماعی چندین برابر افزایش می‌یابد. در میدان خدمت، دانش مورد آزمایش قرار می‌گیرد، سؤالاتی در حین عمل پیش می‌آید و

مدارج جدیدی از فهم و ادراک حاصل می‌شود. به مدد سیستم آموزشِ از راه دور که اکنون در کشورهای مختلف یکی پس از دیگری تأسیس گردیده و عناصر اصلی آن شامل حلقهٔ مطالعه، راهنما و موادّ درسی مؤسّسهٔ آموزشی روحی است، جامعهٔ جهانی بهائی این توان‌مندی را کسب نموده که هزاران بل میلیون‌ها نفر را قادر سازد که آثار الهی را در گروه‌های کوچک با هدفِ مشخّص تحقّق بخشیدن به تعالیم بهائی و پیشبرد فعّالیّت‌های امری به مرحلهٔ بعدی یعنی ترویج و تحکیم مستمرّ در مقیاسی وسیع، مطالعه نمایند....

اهمّیّت حصول چنین امکاناتی را نباید نادیده گرفت. بی‌ارادگی و بی‌تفاوتی مولود فشارهای اجتماع امروزی است. اشتیاق به تفریح و سرگرمی از کودکی با کارآیی روزافزون تقویت می‌شود و نسل‌هایی تربیت می‌گردند که با میل و رضا از هر کس که در برانگیختن احساسات سطحی مهارت دارد پیروی می‌کنند. حتّی در بسیاری از نظام‌های آموزشی، با محصّلین طوری رفتار می‌شود که گویا ظروفی تهی برای دریافت اطّلاعات هستند. اینکه عالم بهائی موفّق به ایجاد فرهنگی شده است که شیوه‌ای از تفکّر، مطالعه و عمل را ترویج می‌دهد و همگان خود را رهروان یک مسیر خدمت می‌دانند — یک‌دیگر را مساعدت نموده با هم به پیش می‌روند، دانشی را که هر یک در هر مقطع زمانی دارا است ارج می‌نهند و از گروه‌بندی مؤمنین به دسته‌هایی مثل ”بامعلومات“ و ”بی‌معلومات“ اجتناب می‌ورزند — موفّقیّتی است بس عظیم و در آن تحرّک یک نهضت توقّف‌ناپذیر به چشم می‌خورد.

این پیشرفت فرهنگی نه فقط بر روابط بین افراد تأثیر می‌گذارد بلکه پیامدهایش را می‌توان در اجرای امور اداری امری نیز ملاحظه نمود. از آنجا که یادگیریْ شاخص نحوهٔ عمل جامعه شده است برخی از جنبه‌های تصمیم‌گیری در زمینهٔ ترویج و تحکیم به جمع مؤمنین محوّل گردیده تا برنامه‌ریزی و اجرای آن بتواند بیشتر پاسخگوی وضعیّت موجود محل باشد. به خصوص برای کسانی که در سطح محدودهٔ جغرافیایی به فعّالیّت مشغولند، فضایی از طریق جلسات تأمّل و تفکّر به وجود آمده است که هر از گاهی دور هم جمع شوند و در پرتو تجربه و راهنمایی مؤسّسات امری در مورد موقعیّت فعلی خود به اتّفاق نظر رسند و گام‌های بعدی را مشخّص نمایند. فضای مشابهی توسّط مؤسّسهٔ آموزشی به وجود آمده که تمهیداتی برای افرادی که در مقام راهنمایان، معلّمین کلاس‌های کودکان و مشوّقین گروه‌های نوجوانان در محدودهٔ جغرافیایی خدمت می‌کنند فراهم می‌سازد تا جداگانه ملاقات نموده و در بارهٔ تجارب خود به مشورت پردازند. در کنار این فرایند مشورتی مردمی و در ارتباط بسیار نزدیک با آن، نهادهای مؤسّسهٔ آموزشی و لجنهٔ ناحیه‌ای تبلیغ همراه با اعضای هیئت معاونت قرار دارند که تعامل مشترک‌شان فضای دیگری ایجاد می‌کند که در آن تصمیمات مربوط به رشد، این بار به صورت رسمی‌تری، اتّخاذ گردد. شیوهٔ کار این سیستمِ محدودهٔ جغرافیایی که بر حسب اقتضا ایجاد شده، نمایان‌گر یک ویژگی مهمّ نظم اداری بهائی است: این نظم هم‌چنان که تحت هدایت بیت العدل اعظم تکامل می‌یابد از حیث ساختارها و فرایندها و روابط و فعّالیّت‌ها همانند یک موجود زنده ذاتاً قابلیّت قبول سطوح بیشتر و بالاتری از پیچیدگی را دارا است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۳۹]**

از جمله وظایف فراوانی که محافل ملّی در این ایّام با آن رو به رو هستند، تسهیل جریان هدایت و تشویق مؤمنین و جامعه؛ حمایت از کار شوراها و مؤسّسات منطقه‌ای ...؛ اقدامات مربوط به امور خارجی؛ اتّخاذ تدابیری برای نگهداری املاک امری؛ اطمینان از در دسترس بودن مقادیر کافی جزوات مناسب برای فعّالیّت‌های تبلیغ و تزیید معلومات در محدوده‌های جغرافیایی؛ کمک به دوستان در تلاش‌هایشان برای جمع‌آوری آمارهای قابل اعتماد با استفاده از برنامهٔ گزارش آماری؛ و اقدام به نگهداری سوابق صحیح و نظارت مسئولانه بر منابع مالی امر الله است. در حالی که برخی از این وظایف نیاز به دخالت مستقیم شما

دارد، برخی دیگر مسئولیّت نهادهایی است که تحت هدایت کلی شما فعّالیّت می‌کنند ولی آزادی عمل کافی برای کارکردن هم‌راه با روحیّهٔ یادگیری را دارند. بسیار مهمّ است که در همهٔ این موارد، اساس رویکرد شما گرایشی به افزایش قابلیّت جامعهٔ شما و نهادهای آن برای به دوش گرفتن امور امر الله باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۲ از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۴۰]**

اندیشهٔ وجود یک چارچوب مفهومیِ در حال تکامل برای پیشبرد مجهودات ترویج و تحکیم، اقدام اجتماعی، و شرکت در گفتمان‌های اجتماع حائز اهمّیّت بسیار است، قالبی که فکر را منظّم می‌کند، به فعّالیّت‌ها شکل می‌بخشد و با اندوختن تجربه پیچیده‌تر و کامل‌تر می‌گردد. سعی در راه تشخیص آگاهانه و تلطیف تدریجیِ عناصری از این چارچوب که بیشتر به کار انجمن مطالعات بهائی مربوط می‌شود اقدامی ثمربخش خواهد بود. در این ارتباط، توجّه به بینش‌هایی که به پیشرفت جامعه کمک کرده است می‌تواند مفید باشد: رابطهٔ بین مطالعه و عمل، نیاز به تمرکز که نباید با یک‌نواختی اشتباه شود، وظیفهٔ خطیر پرورش قابلیّت افراد و همراهی کردن دیگران در راه خدمت، خصوصیّات توسعه و پیشرفت ارگانیک، ترتیبات تشکیلاتی لازم برای تداوم بخشیدن به الگوهای پیچیده‌تر و پیشرفته‌ترِ فعّالیّت، انسجام مورد نیاز در بین همهٔ میادینِ مجهودات، و روابط صحیح بین افراد، جامعه، و مؤسّسات شاید مهم‌ترینِ این موارد یادگیری در عمل می‌باشد؛ احبّا در یک فرایند مداوم عمل، تأمّل، مطالعه، و مشورت شرکت می‌کنند تا موانع را برطرف سازند و موفّقیّت‌ها را با هم در میان گذارند، استراتژی‌ها و روش‌ها را بررسی و بازبینی و تجدید نظر کنند، و به مرور زمان مجهودات را سیستماتیک و بهتر نمایند.

یکی از جنبه‌های بسیار مهمّ یک چارچوب مفهومی که مستلزم توجّه دقیق در سال‌های آینده خواهد بود تولید و کاربرد دانش است، موضوعی که شرکت‌کنندگان در کنفرانس انجمن مطالعات بهائی در ماه اوت مورد بررسی قرار خواهند داد. در کُنه اکثر رشته‌های دانش بشری میزانی از توافق آرا در بارهٔ روش‌شناسی وجود دارد — درکی از روش‌ها و چگونگی استفادهٔ مناسب از آنها در جستجوی سیستماتیکِ واقعیّت برای دست‌یابی به نتایج قابل اعتماد و نتیجه‌گیری‌های صحیح. احبّایی که در رشته‌های مختلف از قبیل اقتصاد، آموزش و پرورش، تاریخ، علوم اجتماعی، فلسفه و زمینه‌های بسیار دیگری اشتغال دارند مسلّماً با روش‌های معمول در رشتهٔ خود کاملاً آشنا هستند. وظیفهٔ این دوستان است که مجدّانه بکوشند تا در بارهٔ مقتضیاتی که حقایق مندمج در این ظهور اعظم می‌تواند برای کارشان داشته باشد تأمّل کنند. اصل هماهنگی علم و دین اگر صادقانه رعایت شود تضمین خواهد نمود که عقاید دینی تسلیم خرافات نگردد و کشفیّات علمی دست‌آویز مادّی‌گرایی نشود. احبّایی که خواهان ترقّی و کمال در فعّالیّت‌های پژوهشی هستند البتّه خواهند کوشید تا بر طبق انتظارات متعالی حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء سلوک نمایند. این دوستان، به هر میزان از موفّقیّت که دست یافته‌اند، جزء لاینفکّ جامعه هستند؛ از تکالیف ضروریّهٔ هر فرد دیگر بهائی معاف نیستند و در عین حال، سزاوار تفاهم، بردباری، حمایت و احترام جامعه می‌باشند.

... مؤسّسهٔ آموزشی در توسعه و افزایش قابلیّت احبّای قدیم و جدید برای مشارکت فعّالانه در مجهودات ترویج و تحکیم نقشی محوری دارد. ورای این، مؤسّسهٔ آموزشی ساختاری برای یک فرایند آموزشی با سه مرحلهٔ متمایز فراهم می‌سازد که به نحوی فزاینده به گروه‌هایی از افراد از سن شش سالگی تا سنین بلوغ کمک خواهد کرد. در تجربه‌ای که مؤسّسهٔ آموزشی ارائه می‌دهد شرکت‌کنندگان فقط دریافت‌کنندهٔ اطّلاعات نیستند بلکه از طریق مطالعهٔ دوره‌ها و مشارکت در فعّالیّت‌های جامعه‌سازی که شامل جنبه‌های عملی دروس مطالعه شده هستند، دانش، مهارت، و بینش‌هایی روحانی کسب می‌کنند که آنان را قادر می‌سازد تا به نحوی مؤثّر مروّج تغییر فردی و اجتماعی باشند. ولی گسترهٔ موادّ درسی مؤسّسهٔ آموزشی هر چه باشد و هر چقدر هم که انجمن نقش اساسی و مهم در پیشرفت جامعه داشته باشد، اشتغال در کار مؤسسه آموزشی فقط جزئی از یک عمر

یادگیری است که این دوستان به آن مشغول خواهند بود و شامل تفحّص در این ظهور اعظم و نیز در رشته‌های مختلف دانش خواهد بود. کنفرانس‌های قریب الوقوع جوانان که ده‌ها هزار از جوانان را به خود جلب خواهد کرد، نمایانگر تعداد فزاینده‌ای از نفوسی است که در صبحدم بلوغ‌شان توسّط فرایند مؤسّسهٔ آموزشی شکل داده شده‌اند و با ثبات و استقامت در مسیری از یادگیری و عمل قدم خواهند گذاشت که در تمام دوران مطالعات دانشگاهی‌شان و فراتر از آن ادامه خواهد یافت. بیت العدل اعظم مشتاق دیدن نسل‌هایی از بهائیان هستند که با جدّیّت کامل به طیف وسیعی از چالش‌های اندیشمندانه بپردازند، بر جمیع موانع و مشکلات فایق آیند و به بهبود عالم خدمت نمایند. بنا بر این در دهه‌های آینده، جمع کثیری از احبّا به فضاها و میادین متعدّدی از مجهودات بشری وارد خواهند شد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۴۱]**

نهادهای موجود در محدودهٔ جغرافیایی نیز، درست به مانند افراد، در شروع انجام کار نیازمند مساعدت می‌باشند. در این راستا، کمک اعضای هیئت معاونت ضروری است امّا این کمک از جمله وظایف مهمّ شورای منطقه‌ای و در هر جا که شورا وجود ندارد از وظایف محفل ملّی نیز می‌باشد و هم‌چنین توجّه فوری مؤسّسات آموزشی را می‌طلبد. قابلیّت خدمتِ باکفایت در سطح یک محدوده وقتی افزایش می‌یابد که فضاهایی ایجاد شود تا در آن احبّای دست اندر کارِ امور بتوانند هدایات را مطالعه نموده، اقدامات‌شان را در پرتو آن بازنگری کرده بینش‌هایی از آن کسب نمایند و نیز با مجموعهٔ وسیع‌تری از دانش حاصله در محدوده‌های مجاور و دور مرتبط شوند. هدف مشورت در چنین فضاهایی طرّاحی انتزاعی برنامه‌ها نیست بلکه اغلب درک واقعیّت محدودهٔ جغرافیایی در آن برههٔ مخصوص از زمان و تشخیص گام‌های فوری بعدی به منظور تسهیل پیشرفت است. نفوس قائم به خدمت در سطح منطقه‌ای یا ملّی البتّه می‌توانند در ارائهٔ توصیه به احبّا و گسترش افق دیدشان نسبت به توفیقات قابل حصول کوشا باشند امّا تمایلی به تحمیل انتظارات خود بر فرایند برنامه‌ریزی نخواهند داشت بلکه به افراد فعّال در محدوده کمک می‌کنند تا توانایی خود را برای طرح و اجرای یک سلسله اقداماتِ مبتنی بر تجارب در سطح محلّی و آشنایی با شرایط واقعی به تدریج افزایش دهند. مؤسّسات منطقه‌ای و ملّی جهت بسط قابلیّت یادگیری و اقدام سیستماتیک در نهادهای محدودهٔ جغرافیایی لازم است در مساعی خود برای یاری رساندن به نهادها مسئولانه و روش‌مند عمل کنند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۴۲]**

در این دوره، اتّخاذ یک چارچوب عملِ در حال بسط دوستان را قادر ساخته است تا مستمرّاً قابلیّت‌های اساسی را پرورش و تلطیف نمایند، قابلیّت‌هایی که انجام خدمات ساده‌ای را موجب می‌شود که به نوبهٔ خود به الگوهای مبسوط‌تر عمل می‌انجامد، الگوهایی که به نوبهٔ خود توسعهٔ قابلیّت‌هایی پیچیده‌تر را ایجاب می‌نماید. بدین ترتیب یک فرایند سیستماتیک پرورش منابع انسانی و جامعه‌سازی در هزاران محدودهٔ جغرافیایی آغاز گشته و در بسیاری از آنها پیشرفت زیادی کرده است. تمرکز، تنها معطوف به افراد یا به جامعه و یا به مؤسّسات امری نبوده است بلکه قوای روحانی منبعث از بسط نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء محرّک و مشوّق هر سه مشارکت‌کننده در شکوفایی نظم جدید جهانی می‌باشد. نشانه‌های پیشرفت این عوامل سه‌گانه بیش از پیش آشکار است: در اعتمادی که مؤمنین بی‌شماری برای بیان شرح وقایع حیات حضرت بهاءالله و مذاکره در بارهٔ مفاهیم ظهور آن حضرت و عهد و پیمان بی‌مانندش کسب نموده‌اند؛ در ازدیاد تعداد نفوسی که به امر مبارک جلب گردیده و در تحقّق بخشیدن به جهان‌بینی و اصول وحدت‌بخش آن حضرت مشارکت می‌نمایند؛ در توانایی بهائیان و

دوستان‌شان در سطح جامعهٔ محلّی برای توصیف گویا و واضح تجارب خود از فرایندی که به تقلیب رفتار و تشکّل حیات اجتماعی می‌انجامد؛ در قیام تعداد چشم‌گیر و رو به افزایش مردم بومی کشورها که اکنون به عنوان اعضای مؤسّسات و نهادهای امری امور جوامع خود را هدایت می‌کنند؛ در تقدیم تبرّعات منظّمِ سخاوت‌مندانه و فداکارانه که برای تداوم پیشرفت امر الله جنبه‌ای حیاتی دارد؛ در شکوفایی بی‌سابقهٔ ابتکار فردی و اقدام جمعی جهت حمایت از فعّالیّت‌های جامعه‌سازی؛ در شور و اشتیاق جمّ غفیری از نفوسِ از خودگذشته در عنفوان جوانی که مخصوصاً از طریق تعلیم و تربیت روحانی نسل‌های جوان‌تر پویایی فراوان به این مشروع بخشیده است؛ در اعتلای روح ستایش و نیایش از طریق تشکیل جلسات دعا و مناجات؛ در افزایش قابلیّت اداری بهائی در همهٔ سطوح؛ در آمادگی مؤسّسات، نهادها، و افراد برای فرایندیشی، قرائت واقعیّت‌های موجود، و برآورد منابع خود در محلّی که زندگی می‌کنند و نقشه‌ریزی بر آن اساس؛ در خصیصهٔ مطالعه، مشورت، عمل، و تأمّل که اکنون همه با آن آشنا هستند و موجب نضج یک گرایش طبیعی برای یادگیری شده است؛ در افزایش درک چگونگی عملی ساختن تعالیم مبارکه از طریق اقدام اجتماعی؛ در استفاده از فرصت‌های فزاینده برای ارائهٔ چشم‌اندازهای بهائی در گفتمان‌های رایج اجتماع؛ در آگاهی از اینکه جامعهٔ جهانی بهائی جامعه‌ای است که در تمامی مجهوداتش به دنبال سرعت بخشیدن به ظهور تمدّن الهی از طریق تجلّی نیروی قدرت اجتماع‌سازی امر مبارک است؛ و بالاخره در آگاهی فزایندهٔ دوستان از اینکه تلاش‌هایشان برای ایجاد تقلیب درونی، برای گسترش دایرهٔ وحدت و اتّحاد، برای همکاری با دیگران در میدان خدمت، و برای مساعدت جمعیّت‌ها تا بتوانند مسئول پیشرفت روحانی و اجتماعی و اقتصادی خود باشند — همه و همه در راه تحقّق اصلاح و بهبود عالم که همانا هدف اصلی نهاد دین الهی است می‌باشد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۴۳]**

همانطور که آگاهید، هر یک از مؤسّسات و نهادهای مختلف بهائی در کشور شما میزانی از مسئولیّت ترویج رشد روحانی و مادّی جامعهٔ شما را بر عهده دارند. با مساعدت مشفقانه شما و به یاری مشاورین، قابلیّت این نهادها برای اقدامات مؤثّر قطعاً افزایش خواهد یافت. این امر بدون شک مستلزم آن است که به آنها آزادی کافی داده شود تا با روحیّهٔ یادگیری عمل کنند و همچنین تشویق، حمایت و منابع مادّی مورد نیاز در اختیارشان قرار گیرد. وظیفهٔ شما ایجاد محیطی است که به مؤسّسات و نهادها امکان رشد و شکوفایی بدهد، آنها را هدایت کنید بدون نظارت بیش از حدّ بر کارشان. شایسته شما است که خوشنودی‌تان کلّاً از پیشرفت احبّا و دست‌آوردهای مؤسّسات و نهادهای امری در سطح منطقه‌ای، محدودهٔ جغرافیایی و محلّی باشد و هوشیارانه به موفّقیّت‌های آنها و همچنین به مواردی که تشویق و مشورت ممکن است مفید باشد توجّه کنید. توسعهٔ مؤسّسات و نهادها در کشور شما، طبیعتاً موضوع تأمّل و مشورت مستمرّ بین محفل ملّی شما و مشاورین خواهد بود.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۹ فوریه ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۴۴]**

قابلیّت‌سازی تشکیلات و پرورش منابع انسانی

شوراهای منطقه‌ای بهائی

گسترش جامعهٔ جهانی بهائی و پیچیدگی روزافزون مسائلی که محافل روحانی ملّی در پاره‌ای از کشورها با آنها مواجه هستند امر بهائی را وارد مرحلهٔ جدیدی از توسعه و پیشرفت کرده است. این وضعیّت سبب شده که بیت العدل اعظم در سنوات اخیر جوانب گوناگون توازن میان تمرکزگرایی و تمرکززدایی را بررسی نمایند. در چند کشور به محافل روحانی ملّی اختیار

داده شد که شوراهای منطقه‌ای ایالتی و یا لجنه‌های منطقه‌ای تبلیغ و اداری تأسیس کنند. از تجاربی که در اثر اقدامات این مؤسّسات کسب گردید و با بررسی تفصیلی اصولی که حضرت ولیّ‌امرالله وضع فرموده‌اند به این نتیجه رسیده‌ایم که زمان آن فرارسیده است که عنصر جدیدی از نظم اداری بهائی فی‌مابین تشکیلات محلّی و ملّی را که "شورای منطقه‌ای بهائی" نامیده خواهد شد رسماً تأسیس نماییم، عنصری که شامل نوع خاصّی از مؤسّسات امری است.

شوراهای منطقه‌ای بهائی فقط با اجازهٔ بیت العدل اعظم و تنها در کشورهایی تأسیس خواهد شد که شرایط موجود چنین اقدامی را ایجاب می‌نماید. با وجود این، مطلوب به نظر رسید که جمیع محافل روحانی ملّی را از کیفیّت این اقدام تاریخی مطّلع سازیم و جایگاه آن را در سیر تکاملی مؤسّسات ملّی و محلّی بهائی تصریح نماییم....

شوراهای منطقه‌ای بهائی از بعضی از خصوصیّات محافل روحانی ولی نه از تمامی آنها برخوردارند و بدین ترتیب در بعضی شرایط وسیله‌ای برای پیشبرد اقدامات تبلیغی و امور اداری مربوط به جوامع بهائی در حال توسعهٔ سریع فراهم می‌آورند. بدون چنین مؤسّسه‌ای توسعهٔ سازمانی یک لجنهٔ ملّی برای تأمین نیازمندی‌های لازم در بعضی کشورها متضمّن مخاطرهٔ ایجاد آن پیچیدگی متزاید تشکیلاتی بود که در اثر افزودن طبقهٔ جدیدی از لجنات در تحت اشراف لجنات منطقه‌ای به وجود می‌آید و یا سبب تفویض خودمختاری زیاده از حدّ به لجناتی می‌شود که حضرت ولیّ‌امرالله آنها را "هیئت‌هایی که باید صرفاً مستشارین متخصّص و معاضدین اجرایی محسوب شوند" (ترجمه) مشخّص فرموده‌اند.

اثرات خاصّ حاصله از تأسیس شوراهای منطقه‌ای بهائی به قرار ذیل است:

- رتبه‌ای در اختیار تصمیم‌گیری راجع به امور تبلیغی و اداری، سوای اقدامات اجرایی، در سطحی پایین‌تر از محفل ملّی و مافوق محافل محلّی به وجود می‌آورد.

- اعضای محافل روحانی محلّی در منطقه را دست‌اندرکار گزینش اعضای شورا می‌کند و بدین ترتیب پیوند بین شورا و احبّای محلّی را تقویت می‌نماید و در عین حال افراد لایقی از احبّا را که در منطقهٔ خود شناخته شده هستند وارد میدان خدمت می‌کند.

- رابطهٔ مستقیم مشورتی بین مشاورین قارّه‌ای و شوراهای منطقه‌ای بهائی ایجاد می‌کند.

- تشکیل یک شورای منطقه‌ای بهائی را در یک ناحیهٔ قومی و نژادی خاصّ که جزو دو یا چند کشور مختلف‌اند ممکن می‌سازد. در چنین وضعیّتی شورای مزبور مستقیماً تحت اِشراف یکی از محافل ملّی آن منطقه انجام وظیفه می‌نماید و گزارش‌ها و خلاصه مذاکرات‌های خود را به سایر محافل ملّی منطقهٔ مزبور ارسال می‌دارد.

- ازدیاد میزان تمرکززدایی ناشی از تفویض اختیارات بیشتر به شورای منطقه‌ای بهائی مستلزم افزایش نسبی قابلیّت خود محفل ملّی در مطّلع بودن از جریان امور اداری در سراسر اقلیمی است که تحت اِشراف نهایی آن محفل قرار دارد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۳۰ مه ۱۹۹۷ بیت العدل اعظم خطاب به محافل ملّی) **[۴۵]**

توام با کارآیی مشهود مؤسّسه‌های آموزشی، تأسیس واقع‌بینانهٔ شوراهای منطقه‌ای بهائی در بعضی از کشورهایی است که شرایط‌شان تأسیس این مؤسّسات را ضروری و قابل اجرا ساخته است. هر جا که تعامل نزدیک بین شورای منطقه‌ای و مؤسّسهٔ آموزشی وجود دارد زمینه برای انسجامی مستحکم در فرایندهایی فراهم می‌گردد که بر ترویج و تحکیم در یک منطقه و برای

تطبیق عملیِ خدماتِ آموزشی این مؤسّسات با نیازهای مربوط به توسعهٔ جوامع محلّی اثر می‌گذارند. به علاوه، هدایات مربوط به عملکرد که بر اساس آن، بین مشاورین قارّه‌ای و شوراهای منطقه‌ای تماسّ مستقیم با هم دارند موجب بروز رابطهٔ تشکیلاتی بیشتری می‌شود که همراه با ارتباطاتی که شوراهای منطقه‌ای را با محافل ملّی و محلّی مرتبط می‌سازد، یک‌پارچگی پویایی در سطح منطقه‌ای به وجود می‌آورد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۹۹۹ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۴۶]**

به این ترتیب در تمام سطوح، عناصر تشکیلات بهائی در فرایند برنامه‌ریزی شرکت نمودند و پس از آن به مرحلهٔ اجرایی نقشه پرداختند، مرحله‌ای که در آن می‌بایستی قابلیّت تشکیلاتی لازم برای تحقّق دخول افواج ایجاد شود. در این رابطه دو گام بزرگ برداشته شد: یکی تأسیس مؤسّسات آموزشی بود و دیگری تأسیس رسمی شوراهای منطقه‌ای بهائی در سطحی گسترده به عنوان یک جزء تشکیلاتی بین سطوح محلّی و ملّی به منظور تقویت قابلیّت اداری بعضی از جوامع بهائی که در آنها پیچیدگی فزایندهٔ مسائلی که محافل ملّی با آن رو به رو بودند، لزوم چنین توسعه‌ای را ایجاب می‌نمود.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۴۷]**

ادارهٔ امور تبلیغی برجسته‌ترین حوزهٔ مسئولیّت محفل روحانی ملّی در اِعمال اختیاراتش برای هدایت و هماهنگی امور جامعه می‌باشد. ولی ماهیّت اجرای این مسئولیّت با دیگر مسئولیّت‌ها مثلاً از اجرای عدالت متفاوت است؛ زیرا در حالی که اجرای عدالت صحیحاً بر فعّالیّت محفل متمرکز است که خود محفل باید در بارهٔ مواردی که به آن ارجاع داده می‌شود حکم صادر کند، ادارهٔ امور تبلیغ اساساً به تلاش‌هایی مرتبط است که در سطح محلّی و پایه‌ای جامعه آغاز شده و ادامه می‌یابد و از اینرو نیازمند شیوهٔ مدیریّتی تمرکززداست — روشی که به بسیج فعّالیّت میان عموم مؤمنین امکان می‌دهد تا ابتکارات فردی آنان در جزئی از یک حرکت منسجم تبلیغی در سطح محدوده‌های جغرافیایی باشد. در جایی که رشد سریع چشمگیری در حال وقوع است، چنین مدیریّتی تضمین می‌کند که توجّه کافی نه تنها به اجرای برنامهٔ ترویج و تحکیم بلکه به تأمین نیاز الگوهای مختلف رشد در زمینه‌های گوناگون، به پذیرش و تطبیق با واقعیّت‌های جدید و همچنین به کارگیری درس‌های آموخته شده در شرایطی که به سرعت در حال تغییر است نیز معطوف شود. این توجّه نزدیک از سطح بالا علیرغم تمهیداتی که در مرکز ملّی فراهم شده باشد امکان‌پذیر نیست. به ویژه در این مرحله از تکامل نقشهٔ ملکوتی، هنگامی که جامعه باید از نظر اداری برای پذیرش دخول افواج آماده شود، مسئولیّت شما در قبال گسترش امر مبارک نیازمند واگذاری سطح بالایی از اختیارات اداری به نهادهای فرعی مناسب است تا نیازهای لازم برای استمرار فعّالیّت‌های گسترش‌یابنده در محدوده‌های جغرافیایی به طور کافی برآورده شود.

برای مثال، در این زمینه، تمام امور برنامه‌ریزی و اداری مرتبط با رشد امر الله در هر منطقه، از مسئولیّت‌های شورای منطقه‌ای بهائی است و باید توسّط آن شورا و مطابق با الزامات اجرای نقشهٔ پنج‌سالهٔ جامعه در کشور شما انجام شود. شوراهای منطقه‌ای ابزارهای اجرایی محفل روحانی ملّی هستند که مجازند از طرف آن محفل برای طرح و ترویج برنامه‌هایی برای تحقّق هدف پیشبرد فرایند دخول افواج اقدام کنند. شوراها کار نهادهای محدودهٔ جغرافیایی را هدایت و هماهنگی می‌نمایند و همچنین هم‌کاری و مشارکت مؤثّر محافل روحانی محلّی در فعّالیّت‌های محدودهٔ جغرافیایی و فعّالیّت‌های اساسی را حمایت می‌کنند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۵ ژانویه ۲۰۰۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۴۸]**

فصل جدیدی در تکامل نظم اداری ... که نویدبخش وعده‌ای عظیم است اکنون در حال گشایش می‌باشد. مؤمنین وفاداری که به خدمت در شوراهای منطقه‌ای فراخوانده شده‌اند و حال مسئولیّت‌های خود را بر عهده می‌گیرند، بی‌تردید آگاه خواهند بود که به عنوان اعضای هیئت‌های جمعی عمل می‌کنند، و نه البتّه به عنوان رهبران فردی. در واقع، ضروری است که نصایح مندرج در آثار بهائی را که برای تمام کسانی که مسئول ادارهٔ امور امر مبارک هستند صدق می‌کند همواره در مدّ نظر داشته باشند — اینکه باید با روحیّهٔ "اخوّت خاضعانه" (ترجمه) به وظایف خود بپردازند و نباید اجازه دهند که به عنوان "زینت اصلی پیکر امر الهی" (ترجمه) به شمار آیند. چنین فرایند نویدبخشی از رشد که در سطح محدودهٔ جغرافیایی در کشور شما در حال گسترش است، نباید حول انتظارات آنان بچرخد یا وابسته به حضور شخصی‌شان باشد. محافظت در برابر کوچک‌ترین اثرات چنین گرایش‌هایی بر کارآیی آنان شدیداً خواهد افزود. زیرا واقعیّت در بسیاری از موارد این است که غنی‌ترین تجربه‌ها در سطح مردمی است یعنی هنگامی که هسته‌ای مرکزی از پیروان امر الهی برای ایجاد قابلیّت در یک جمعیّت مؤکّداً تلاش می‌کند تا آن جمعیّت عهده‌دار پیشرفت روحانی و اجتماعی خویش گردد. همهٔ کسانی که هدف‌شان کمک به فرایند یادگیری در این سطح است باید متوجّه شرایط در هر محدودهٔ جغرافیایی باشند تا مبادا درخواست‌های مکرّر برای ارائهٔ گزارش یا دعوت به جلسات — هرچند با نیّت خیر باشد — انرژی را تحلیل برده یا تمرکز را پراکنده کند. بلکه نهایت سعی را بنمایند تا حمایت نموده، مشفقانه تشویق کنند، تلاش‌های در حال انجام را تسهیل نمایند و با انعطاف‌پذیری و سرعت به نیازها و احتیاجات پاسخ دهند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۹ اوت ۲۰۱۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۴۹]**

مسئولیّت پیشرفت در کلّیّهٔ جوانب توسعهٔ یک جامعهٔ بهائی البتّه نهایتاً بر عهدهٔ محفل روحانی ملّی است. اگرچه محفل خود نیز خطوط عمل مختلفی را دنبال می‌کند ولی در بسیاری از موارد این مسئولیّت را از طریق حمایت و توان‌دهی به شوراهای منطقه‌ای یا نهادهای تخصّصی خود انجام می‌دهد تا آنها در جهت پیشبرد مجهودات محوّله گام بردارند. با افزایش قابلیّت احبّا و رشد جامعه، وظایف محفل ملّی در تمام ابعاد متعدّدش به تناسب پیچیده‌تر می‌گردد. بنا بر این با توجّه به وسعت وظایفی که در نقشهٔ آینده در مقابل مؤسّسات قرار دارد، برای محافل ملّی و هم‌چنین شوراهای منطقه‌ای مفید خواهد بود که با همکاری شما هر از گاهی به بررسی عملیّات اداری و حتّی عناصری از عملکرد خود بپردازند و تشخیص دهند که آیا می‌توانند در آنها تعدیل و یا اصلاحاتی صورت دهند که فرایند رشد را بهتر بتوانند حمایت نمایند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۵۰]**

مناطقی که در آن یک شورای منطقه‌ای قابلیّت مضاعفی برای ادارهٔ امور کسب کرده است از جمله توانایی حمایت مناسب و هم‌زمان از بسیاری محدوده‌های جغرافیایی، این امر باعث تسریع پیشرفت در تمام منطقه گشته است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۵۱]**

دریافت خبر حاکی از استقبال پرشور احبّا از نقشهٔ چهارساله موجب دل‌گرمی فراوان این مشتاقان شد. آنچه به ویژه موجب امیدواری و خرسندی است تلاش‌های مجدّانهٔ محافل روحانی ملّی در سراسر عالم برای تأسیس مؤسّسات آموزشی و توجّه سیستماتیک به امر پرورش منابع انسانی می‌باشد. تعداد مؤسّسات آموزشی ملّی و منطقه‌ای با سرعت در حال افزایش است و شاخص‌ها گویای آن است که تا پایان نخستین سال این نقشه، ممکن است تعداد این مؤسّسات از یک‌صد فراتر رود. امید وطید این است که از هر یک از این مراکز یادگیری، گروه‌های فزایندهٔ مؤمنینی که قابلیّت انجام خدمات متنوّعی را به امر مبارک دارند بپاخیزند، و بدین ترتیب در هر کشور، قابلیّتِ تداوم فرایند دخول افواج فراهم گردد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۶ اوت ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۵۲]**

قبل از آغاز سلسله نقشه‌های جهانی اخیر متمرکز در پیشبرد فرایند دخول افواج، جامعهٔ بهائی مرحله‌ای از رشد سریع در مقیاسی وسیع را در بسیاری از نقاط جهان پشت سر گذاشته بود، رشدی که نهایتاً تداوم آن غیر ممکن بود. چالش جامعه در آن زمان افزودن بر انبوه پیروان، حدّ اقل در بین مردمی که آمادگی پذیرش امر را داشتند، نبود بلکه شرکت دادن مصدّقین جدید در حیات جامعه و پرورش تعداد کافی از بین آنها با تعهّد به ترویج بیشتر امر مبارک بود. رویارویی عالم بهائی با این چالش آنچنان حائز اهمّیّت بود که آن را ویژگی اصلی نقشهٔ چهارساله قرار دادیم و از محافل روحانی ملّی دعوت نمودیم تا قسمت اعظم نیروی خود را صرف ایجاد قابلیّت تشکیلاتی، به صورت مؤسّسهٔ آموزشی، به منظور توسعهٔ نیروی انسانی نمایند. همچنین اشاره نمودیم که گروه‌های فزاینده‌ای از مؤمنین باید از یک برنامهٔ رسمی آموزشی بهره‌مند گردند، برنامه‌ای که بتواند آنان را با دانش و بینش روحانی و نیز با مهارت‌ها و توانایی‌های لازم جهت انجام خدماتی که برای ادامهٔ ترویج و تحکیم در سطحی وسیع لازم است مجهّز سازد.

امروز با مشاهدهٔ عملکرد آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که به موضع مستحکمی از رشد رسیده‌اند ملاحظه می‌کنیم که در هر یک از آنها احبّا، در حالی که می‌آموزند چگونه هستهٔ در حال گسترش حامیان امر الهی را بسیج کنند، به تقویت فرایند مؤسّسهٔ آموزشی ادامه داده، طرح مؤثّری برای هم‌آهنگ نمودن مجهودات خود ریخته، ابتکارات فردی و تمهیدات جمعی خود را به صورت الگوی مؤثّری از اقدامات منسجم در آورده و از تجزیه و تحلیل اطّلاعات مفید برای برنامه‌ریزی ادوار فعّالیّت‌های خود استفاده می‌نمایند. این حقیقت که احبّا شیوهٔ پیشبرد هم‌آهنگ و هم‌گام ترویج و تحکیم را که کلید رشد مستمرّ است یافته‌اند کاملاً مشهود و نمایان است. چنین شواهدی مطمئناً الهام‌بخش هر مؤمن ثابت‌قدمی خواهد بود تا در مسیر یادگیری سیستماتیکی که فراهم گردیده با عزمی راسخ به پیش رود.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ رضوان ۲۰۰۷ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۵۳]**

مسلماً ملاحظه کرده‌اید که اشتیاق برای قیام و مشارکت فعّالانه در اقدامات جامعه‌سازی و کمک به تقلیب اجتماع واضحاً به ویژه در میان جوانان قابل مشاهده است — نسلی که در هر مرحله از رشد امر الله، سهمی حیاتی در پیشرفت آن داشته است. یکی از وظایف مقدّس مؤسّسهٔ آموزشی شکوفا نمودن قابلیّت نهفته در جوانان و جهت بخشیدن به وقت و انرژی، مهارت‌ها و استعدادهایشان در راه فراهم آوردن تمهیدات آموزش روحانی به نسل آینده است. ولی این قابلیّت‌ها تنها در محیطی پرورش خواهد یافت که در آن جوانان اطمینان و اعتماد مؤسّسات و همچنین محبّت و تشویق جامعه و خانواده‌های خود را احساس نمایند. آیندهٔ امر الله، به تأیید حضرت ولیّ‌امرالله، بر عهدهٔ جوانان است. از اینرو، آنان باید در همهٔ امور امر الله تجربیّات ارزشمندی کسب کنند تا آماده شوند و توان لازم برای بر عهده گرفتن مسئولیّت‌های سنگین را داشته باشند. آنان باید از فرصت فداکاری برای پیشرفت امر الهی برخوردار باشند همانطور که نسل‌های قبل از آنان چنین کرده‌اند. بیت العدل اعظم

اطمینان دارند که شما بی قید و شرط از جوانان حمایت خواهید کرد با ایمان به قابلیّت‌هایشان، همواره در تلاش خواهید بود تا آنان را قادر سازید که به درجات بالاتری از خدمت نائل آیند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۹ فوریه ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۵۴]**

دوستان محبوب، براستی وقت شکرگزاری به درگاه محبوب بی‌همتاست. دلایل بسیاری برای امیدواری موجود است ولی به میزان وظایف باقیمانده نیز به خوبی آگاهیم. اساساً، همانطور که قبلاً اشاره کرده‌ایم صدها محدودهٔ جغرافیایی هنوز محتاج آنند که گروه‌های فزاینده‌ای از مؤمنین با اطرافیان خود مستمرّاً بر پیشبرد رشد و قابلیّت‌سازی تمرکز نموده توانایی و انضباط لازم برای تأمّل بر عمل و آموختن از تجربه را خصیصهٔ ممتاز خود نمایند. پرورش استعداد و همراهی کردن چنین افرادی در هر یک از محلّه‌ها و دهکده‌ها و نه فقط در سطح محدودهٔ جغرافیایی، چالشی بزرگ و در عین حال نیازی حیاتی است. امّا هر جا این شرایط ایجاد می‌شود نتایج واضح است.

مشاهدهٔ وقوف مؤسّسات امری به این نیاز مبرم و طرح مکانیزم‌هایی مؤثّر برای استفاده از بینش‌های ناشی از پیشرفت در سطحی وسیع موجب مزید اطمینان این مشتاقان است. در عین حال، مؤسّسات ملّی و منطقه‌ای و محلّی نیز با کسب تجربهٔ بیشتر از بینش وسیع‌تری برخوردار می‌شوند. این مؤسّسات به همهٔ جنبه‌های توسعهٔ جامعه پرداخته به فکر رفاه مردم ورای اعضای رسمی جامعهٔ خود هستند و با آگاهی از پیامدهای عمیقی که فرایند مؤسّسهٔ آموزشی برای پیشرفت مردمان دارد توجّه خاصّی به تقویت مؤسّسه مبذول می‌دارند؛ همواره واقف به لزوم حفظ تمرکز جامعه بر احتیاجات نقشه هستند و جمع دائم التّزاید دوستان را به سطوح بالاتری از اتّحاد دعوت می‌نمایند. این مؤسّسات به مسئولیّت خویش در قبال بهبود سیستم‌های اداری و مالی خود به منظور حمایت مناسب از اقدامات ترویج و تحکیم، صادقانه پای‌بندند. در همهٔ این موارد، به ایجاد آن شرایطی در جامعه مشغولند که به ظهور و بروز قوای قدرتمند روحانی منجر می‌گردد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۵۵]**

محفل شما در آغاز دور جدیدی از سلسله نقشه‌ها تشکیل شد، زمانی که جهان به شدت نیازمند درمان الهی است که حضرت بهاءالله تجویز فرموده‌اند. از اینرو، یکی از وظایف مهمّ شما فراهم ساختن زمینهٔ رشد از طریق تربیت منابع انسانی لازم، به ویژه از میان جوانان، برای پاسخگویی به این نیاز در کشور شما است. جوانان در هر مرحله از رشد امر الهی سهمی حیاتی در پیشرفت آن داشته‌اند. برای اینکه آنان همچنان بتوانند به شکوفایی خود ادامه دهند، ضروری است محیطی فراهم شود که در آن اعتماد از سوی مؤسّسات و محبّت از جانب جامعهٔ خود را احساس کنند و بدین ترتیب با اطمینان، شادی و شجاعت از چالش‌هایی که در پیش دارند استقبال نمایند. شما باید به توانایی‌های آنان ایمان داشته باشید و همواره در تلاش باشید تا آنان را قادر سازید که به درجات بالاتری از خدمت دست یابند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ رضوان ۲۰۲۱ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۵۶]**

محافل روحانی محلّی

حضرت ولیّ‌امرالله دائماً و مشتاقانه منتظر اخبار مسرّت‌بخش نشر پیام الهی می‌باشند و قطعیّاً معتقدند که حصول این امر عمدتاً وابسته به تلاش‌های متّحدانه و توأم احبّا و محافل می‌باشد. بدون اتّحاد، هم‌کاری و خدمات خالصانه، یاران الهی مطمئناً قادر به نیل به اهداف خود نخواهند بود. چگونه می‌توانیم تعداد و توانایی خود را افزایش دهیم اگر در مقابله با نیروهای مهاجم که بنیان امر الله را از خارج و داخل تهدید می‌کنند جبههٔ متّحدی نیاراییم؟ بنا بر این وحدت، کلید اصلی موفّقیّت است و

بهترین راه تضمین و تحکیم وحدت ارگانیک امر الهی تقویت مرجعیّت محافل محلّی و استقرار آنها در مدار کامل تحت اِشراف محفل روحانی ملّی است. محفل ملّی رأس و محافل محلّی ارکان مختلف هیکل امر الله می‌باشند. راه تضمین هم‌کاری کامل بین این اجزای مختلف همانا حفظ مصالح عالیهٔ امر الله به نحوی است که بتواند اثرات قوایی را خنثی نماید که خطر تفرقه‌اندازی در بین صفوف پیروان اسم اعظم را دارد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) **[۵۷]**

مسلماً محافل روحانی ملّی و دوایر وابسته به آنها از یک سو، و مشاورین قارّه‌ای و هیئت‌های معاونت از سوی دیگر، موظّفند که تأسیس و توسعهٔ جوامع بهائی و نیز مؤسّسات محلّی منصوص در آثار مبارکه را مدّ نظر داشته باشند. این وظیفه را اساساً می‌توان از طریق برنامه‌های آموزشی مستمرّی ایفا نمود که احبّا را نسبت به اهمّیّت تعالیم الهی در همهٔ جوانب زندگی فردی و اجتماعی خود آگاه می‌سازد و در آنان ذوق و شوق و عزم انتخاب و حمایت از محافل روحانی محلّی را به وجود می‌آورد. در جوامعی که محفل روحانی انتخاب نشده است و یا اعضای منتخب تشکیل جلسه نمی‌دهند، برنامه‌های مزبور باید از امکان تشکیل موقّت لجنات اداری با سه عضو یا بیشتر، حدّ اکثر استفاده را بنمایند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۶ دسامبر ۱۹۹۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۵۸]**

قبلاً خاطرنشان ساخته‌ایم که بلوغ یک محفل روحانی را نمی‌توان تنها با تشکیل جلسات مرتّب و کارآیی عملیّات آن ارزیابی نمود بلکه توانایی آن را تا حدّ زیادی با پویایی حیات روحانی و اجتماعی جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کند باید سنجید، جامعه‌ای در حال رشد که از کمک‌های سازندهٔ افراد، هم کسانی که رسماً تسجیل شده‌اند و هم کسانی که تسجیل نشده‌اند، استقبال می‌نماید. موجب خشنودی است که رویکردها، روش‌ها و ابزار کنونی وسایلی را برای محافل روحانی محلّی، حتّی محافل جدید التّأسیس، فراهم می‌سازد تا این مسئولیّت‌ها را در حین تأمین نیازهای نقشهٔ پنج‌ساله در محلّ خود، ایفا نمایند. در حقیقت مشارکت صحیح محفل در نقشه‌های جهانی برای موفّقیّت هر تلاشی در جهت استقبال از افواج مردم حائز اهمّیّت بسیار می‌باشد و این اقبال افواج مردم نیز خود شرطی برای به ظهور رسیدن طیف کامل قوا و توان‌مندی‌های محفل است.

پیشرفت‌هایی که در محافل روحانی محلّی در طیّ چند سال آینده مطمئناً شاهد آن خواهیم بود به واسطهٔ قوّت فزایندهٔ محافل روحانی ملّی میسّر گردیده است، محافلی که توانایی آنها در تفکّر و عمل مدبّرانه به نحو محسوسی افزایش یافته، به خصوص که آموخته‌اند تا با کاردانی روزافزون به تجزیه و تحلیل فرایند جامعه‌سازی در سطح تودهٔ مردم بپردازند و بر حسب نیاز، مساعدت و منابع مختلف و هم‌چنین تشویق و هدایت‌های مشفقانهٔ خود را به این جوامع عرضه دارند. در کشورهایی که شرایط ایجاب می‌کند محافل ملّی بعضی از مسئولیّت‌های خود را به شوراهای منطقه‌ای محوّل نموده‌اند و با تمرکززدایی از بعضی از وظایف اداری، توان‌مندی تشکیلاتی را در نواحی تحت اشراف خود تقویت نموده و زمینه را برای تعاملات پیشرفته‌تری فراهم ساخته‌اند. اغراق نیست اگر بگوییم که مشارکت کامل محافل ملّی نقش بسیار مهمّی در ایجاد جنبش نهایی لازم برای تحقّق اهداف نقشهٔ کنونی داشت و هم‌چنان که این مؤسّسات، با هماهنگی با هیئت مشاورین، در طیّ ماه‌های زودگذر و حسّاسی که در پیش است نهایت کوشش را برای آماده‌سازی جوامع خود برای شروع نقشهٔ عظیم پنج‌سالهٔ بعدی به کار می‌برند، منتظر پیشرفت‌های بیشتری در این جهت می‌باشیم.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۵۹]**

علی‌الخصوص تلاش‌های شما برای هم‌کاری نزدیک با محافل روحانی محلّی به منظور یادگیری بیشتر در بارهٔ تسهیل مؤثّر جریان هدایات و اطّلاعات به تمامی احبّا موجب خرسندی است. در این ارتباط شاید بخواهید تلاش‌های خود در این زمینه را ابتدا بر روی چند محفل محلّی در نقاطی که جمعیّت بهائی زیادی دارند یا در جاهایی که رشد در حال سرعت‌گیری است متمرکز کنید. پس از کسب تجربه، این تلاش‌ها می‌تواند به دیگر محافل گسترش یابد. به علاوه، فراتر از انتشار هدایات و اطّلاعات به جوامع، مهمّ است که به مؤسّسات و نهادهای کشور خود کمک کنید تا با در نظر گرفتن راه‌های مؤثّری برای حمایت از بهائیان و نیز دوستان‌شان از اجتماع بزرگ که با آنها هم‌کاری می‌کنند، قابلیّت خود را برای مطالعهٔ هدایات و به کارگیری آن در زمینهٔ تجربیّاتی که در سطح مردمی به دست آمده افزایش دهند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۷ ژوئن ۲۰۲۰ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۶۰]**

مؤسّسهٔ صندوق تبرّعات بهائی

از آنجا که پیشرفت و توسعهٔ اقدامات روحانی منوط و مشروط به وسایط مادّی است، قطعاً لازم است که بلافاصله پس از تأسیس محفل روحانی محلّی و ملّی، یک صندوق خیریّهٔ بهائی تأسیس و تحت نظارت و ادارهٔ انحصاری محفل روحانی قرار گیرد. همهٔ تبرّعات و اعانات باید به صندوق‌دار محفل تقدیم شود تا منحصراً برای پیشرفت مصالح امری در محل و یا کشور مربوطه مصرف گردد. وظیفه مقدّس هر یک از بندگان آگاه و باوفای حضرت بهاءالله که آرزوی مشاهدهٔ پیشرفت امر حضرتش را دارد تقدیم تبرّعات آزادانه و سخاوت‌مندانه برای ازدیاد عواید این صندوق است. اعضای محفل روحانی نیز با صلاح‌دید خویش آن تبرّعات را صرف ترویج برنامه‌های تبلیغی، مساعدت به محتاجین، تأسیس مؤسّسات آموزشی بهائی و توسیع دایرهٔ خدمت به هر طریق ممکن می‌نمایند. امید وطیدم آنست که عموم احبّا با درک ضرورت این اقدام مشتاقانه با تقدیم تبرّعی ولو در بدایت محدود و ناچیز سریعاً به تأسیس و تزیید این صندوق قیام نمایند.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ حضرت شوقی افندی) **[۶۱]**

البتّه شرکت دوستان در دوره‌های مؤسّسهٔ آموزشی قابلیّت آنها را برای گفتگو با احبّای دیگر در بارهٔ اهمّیّت روحانی تقدیم تبرّعات افزایش می‌دهد و محیطی ایجاد می‌کند که در آن خدمت داوطلبانه به امر الهی امری طبیعی است. علاوه بر این و با ادامهٔ گسترش جامعه، افزایش آگاهی دوستان از لزوم جریان مستمرّ منابع مادّی برای حمایت از امور امر الله، ضروری خواهد بود.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۸ اکتبر ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۶۲]**

با مساعی مؤسّسات و نهادها در هر مملکت برای سرعت بخشیدن به فرایند ترویج و تحکیم، بدون شک موضوع منابع مالی بیش از پیش مورد توجّه قرار خواهد گرفت. براستی یکی از جنبه‌های مهمّ افزایش قابلیّت تشکیلاتی در طیّ سال‌های آینده توسعهٔ مستمرّ صندوق‌های محلّی و ملّی خواهد بود. برای تحقّق این هدف دوستان عزیز باید دعوت شوند تا با دیدی تازه

مسئولیّت فردی تمام احبّا برای حمایت امور امری از طریق امکانات شخصی را مورد ملاحظه قرار دهند و هم‌چنین امور مالی خویش را در پرتو تعالیم الهی تنظیم نمایند.

تمدّن مورد نظر حضرت بهاءالله تمدّنی است شکوفا که در آن منابع وسیع عالم در جهت عزّت و احیای نوع بشر و نه برای ذلّت و نابودی او صرف خواهد شد. بدین ترتیب، عملِ تقدیم تبرّعات گویای مفهومی بسیار عمیق می‌باشد: تقدیم تبرّعات راهی است عملی و از ضروریّات تسریع ظهور آن تمدّن ربّانی. چنانچه حضرت بهاءالله می‌فرمایند "امورات ارض را حقّ جلّ جلاله به اسباب معلّق فرموده." بهائیان در اجتماعاتی زندگی می‌کنند که امور مادّی آن به شدّت آشفته و مختل است. فرایند جامعه‌سازی که دوستان در محدوده‌های جغرافیایی خود به پیش می‌برند نگرش و رفتاری را در مورد ثروت و دارایی ترویج می‌کند که با افکار متداول در عالم کاملاً متفاوت است. عادتِ تقدیمِ تبرّعاتِ مرتّب به صندوق‌های امری که شامل تبرّع غیر نقد، به خصوص در بعضی نقاط جهان می‌باشد ناشی از حسّ توجّه فردی به رفاه جامعه و پیشرفت امر الله است. وظیفهٔ تقدیم تبرّعات درست مانند وظیفهٔ تبلیغ امر الهی یکی از جنبه‌های اساسی هویّت بهائی و موجب تقویت ایمان است. تبرّعات سخاوت‌مندانه و فداکارانهٔ افراد احبّا، آگاهی جمعی از نیازهای مالی که جامعه آن را ترویج می‌دهد، و نظارت دقیق و مسئولانهٔ مؤسّسات امری بر منابع مالی را می‌توان به منزلهٔ تجلّیات عشق و محبّتی دانست که این سه عنصر فعّال را بیشتر به هم پیوند می‌دهد. تبرّع داوطلبانه نهایتاً این آگاهی را به وجود می‌آورد که ادارهٔ امور مالی شخصی بر طبق اصول روحانی بُعدی است ضروری از یک زندگی منسجم، موضوعی است وجدانی و طریقی است که در آن تعهّد نسبت به رفاه عالم در عمل متجلّی می‌گردد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۶۳]**

توجّه مداوم شما به آموزش احبّا در مورد اهمّیّت روحانی تقدیم تبرّعات به صندوق‌های امری موجب خرسندی است. همانطور که بی‌تردید می‌دانید، اعطای منظّم و فداکارانه به صندوق ارتباط نزدیکی با آگاهی و تعهّد فرد نسبت به ترویج نقشه‌های امر الله دارد. بنا بر این با سیستماتیک‌تر شدن تلاش‌ها در هر یک از محدوده‌های جغرافیاییِ کشور شما که در آنها فرایند رشد در حال پیشرفت است، انتظار می‌رود که تقدیم تبرّعات به صندوق خیریّه به طور فزاینده‌ای به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از آن فرایند تلقی شود. با توجّه به این نکته، علاوه بر آموزش احبّا در مورد مسئولیّت مقدّس‌شان، محفل شما می‌تواند فرهنگی را تقویت نماید که در آن بهائیان از هر وسیله‌ای که در اختیار دارند برای حمایت از فعّالیّت‌های در حال گسترش در جوامع خود استفاده کنند. چنین مشارکتی، با افزایش آگاهی از نیازها و ارائهٔ طیفی از امکانات برای مشارکت در رفع آنها، نهایتاً تعداد فزاینده‌ای از بهائیان را قادر خواهد ساخت تا تعهّد خود را نسبت به اعطای تبرّعات به صندوق‌های خیریّه افزایش دهند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۷ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۶۴]**

در خصوص رعایت اقتصاد، نکات بسیاری را می‌توان از روش‌های در حال تکامل در چند منطقهٔ قوی‌تر کشور شما آموخت. بیت العدل اعظم با مشاهدهٔ گزارش‌هایی که به مرکز جهانی بهائی رسیده است، خشنودند که در جامعه ملّی شما هم‌اکنون آگاهی گسترده‌ای نسبت به ضرورت استفادهٔ سنجیده از منابع مالی وجود دارد و فرهنگی مخصّص به استقامت، تدبیر و حسّ مسئولیّت جمعی به ویژه در محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته، ریشه دوانده است به طوری که دوستان برای انجام فعّالیّت‌های خود تا حدّ امکان از منابع مادّی موجود در جامعه استفاده می‌کنند. برای مثال، مشاهده می‌شود که در تعداد روزافزونی از مناطق منابعی مانند غذا و مسکن برای سازمان‌دهی طرح‌های فشرده مؤسّسه آموزشی، کنفرانس‌های محلّی،

گردهمایی جوانان یا جلسات تأمّل و بازنگری، از سوی جامعه ارائه می‌شود. همچنین نمونه‌هایی دیده شده است که دوستان به طرق مختلف در ساختن تسهیلات برای محدودهٔ جغرافیایی مشارکت می‌کنند. به علاوه این فرهنگ در چند جامعه با محافل روحانی محلّی قوی به خوبی مشهود است که در آن گروه‌هایی برای تسهیل جنبه‌های مختلف تدارکات مرتبط با فعّالیّت‌های مؤسّسه آموزشی تشکیل شده‌اند، رویکردی امیدوار کننده که می‌تواند در مناطق دیگر نیز اِعمال شود. به منظور تقویت گسترده‌تر چنین فرهنگی، لازم است این تجربیّات و سایر تجربیّات ثبت و مستند شود و در سراسر محدوده‌های جغرافیایی کشور شما ارائه گردد.

موجب خشنودی بیت العدل اعظم است که قصد دارید مبادرت به اجرای خطوط عملی نمایید که هدفش افزایش آگاهی بهائیان در ... نسبت به وظیفه مقدّس تقدیم تبرّعات به صندوق‌های امر الهی است. علاوه بر اقدامات مختلفی که برای برقراری ارتباط با عموم بهائیان ... در نظر دارید، به شما توصیه می‌گردد که توجّه ویژه‌ای به جوانان و بزرگسالان جوان نمایید. یک جامعه هرگز ثابت نمی‌ماند و دوستانی که امروز در صفّ اوّل حمایت از صندوق‌ها هستند روندی مقرّر نموده‌اند که باید توسّط نسل‌های پی در پی که آمادهٔ پذیرش این مسئولیّت خواهند بود دنبال شود. همانطور که جوانان برای ایفای نقش خود در ارتقای روحانی و اجتماعی جوامع خود بپا می‌خیزند، تقدیم تبرّعات با شوق و اشتیاق نیز باید به طور طبیعی جنبه‌ای جدایی‌ناپذیری از تربیت روحانی و تجربهٔ زندگی آنان باشد.

علاوه بر این، در سراسر کشور شما تعداد بسیار زیادی در فرایند جامعه‌سازی مشغول به فعّالیّت هستند که با الهام از تعالیم حضرت بهاءالله و با تکیه بر روش‌ها و ابزارهای نقشه‌های جهانی، به طور فزاینده‌ای مسئولیّت ترقّی روحانی و مادّی خود را به عهده می‌گیرند. اگرچه کسانی که هنوز به امر الهی وارد نشده‌اند از موهبت تقدیم تبرّعات به صندوق‌های امری برخوردار نیستند ولی طبیعی است که به عنوان عاملین فعّال بخواهند مسئولیّت روزافزونی در تأمین نیازهای مادّی فعّالیّت‌هایی را که از آنِ خود می‌دانند بر عهده گیرند. بنا بر این لازم است فضایی در محلّه‌ها و دهکده‌ها پرورش یابد که از چنین تمایلی استقبال کند. مؤسّسات و نهادهای امر الهی باید مطالب زیادی را راجع به مشارکت جمعیّت‌ها در تأمین نیازهای مادّی فرایندهای در حال شکل‌گیری در سطح مردمی بیاموزند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۳۰ مه ۲۰۲۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۶۵]**

شکوفایی نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی

ترویج تعالیم الهی

در محفل انس باید مذاکرات محصور در امور نافعه باشد یعنی در اعلاء کلمة اللّه و ترویج تعالیم اللّه و تربیت نفوس و تعلیم اطفال و محافظهٔ ایتام و پرورش ایشان و اعانهٔ ضعفا و فقرا و اعاشهٔ عجزه و ترویج امور خیریّه و موادّ برّیّه امّا اعظم کلّ نشر نفحات اللّه است زیرا این اساس است.

(از الواح حضرت عبدالبهاء) **[۶۶]**

در حالی که امور اداری امر الهی مستمرّاً گسترش می‌یابد و شعبات مختلف آن از نظر اهمّیّت و تعداد در حال افزایش است قطعیّاً لازم است که این حقیقت اساسی را به خاطر داشته باشیم که تمامی این مجهودات اداری هر قدر هم با هماهنگی و از روی کفایت اجرا شود، فقط اسباب رسیدن به یک هدف است، و باید به منزلهٔ وسیلهٔ مستقیم تبلیغ امر الله منظور گردد. باید

مراقب باشیم که مبادا با توجّه بیش از حدّ به اِکمال تشکیلات اداری امری، مقصد الهی از ایجاد آن را از نظر دور داریم. باید مراقب باشیم که مبادا نیاز روزافزون به داشتن تخصّص در انجام امور اداری امر الله ما را از پیوستن به زمرهٔ کسانی که در صفّ اوّل جبهه جمع غفیری را به این یوم بدیع الهی با سرافرازی دعوت می‌نمایند محروم کند. در حقیقت این باید اوّلین هدف ما باشد، این است وظیفهٔ مقدّس و نیاز حیاتی و فوری ما. باید این اصل اساسی را همواره در مدّ نظر داشت زیرا محرّک اصلی جمیع اقدامات آتیه و برطرف کننده هر نوع مانع نامطلوب و تحقّق منویّات قلبی مولای حنون ما است.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۶ حضرت شوقی افندی) **[۶۷]**

همچنین نشر و توزیع آثار بهائی باید به طور هم‌زمان با جدّیّت بیش از پیش انجام پذیرد. هر تدبیری که برای تضمین سیستماتیک‌تر و گسترده‌تر انتشار تعالیم امر الهی در میان تودهٔ مردم لازم است باید سریعاً و بدون درنگ اتّخاذ شود.

(ترجمه‌ای از پی‌نوشت حضرت شوقی افندی در ذیل نامهٔ مورّخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۷ صادره از جانب آن حضرت خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۶۸]**

هنگامی که هر محفل روحانی ملّی با دقّت خواسته‌های عموم و نیازمندی‌های احبّا به آثار و مطبوعات بهائی را با موجودی فعلی مقایسه کند، متوجّه خواهد شد که تلاش‌های مضاعفش برای تضمین دسترسی دائم به مجموعهٔ وسیع و جامعی از آثار و مطبوعات بهائی چقدر کار فوری و حیاتی است. آثار و مطبوعات امری مورد نیاز اوّلیّه باید به منظور گسترش و توسعهٔ امر الهی بر طبق اهداف نقشه، به مناسب‌ترین و مورد نیازترین زبان‌ها ترجمه شود. در هر اقلیم ملّی، نهادهای مرتبط با تهیّه و انتشار مطبوعات بهائی باید به شدّت تقویت شوند تا به نحو مؤثّری تدارک مستمرّ آثار و مطبوعات موجود را که از مؤسّسات مطبوعات امری مختلف در دسترس است تضمین نمایند و توزیع آن را در سراسر منطقه از طریق محافل محلّی و جمعیّت‌ها، با فروش در کنفرانس‌ها و مدارس تابستانه و مستقیماً به افراد، سازمان‌دهی کنند. این نهادها در عین حال باید اطمینان حاصل کنند که وجوه حاصله از فروش آثار بهائی جدا از سایر صندوق‌های امری نگهداری شده و برای تکمیل موجودی کتاب‌ها و گسترش دامنهٔ آثار و مطبوعات موجود استفاده می‌شود. محافل ملّی همچنین باید به لزوم تأمین هزینهٔ بعضی از مطبوعات از صندوق ملّی توجّه کنند تا بتوان آنها را به صورت رایگان یا با قیمتی در حدود استطاعتِ کسانی که به شدّت به آن نیاز دارند عرضه نمود.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۵ مه ۱۹۷۵ بیت العدل اعظم خطاب به محافل ملّی) **[۶۹]**

این نظر که از اصول پیروی می‌شود در حالی که استراتژی‌های عملی بر حسب نیازهای امر الله شکل می‌گیرند، نظری است که در مورد ترتیبات اداری حامی امر تبلیغ نیز صادق است. محافل ملّی همواره وظیفهٔ ایجاد ساختارهای تبلیغی مؤثّر، اغلب با ایجاد نهادهایی در سطوح مختلف چون لجنات ملّی، ایالتی یا منطقه‌ای تبلیغ را به عهده داشته‌اند؛ شوراهای منطقه‌ای بهائی و لجنات رشد محدودهٔ جغرافیایی، چنین ساختارهایی برای هدایت پیشرفت محدوده‌های جغرافیایی هستند. محافل محلّی همیشه در چارچوب یک نقشهٔ تبلیغی ملّی یا منطقه‌ای کار کرده‌اند و اکنون در مناطق پیشرفته در چارچوب یک برنامهٔ فشردهٔ رشد که در سطح محدودهٔ جغرافیایی عمل می‌کند، فعّالیّت می‌کنند. البتّه نهایتاً این فرد است که می‌باید امر الله را تبلیغ نماید و سایر فعّالیّت‌ها را برای ترویج و تحکیم انجام دهد. همانطور که بیت العدل اعظم در آغاز تلاش برای پیشبرد سیستماتیک فرایند دخول افواج فرموده‌اند "هزاران هزار از دوستان محتاج مساعدت خواهند بود تا بتوانند پویایی و قدرت ایمان خویش را با مداومت در تبلیغ امر الهی" نشان دهند. نقش محفل روحانی در امر تبلیغ در درجهٔ اوّل پرورش و حمایت از چنین ابتکاراتی است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۹ اوت ۲۰۰۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) **[۷۰]**

مساعدت به تقلیب و تحوّل اجتماعی

اقدام اجتماعی

از واجبات اوّلیّهٔ محافل روحانی تهیّه و اجرای وسائل فعّاله از برای ترقّی امر نسوانست خوبست هر محفل روحانی لجنهٔ مخصوصی تشکیل دهد و اعضای آن لجنه شب و روز در تشویق و تحریص و تعزیز و تکریم حضرات اماء الرّحمن و تعلیم بنات و اکمال و توسعهٔ محافل و مجالس نسا و معاونت آنان با رجال در خدمات امریّه و تحکیم اساس محافل روحانی دائماً اوقات و افکار را حصر نمایند ... حال وقت تهیّهٔ اسبابست و ایّام ترقّی نسا در کمالات صوری و معنوی مطمئن باشید که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلک میثاق نازل گشته حوادث زمان و شئون امکان و اجرائات و اقدامات رجال ارض بنحوی غیر مستقیم وسائل مکنونهٔ غیبیّهئی را متدرّجاً محض اجرای نصوص الهیّه چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و متعجّب و متذکّر گردیم وقت اطمینانست و یوم یوم همّت و جانفشانی باید باعمال پسندیده اوامر الهیّه را اجرا نمائیم و توکّل بحقّ کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تأخیر تحقّق یابد.

(توقیع مورّخ ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ حضرت شوقی افندی خطاب به احبّای شرق) **[۷۱]**

باید هیئت پس از مشورت و تفحّص و تدقیق در لوازم امریّه و احتیاجات نفوس بقدر قوّت و استطاعت خویش تخصیصاتی معیّن نمایند تا فقرا و عجزا و محتاجین از تمام طبقات بمرور ایّام مساعده گردند و منافع عمومیّه و مصالح امریّه نیز ترویجی سریع یابد.

(توقیع مورّخ ژوئیه ۱۹۲۶ حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۷۲]**

سریع‌ترین راه دسترسی مستقیم به تأثیرات پویای کلمة الله از طریق خواندن می‌باشد. بنا بر این توانایی خواندن حقّ و امتیاز بنیادین هر انسان است. این حقّ را حضرت بهاءالله در حکم مبارک خود به والدین ترویج و می‌فرمایند که از تعلیم پسران و دختران خود "بالعلم و الخطّ" اطمینان حاصل کنند. نظر به این دلیل اساسی، در پیام رضوان گذشتهٔ خود به لزوم توجّه سیستماتیک به ریشه‌کن کردن نهایی بی‌سوادی از جامعهٔ بهائی اشاره نمودیم. این موضوع باید به عنوان یک هدف مستمرّ آن جامعه از اهمّیّت ویژه‌ای برخوردار باشد.

شایسته است که هر محفل روحانی ملّی و محلّی بر طبق ضرورت و شرایط، به این هدف توجّه نماید و بداند که حتّی اگر تحقّق کامل آن فوراً ممکن نیست باید به دنبال فرصت‌هایی برای پیشرفت مستمرّ آن بود. هر یک باید اطمینان داشته باشند که مثال درخشان ایران، یعنی جامعهٔ مادریِ عالم بهائی، تحت تأثیر تعالیم حضرت بهاءالله و تشویق حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی، الگویی است که همه می‌توانند از آن پیروی نمایند. در سال‌های اوّلیّهٔ این قرن، هنگامی که هیچگونه برنامهٔ سیستماتیک و کلّی آموزش در ایران وجود نداشت، بهائیان از فرصتی که در اختیارشان بود استفاده نموده یک برنامهٔ آموزش گسترده را سازمان‌دهی کردند. معلّمین این برنامه به خاطر توانایی خود در ترویج آموزش کودکان، جوانان و بزرگسالان، که منجر به رشد شخصی قابل توجّهی در میان بهائیان ایرانی شد ممتاز بودند. ظهور یک جامعهٔ بهائی با سواد نتیجه و توفیقی برجسته بود.

برخی از جوامع بهائی محلّی یا ملّی ممکن است بخواهند از مثال جوامعی پیروی کنند که پروژه‌های سوادآموزی خود را تأسیس کرده به موفّقیّت‌های چشمگیری نائل شده‌اند؛ دیگران ممکن است بخواهند در برنامه‌های سوادآموزی تنظیم شده توسّط سازمان‌های دولتی یا غیر دولتی شرکت کنند. هر جامعه باید تصمیم بگیرد که در یکی از این برنامه‌ها یا در هر دو شرکت

کند. پیشرفت در این امر نه تنها به ابتکار مؤسّسات بهائی در رابطه با کودکان بستگی خواهد داشت بلکه همچنین وابسته به علاقهٔ فعّالانهٔ مؤمنین بزرگسالی است که مایلند خواندن را بیاموزند. چنین دوستانی باید قطعاً تشویق و حمایت شوند تا با عزّت به آرزوی قلبی خویش نائل آیند. مشارکت داوطلبانه دوستان در چنین اقدام مهمّی به منظور اعتلای افراد و تحکیم جامعهٔ بهائی، قطعاً جاذب عنایات و تأییدات الهی خواهد بود.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۹ بیت العدل اعظم خطاب به محافل ملّی) **[۷۳]**

ترویج هر نوع یادگیری در بین بهائیان فعّالیّتی اساسی برای نیل به اهداف متنوّع جامعه می‌باشد. بنا بر این تشویق افراد احبّا به کسب دانش، عملیّات مدارس بهائی، دانشگاه‌ها و مؤسّسات آموزشی، تشکیل گروه‌های مطالعه و فعّالیّت‌های تیم‌های اجرایی مخصوص ارتباط اصول بهائی با مشکلات نوع بشر، همگی نمونه‌های فعّالیّت‌هایی است که از یک سو مشاورین و معاونین‌شان و از سوی دیگر محافل ملّی و محلّی باید به آنها بپردازند. در ایفای این مسئولیّت‌های مبرم مؤسّسات بهائی در همه جا مشاهده می‌کنند که کوشش‌هایشان به نحو قابل ملاحظه‌ای از طریق مساعدت‌های احبّایی تقویت می‌شود که فعّالیّت‌های پژوهش‌مندانه، خصایص اخلاقی و به خصوص تمسّک‌شان به امر مبارک آنان را برای خدمت مهیّا می‌سازد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۴ مارس ۱۹۹۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از احبّا) **[۷۴]**

در هر دو نوع محدودهٔ جغرافیایی، توجّه خاصّ به کودکان و نوجوانان، ضروری است. مسئولیّت آموزش اخلاقی و روحانی افراد جوان شدیداً وجدان بشریّت را تحت فشار گذاشته، و هیچ تلاشی برای بنیان‌گذاری جامعه نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. آنچه علی‌الخصوص در طیّ نقشهٔ پنج‌سالهٔ کنونی مبرهن شده، کارآیی برنامه‌های آموزشی برای تواندهی روحانی نوجوانان است. نوجوانانی که برای سه سال به همراهی دیگران از برنامه‌ای که ادراک روحانی‌شان را افزایش دهد بهره‌مند گردند، و در سنّ پانزده سالگی به مطالعهٔ دوره‌های متوالی اصلی مؤسّسهٔ آموزشی تشویق شوند، نمایندهٔ منبع گسترده‌ای از نیرو و استعداد که می‌تواند وقف پیشبرد مدنیّت مادّی و معنوی گردد هستند. نتایج حاصله تا بحال تحسین و تمجید فراوان این جمع را برانگیخته است و بر این اساس و نظر به احتیاجات ضروری و فوری فعلی، از کلّیّهٔ محافل ملّی دعوت خواهیم کرد که گروه‌های نوجوانانی را که از طریق برنامه‌های مؤسّسات آموزشی خود تشکیل داده‌اند چهارمین فعّالیّت اساسی نقشه محسوب دارند و آن را در مقیاسی وسیع ترویج دهند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۷۵]**

وقتی اجتماع گرفتار چنین سختی‌ها و مشقّاتی می‌شود مسئولیّت بهائیان برای کمک سازنده به امور بشری مشخّص‌تر می‌گردد. این لحظه‌ای است که خطوط عملِ متمایز ولی مرتبط در یک نقطهٔ واحد به هم می‌پیوندد، هنگامی که طنین ندای دعوت به خدمت بیش از پیش بلند می‌شود. فرد، جامعه، و مؤسّسات امری، یعنی سه شرکت‌کنندهٔ جدایی‌ناپذیر در پیشبرد تمدّن، در موقعیّتی هستند که ویژگی‌های ممتاز حیات بهائی را نشان دهند، ویژگی‌هایی که در بلوغ بیشتر در انجام مسئولیّت‌ها و در روابط‌شان با یکدیگر منعکس است. آنها به متجلّی ساختن هر چه بیشتر قدرت اجتماع‌سازی امر الله فراخوانده می‌شوند. شاید لازم باشد که نهادها و پروژه‌هایی که به اقدام اجتماعی مشغولند به تطبیق رویکردهای خود با نیازهای گستردهٔ کنونی بپردازند؛ تلاش به این منظور مطمئناً مفهوم و مقصدی عمیق‌تر به برنامه‌های آنها خواهد بخشید. بعلاوه کمک‌های جامعهٔ بهائی به گفتمان‌های جدیدی که در اجتماع متداول است توجّه زیادی به خود جلب نموده و اینجا نیز وظیفه‌ای به وجود آمده که باید

به آن توجّه داشت. در زمانی که فوریّت نیل به سطوح بالاتری از اتّحاد، بر اساس حقیقت غیر قابل انکار وحدت نوع انسان، برای تعداد روزافزونی از مردم جهان آشکار می‌گردد اجتماع نیازمند صداهای رسا و واضحی است که بتوانند آن اصول روحانی را که زیربنای چنین آرمانی است به روشنی بیان نمایند.

شما البتّه همواره واقفید که وظایف و مسئولیّت‌های شما فراتر از ادارهٔ امور جامعه و هدایت نیروهایش در جهت تحقّق اهداف متعالی است: شما طالب افزایش آگاهی نسبت به آن قوای روحانی هستید که هر مؤمن ثابت‌قدم به آن دسترسی دارد و در لحظات احتیاج می‌باید به استمداد طلبیده شود. این است قوایی که به جامعه استقامت می‌بخشد، اصالتش را تضمین می‌کند و توجّهش را بر مأموریّت الهی‌اش در خدمت به بشریّت و در ارتقای بینش عالمیان نسبت به آینده متمرکز نگه می‌دارد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۹ مه ۲۰۲۰ بیت العدل اعظم خطاب به محافل ملّی) **[۷۶]**

نخستین حرکت‌ها در جهت اقدام اجتماعی در سطح مردمی در یک محدودهٔ جغرافیایی وقتی دیده می‌شود که منابع انسانی موجود افزوده می‌گردد و قابلیّت برای انجام طیف وسیع‌تری از وظایف گسترش می‌یابد. اگرچه بروز و استمرار ابتکارات اقدام اجتماعی در روستاها بسیار مشاهده می‌شود امّا دوستان ساکن در شهرها نیز موفّق به اجرای فعّالیّت‌ها و پروژه‌های متناسب با محیط اجتماعی خودشان شده‌اند، گاهی با همکاری با مدارس محلّی، با نهادهای جامعهٔ مدنی، و گاه حتّی با نهادهای دولتی. اقدام اجتماعی در زمینه‌های مهمّ متعدّدی در حال اجرا است از جمله در امور محیط زیست، کشاورزی، بهداشت، هنر، و به خصوص تعلیم و تربیت. در طول نقشهٔ نه‌ساله و با در نظر گرفتن اینکه مطالعهٔ دوره‌های خاصّ مؤسّسهٔ آموزشی مشوّق فعّالیّت‌های بیشتری در این زمینه می‌شود، انتظار داریم که شاهد بسط و تکثیر اقدامات رسمی و غیر رسمی برای توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی باشیم. برای استمرار فعّالیّت بعضی از این ابتکاراتِ برخاسته از جامعه، نیاز به ساختارهای اداری ساده خواهد بود. محافل روحانی محلّی در نقاطی که شرایط مساعد باشد باید تشویق شوند تا به یادگیری در بارهٔ بهترین راه پرورش ابتکارات جدید و ترویج کوشش‌های نوپا پردازند. در بعضی موارد، تأسیس یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی جوابی به احتیاجات در یک حوزهٔ خاصّ مجهودات خواهد بود و انتظار داریم که در طیّ نقشهٔ آینده تعداد بیشتری از این سازمان‌ها تأسیس گردد. محافل روحانی ملّی نیز به نوبهٔ خود باید راه‌هایی بیابند تا از یادگیری‌های سطوح محلّی جوامع‌شان به خوبی آگاه گردیده تجارب حاصله را تجزیه و تحلیل نمایند. این کار در بعضی نقاط مستلزم ایجاد نهادی مختصّ پیگیری اقدام اجتماعی خواهد بود. با نگاهی به سراسر عالم بهائی، مشاهدهٔ اینکه چطور این حوزه از مجهودات با تشویق و حمایت "سازمان توسعهٔ بین‌المللی بهائی" ترقّی نموده است موجب سرور این مشتاقان است....

مایلیم بر این نکته تأکید نماییم که اقدام اجتماعی و مساعی در راه مشارکت در گفتمان‌های رایج در اجتماع، چه در گذشته و چه در حال، نه فقط در بستر رشد پدید آمده است بلکه همچنین نتیجهٔ تلاش افراد بهائی برای کمک به پیشرفت اجتماع از طرق موجود بوده است. در پاسخِ فردی خویش به دعوت حضرت بهاءالله برای کمک به اصلاح عالم، احبّا به شیوه‌های گوناگون مشاغلی را برگزیده‌اند و همچنین فرصت‌هایی را یافته‌اند که فعّالیّت‌های گروه‌ها و سازمان‌های هم‌فکر را حمایت نمایند. پروژه‌های بزرگ و کوچک برای پاسخ به یک سری از مسائل اجتماعی بنیان گذاشته شده است. تعداد زیادی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی توسّط گروه‌هایی از افراد تأسیس شده تا برای تحقّق اهداف متعدّد متفاوتی اقدام نمایند و نهادهایی تخصّصی نیز به منظور توجّه به گفتمانی خاص ایجاد گردیده است. همهٔ این کوشش‌ها در هر مقیاسی، از اصول و بینش‌هایی بهره‌مند بوده‌اند که فعّالیّت‌های سطح مردمی جامعهٔ بهائی در سراسر عالم را هدایت می‌نماید و از هدایات

حکیمانهٔ محافل روحانی محلّی و ملّی نیز نصیب برده‌اند. مشاهدهٔ تجلّیات متنوّع و هماهنگ ایمانِ پیروان مخلص جمال قدم برای پاسخگویی به آلام جهانی سرگردان و به شدّت آشفته موجب سرور این مشتاقان است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) [۷۷]

در بسیاری از نقاط عالم یک نتیجهٔ طبیعی مشارکت افراد و خانواده‌ها در فرایند مؤسّسهٔ آموزشی، آگاهی بیشتر نسبت به اهمّیّت تعلیم و تربیت در همهٔ شکل‌هایش بوده است. دوستانی که به عنوان معلّم کلاس‌های کودکان به خدمت مشغولند علاقهٔ خاصّی به توسعهٔ وسیع آموزش کودکان نشان می‌دهند در حالی که افرادی که در مقام راهنما و مشوّق خادمند طبیعتاً در این فکرند که کسانی که در مرز بلوغ هستند، اعمّ از دختر و پسر، تا چه حد می‌توانند از تحصیلات مختلف که منحصر به دوره‌های مؤسّسهٔ آموزشی نیست بهره‌مند گردند. به عنوان مثال می‌توانند جوانان را به کارآموزی حرفه‌ای و یا به تحصیلات دانشگاهی تشویق نمایند. بسیار خشنود شدیم که چگونه در بسیاری از جوامع مشارکت تعداد کثیری در فرایند مؤسّسهٔ آموزشی تدریجاً این جنبهٔ فرهنگ در یک جمعیّت را تغییر داده است. مؤسّسات بهائی باید این مسئولیّت را بر عهده بگیرند که با افزایش آگاهی بدین‌سان، آرزوها و انگیزه‌های والای ایجاد شده در جوانان که همانا انگیزهٔ تحصیل و کسب مهارت‌هایی است که به آنان فرصت یک عمر خدمت هدفمند به اجتماع‌شان را خواهد داد به تحقّق پیوندد. توسعه و پیشرفت درازمدّت یک جامعه و بالمآل یک ملّت از یک نسل به نسل دیگر تا حدّ بسیار زیادی بستگی به سرمایه‌گذاری بر روی افرادی دارد که مسئولیّت پیشرفت جمعی اجتماع را بر دوش دارند.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) [۷۸]

مشارکت در گفتمان‌های اجتماع

به نظر این عبد بر عهدهٔ نمایندگان ملّی مؤمنین در هر اقلیم است که هر دو روش، یعنی هم صریح و هم تدریجی را به منظور بدست آوردن بهترین نتایج و کامل‌ترین مزایا برای این آیین دائم التّوسعه به کار برند. هر مؤمن متمسّک و وسیع النّظری یقین مبین به تأثیرات قطعی و دائمی آن دسته اقدامات بشردوستانه‌ای دارد که صراحتاً و بی قید و شرط قوّهٔ محرکه‌اش را آگاهی از ظهور مبارک حضرت بهاءالله می‌داند. امّا اگر روشی را که حضرت عبدالبهاء عموماً اتّخاذ می‌نمودند به خاطر آوریم، قطعاً خواهیم توانست به اهمّیّت حکمت و حتّی ضرورت ارائهٔ تدریجی و محتاطانهٔ مقتضیات حقیقتی که درکش به لحاظ ماهیّت خطیرش برای جهانی بی‌ایمان بسیار مشکل است پی بریم....

با توسعهٔ حدود و ثغور نفوذ این نهضت روحانی و افزایش فرصت‌های مناسب برای شناخته شدن کامل‌تر آن، خصوصیّت دوجانبهٔ وظایف محوّله بر نمایندگان منتخب ملّی نیز به نظر این عبد باید متزایداً تأکید گردد. ضمن اینکه عمدتاً مشغول پی‌گیری وظیفهٔ اصلی خویشند که اساساً شامل تشکیل و تحکیم نظم اداری بهائی است، باید سعی نمایند تا در حدّی مشخّص در کار مؤسّساتی مشارکت نمایند که اگر چه از اهداف عالیهٔ امر بهائی آگاهی ندارند ولیکن خالصانه به ترویج روح نبّاض امر مبارک برانگیخته شده‌اند. در انجام وظیفهٔ اصلی خود، مأموریّت‌شان حفظ اصالت امر و برائت رسالت حضرت بهاءالله است. در انجام وظیفهٔ فرعی خود، هدف‌شان باید القای روح قوّت و قدرت در حرکت‌هایی باشد که در حوزهٔ محدود خویش برای حصول آنچه که آرزوی قلبی هر بهائی حقیقی است تلاش می‌نمایند. حتّی در بعضی مواقع به نظر می‌رسد مقتضی و مفید خواهد بود که بهائیان علاوه بر فعّالیّت‌های امری خویش به ابتکاراتی پردازند که اختصاصاً به عنوان مشروعی بهائی

شناخته نیست مشروط بر آنکه اطمینان حاصل کنند که چنین فعّالیّتی بهترین طریق تقرّب به افرادی است که اذهان و قلوب‌شان هنوز آمادگی کامل برای پذیرش دعوی حضرت بهاءالله را ندارد. این وظایف دوجانبه که به جوامع سازمان‌یافتهٔ بهائی تفویض گردیده، به دور از خنثی نمودن تأثیرات یکدیگر و عاری از تعارض در اهداف‌شان، باید هر یک از طریق خود به عنوان مکمّل و متمّم وظیفه‌ای حیاتی و ضروری به شمار آید.

نمایندگان ملّی امر بهائی باید شرایطی را که در آن خدمت می‌کنند مورد ملاحظه قرار دهند، قوایی را که در محیط‌شان فعّال است ارزیابی نمایند، مزایای هر یک از این دو اسلوب را با دقّت و با توسّل به قوّهٔ دعا، بررسی کنند، و قضاوتی دقیق نمایند که بر هر یک از این روش‌های دوجانبه چقدر باید تأکید شود. تنها در این صورت و فقط بدین نحو قادر خواهند بود از یک سو حافظ و مشوّق توسعهٔ مستقلّ امر بهائی و از سوی دیگر مدافع و حامی دعوی اصول و مبادی عمومی آن در مقابل نفوس شکّاک و متردّد باشند.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۲۰ فوریه ۱۹۲۷ حضرت شوقی افندی) **[۷۹]**

با شرکت تعداد روزافزونی از مؤمنین در سراسر جهان در گفتمان‌های اجتماعی، یادگیری در سال‌های آینده در این زمینه از فعّالیّت پیشرفت خواهد کرد. این امر در سطوح متعدّدی رخ خواهد داد. تعداد فزاینده‌ای از مؤمنین بینش‌هایی مبتنی بر آثار بهائی را به گفتگوها در فضاهای اجتماعی مختلفی که در آن حضور دارند، خواهند آورد — برخی از این گفتگوها به زندگی در محلّ سکونت‌شان مربوط خواهد بود در حالی که بعضی دیگر به محیط کارشان ارتباط خواهد داشت. نهادهای ملهَم از تعالیم بهائی طبیعتاً در گفتمان‌های مرتبط با جنبه‌های توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی مربوط به کارشان مشارکت خواهند کرد. به علاوه با پیشرفت برنامه‌های رشد و جلب دوستان به زندگی اجتماعی اطراف، تلاش‌هایشان برای غلبه بر چالش‌های جوامع‌شان از طریق کاربرد اصول روحانی قطعاً مستلزم مشارکت در گفتمان‌ها در سطح مردمی خواهد بود. بدیهی است که مشارکت بهائیان در گفتمان‌های اجتماعی به طور ارگانیک در تمامی سطوح، متناسب با افزایش قابلیّت مؤمنین، رشد خواهد کرد. همچنین اهمّیّت مرکزیّت نقش مؤسّسه آموزشی در این فرایند واضح و روشن است.

در حالی که محفل روحانی ملّی نیازی به برنامه‌ریزی خاصّی در زمینه‌های مذکور ندارد، تعهّدش برای هدایت مشارکت در گفتمان‌ها در سطح ملّی لازم است — وظیفه‌ای که می‌تواند به دفتر امور خارجی محوّل شود. امّا اوّلین قدم توسّط چنین دفتری، انتخاب موضوعاتی نیست که تلاش‌هایش را بر آن متمرکز سازد بلکه باید به تدریج با فضاهای اجتماعی مختلف در سطح ملّی آشنا شود و در بارهٔ گفتمان‌های مرتبط با آنها بیاموزد. در این فرایند، طبیعتاً از مباحث پیچیده و تفرقه‌افکن اجتناب نموده و به تدریج در شناسایی فضاهایی که بهائیان می‌توانند نظریّاتی مبتنی بر تعالیم دیانت بهائی ارائه دهند مهارت بیشتری پیدا می‌کند. تذکّر نکته‌ای کوتاه در اینجا لازم است: هدف از مشارکت در گفتمان‌های اجتماعی متقاعد کردن دیگران به قبول مواضع بهائی یا مبادرت به تبلیغ مستقیم نیست. همچنین نباید به عنوان یک فعّالیّت روابط عمومی یا پژوهش دانشگاهی تلقّی شود. بلکه افرادی که در این گفتمان‌ها شرکت می‌کنند با اتّخاذ روحیّهٔ یادگیری خالصاً به گفتگوهایی اشتغال می‌ورزند که ضمن آن می‌توانند بینش‌هایی مبتنی بر آثار مبارکه و نیز تجربیّات خود در کاربرد آنها را به عنوان سهمی در پیشبرد گفتمان مورد نظر ارائه دهند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۶ فوریه ۲۰۱۱ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۸۰]**

از مشاهدهٔ اینکه محافل روحانی ملّی، سرداران خستگی‌ناپذیر لشکر نور، با چه قابلیّتی جوامع خود را هدایت نموده و عملکرد آنها را در این بحران[1] شکل داده‌اند، روح این مشتاقان به اهتزاز آمده است. این محافل قویّاً از همکاری و حمایت

مشاورین قارّه‌ای و هیئت‌های معاونت که مثل همیشه پرچم خدمات عاشقانه را دلیرانه برافراشته‌اند، برخوردار بوده‌اند. محافل با اطّلاع کامل از وضعیّت سریع التّغییر در کشورشان، ترتیبات لازم را برای ادارهٔ امور امر الله و به خصوص برگزاری انتخابات، هر جا که میسّر بوده فراهم ساخته‌اند. مؤسّسات و نهادها از طریق مکاتباتِ مرتّب و با توصیه‌های مدبّرانه موجب تسلّی و اطمینان بخشیدن و تشویق مداوم بوده‌اند. همچنین در بسیاری از موارد، این مؤسّسات و نهادها مبادرت به شناسایی موضوعات سازنده‌ای نموده‌اند که از گفتمان‌های مطرح در اجتماع‌شان آغاز گردیده است. امیدی که در پیام نوروز خود ابراز داشتیم که این آزمونِ تحمّل و طاقت عالم انسانی بصیرت بیشتری به بشریّت بخشد، هم‌اکنون در حال تحقّق یافتن است. رهبران، متفکّرین برجسته و مفسّرین شروع به بررسی بی‌باکانهٔ مفاهیم بنیادین و آرمان‌هایی کرده‌اند که در دوران اخیر اکثراً در گفتمان‌های عمومی وجود نداشت. اگرچه این جریان در حال حاضر مانند بارقه‌های اوّلیّه است، ولی امکان تحقّق یک آگاهی جمعی را در نظر می‌آورد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۲۰ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۸۱]**

همانطور که مطّلعید، ترویج حیات فکری جامعهٔ بهائی و تلاش آن برای تاباندن انوار ظهور حضرت بهاءالله بر تحوّل اندیشه و بر کاوش واقعیّت‌های اجتماعی، روز به روز اهمّیّت بیشتری پیدا می‌کند. این موضوع به ویژه در شرایطی اهمّیّت بیشتری می‌یابد که جامعهٔ بهائی بیش از پیش به مشارکت در حیات اجتماع جلب شده و در کنار دیگران در بستری از نیروهای روزافزون تخریب، به دنبال یافتن پاسخی به مشکلات پیچیدهٔ بی‌شماری است که بشریّت با آن مواجه است. البتّه، مؤسّسات و نهادهای بهائی، برخی سازمان‌ها و بسیاری از آحاد احبّا از جمله شرکت‌کنندگان متعدّد در این امر مهمّ هستند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۸۲]**

سلامت روحانی و حیات جامعهٔ بهائی

محفل ملّی حافظ مصالح آیین بهائی است که مقدّس‌ترین و خطیرترین مسئولیّت و وظیفه‌ای گریزناپذیر می‌باشد. این محافل باید همواره هوشیار، مراقب و آماده برای اقدام لازم باشند و در تمام امور اساسی حتّی یک لحظه هم مصالحه و تبانی را نپذیرند. فقط از این طریق هیکل امر الله می‌تواند از امراض محفوظ بماند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۴ اوت ۱۹۵۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۸۳]**

هدف هر محفل روحانی باید پرورش رابطه‌ای گرم و مشفقانه با بهائیان جامعهٔ خود باشد تا بتواند به مؤثّرترین نحوی آنان را در کسب درکی عمیق‌تر از تعالیم تشویق نموده به آنان کمک کند تا در رفتار شخصی خود از اصول بهائی پیروی نمایند. محفل باید بکوشد تا از طرف اعضای جامعه به عنوان والدینی مهربان تلقّی شود که درک خردمندانه‌ای از درجات مختلف بلوغ افراد تحت اِشرافش دارد، در برخورد با مشکلاتی که به دلیل هرگونه کاستی پیش می‌آید با شفقت عمل می‌کند، همواره آمادهٔ هدایت آنها به راه درست است، و هنگام تلاش آنان در تغییر لازم در رفتار خود بسیار صبور است. چنین رویکردی بسیار دور از قضاوت‌های ناخوشایند و کیفری است که غالباً در اجرای قانون در اجتماع بزرگ مشاهده می‌شود. اجرای عدالت در امر بهائی که ریشهٔ عمیق در اصول روحانی دارد و انگیزه‌اش پرورش معنوی و اخلاقی اعضای جامعه است، به نحو فزاینده‌ای به عنوان خصوصیّت متمایز و بسیار جذاب ظهور حضرت بهاءالله شناخته خواهد شد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) [۸۴]

استقرار یک جامعهٔ متّحد، استوار و خودکفا باید هدف اصلی یک محفل روحانی باشد. چنین جامعه‌ای متشکّل از اعضایی با تنوّع شخصیّت‌ها، استعدادها، توانایی‌ها و علایق، به سطحی از تعامل داخلی بین محفل و جمع مؤمنین نیازمند است که مبتنی بر تعهّد مشترک هر دو به خدمت باشد و در آن، یک حسّ تشریک مساعی بر اساس درک حوزه‌های متمایز عمل یکدیگر به طور کامل شناخته و همواره حفظ شود و هیچگونه دوگانگی بین این دو پدیدار نشود. در چنین جامعه‌ای، رهبری همانا آن نوع تجلّی خدمت است که از طریق آن محفل روحانی استفاده از استعدادها و توانایی‌هایی را که جامعه از آن بهره‌مند است دعوت و تشویق می‌نماید و عناصر متنوّع جامعه را به سمت اهداف و استراتژی‌هایی هدایت می‌کند که بدان وسیله اثرات نیرویی منسجم برای پیشرفت بتواند تحقّق پذیرد.

حفظ فضای محبّت و وحدت تا حدّ زیادی به وجود این احساس در بین افراد جامعه بستگی دارد که محفل روحانی جزئی از خودشان است، که هم‌کاری و تعامل‌شان با این مؤسّسهٔ الهی به آنان آزادی عمل کافی برای ابتکار می‌دهد و کیفیّت روابط‌شان هم با این مؤسّسه و هم با هم‌کیشان‌شان روحیّهٔ تهوّر و ابتکار عمل را تقویت می‌کند، روحیه‌ای که با آگاهی از هدف تحوّل‌آفرین ظهور حضرت بهاءالله، و با وقوف بر امتیاز بزرگ وابسته بودن‌شان به تلاش‌ها برای تحقّق آن هدف، و در نتیجه از حسّ سرور دائمی حاصله بهره‌مند می‌باشد. در چنین فضایی، جامعه تقلیب گشته از مجموع اجزای خود فراتر می‌رود و به هویّتی کاملاً جدید تبدیل می‌شود، جایی که اعضای آن با یکدیگر عجین می‌شوند بدون اینکه وجه تمایز فردی خود را از دست بدهند. امکانات ظهور چنین تقلیبی بیشتر در سطح محلّی وجود دارد امّا یک مسئولیّت عمدهٔ محفل مقدّس ملّی است که شرایط را برای شکوفایی آن فراهم سازد.

مرجعیّتِ هدایت امور امر الله در سطح محلّی، ملّی و بین‌المللی از طرف خداوند به مؤسّسات منتخب تفویض گردیده است. ولی قدرت انجام وظایف جامعه در درجهٔ اوّل در دست تودهٔ مؤمنین است. مرجعیّت مؤسّسات استلزامی محتوم برای پیشرفت نوع بشر است؛ کاربرد آن مانند یک هنر است که باید به حدّ تکامل رسد. قدرتِ عملِ مؤمنین در سطح ابتکار فردی ظاهر می‌شود و در سطح ارادهٔ جمعی اوج می‌گیرد. این قدرت جمعی، این ترکیب امکانات فردی، به شکلی انعطاف‌پذیر موجود و تحت تأثیر واکنش‌های متعدّد افراد نسبت به نفوذ قوای مختلفی است که در جهان در کار است. این قدرت برای تحقّق هدف والایش باید خود را از طریق مسیرهای فعّالیّت منظّم ابراز کند. حتّی اگر افراد سعی نمایند که درک شخصی آنان از متون الهی هادی اقدامات‌شان باشد، و از این طریق توفیق بسیار هم می‌توان حاصل کرد، چنین اقداماتی، بدون تأیید و هدایت مؤسّسات مجاز، قادر به کسب نیروی لازم برای پیشرفت بلامانع تمدّن نیست.

ابتکار فردی یکی از جنبه‌های برجستهٔ این قدرت است؛ بنا بر این یکی از مسئولیّت‌های اصلی مؤسّسات حفظ و تشویق آن است. و همچنین مهمّ است که افراد تشخیص دهند و بپذیرند که مؤسّسات باید به عنوان عامل هدایت‌کننده و تعدیل‌کننده در پیشرفت تمدّن عمل کنند. از این نظر، لزوم حکم الهی که افراد باید از تصمیمات محافل خود اطاعت کنند به وضوح به عنوان یک نیاز ضروری برای پیشرفت جامعه دیده می‌شود. به راستی افراد در امور مربوط به رفاه اجتماع نباید کاملاً در تدابیر شخصی خود رها شوند و نیز اعضای مؤسّسات نباید با اتّخاذ رفتار دیکتاتوری شعلهٔ اشتیاق را در افراد خاموش کنند.
کاربرد موفّقیّت‌آمیز مرجعیّت در جامعهٔ بهائی مستلزم شناخت آنست که مؤسّسات و احبّا حقوق و مسئولیّت‌هایی دارند که متفاوت‌اند ولی در عین حال یکدیگر را تقویت می‌نمایند، شناختی که به نوبهٔ خود پذیرای لزوم هم‌کاری متقابل بین این دو

نیروی تعاملی اجتماع است. همانطور که حضرت ولیّ‌امرالله توصیه فرموده‌اند "افراد و محافل باید بیاموزند که با یکدیگر هم‌کاری کنند و اگر مایل باشند که وظایف و تعهّدات خود را نسبت به امر الله به خوبی انجام دهند باید با ذکاوت و آگاهی هم‌کاری نمایند و چنین هم‌کاری بدون اعتماد و اطمینان متقابل امکان پذیر نیست." (ترجمه)

(ترجمه‌ای از دستخطّ مورّخ ۱۹ مه ۱۹۹۴ بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۸۵]**

مؤسّسات نه در زندگی شخصی افراد کنجکاوی می‌کنند و نه با کینه‌توزی و تنقید مشتاق مجازات افرادی هستند که در رعایت موازین امری کوتاهی می‌کنند. این مؤسّسات به جز در مواردِ حادِّ بی‌اعتناییِ فاحش و گستاخانه به احکام الهی که احتمالاً ممکن است به امر مبارک لطمه زند و احیاناً تشکیلات را وادار به اِعمال مجازات‌های اداری نماید، توجّه‌شان را به تشویق، مساعدت، نصیحت و تعلیم و تربیت معطوف می‌دارند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به سه نفر از احبّا) **[۸۶]**

بیت العدل اعظم چالش شما را در کمک به احبّای جامعهٔ خود برای فهم تعالیم الهی و عمل به آنها در دنیایی که نیروهای مادّی‌گرا دائماً قویّ‌تر می‌شوند درک می‌کنند.... بررسی نکات مورد نظر به بهترین وجه می‌تواند در پرتو روابطی صورت گیرد که نظم اداری بهائی سعی در برقراری آن بین فرد، مؤسّسات و جامعه دارد. در عین حال که مسئولیّت رعایت موازین بهائی در وهلهٔ اوّل بر عهدهٔ فرد مؤمن است ولی مؤسّسات وظیفه دارند که افراد را، عمدتاً از طریق مجهودات آموزشی، حمایت نمایند و الگویی از حیات جامعه را ترویج دهند که موجب ترقّی و تعالی روحانی اعضا باشد. این نکته نیز البتّه قابل درک است که مؤسّسات بهائی با بر عهده داشتن این وظایف و دیگر وظایف مقدّسه، ممکن است گاه به گاه اقدام خاصّی را برای صیانت جامعه و جامعیّت احکام بهائی لازم بدانند.

مؤسّسات امری باید در نظر داشته باشند که اگر مساعی‌شان در جهت انجام وظایف خود نسبت به تعلیم و تربیت احبّا به هشدارهای مکرّر و یا به تعلیماتی خشک و بی‌روح تقلیل یابد نتایج حاصله بسیار ناچیز خواهد بود. لذا هدف مؤسّسات باید ازدیاد آگاهی و افزایش درک احبّا باشد. وظیفهٔ مؤسّسات بهائی کنجکاوی یا مداخله در زندگی خصوصی افراد و یا تحمیل احکام الهی بر آنان نیست بلکه ایجاد محیطی است که در آن دوستان در مقام پیروان حضرت بهاءالله مشتاقانه به ایفای وظایف خود قیام کنند، احکام مبارکش را اطاعت نمایند، و زندگی خود را با تعالیم مقدّسش تطبیق دهند. میزان مثمر ثمر بودن مساعی مؤسّسات به این بستگی خواهد داشت که احبّا، به خصوص نسل جوان، تا چه حدّ خود را غرق در فعّالیّت‌های جامعه‌ای پویا و در حال رشد بیابند و قوّهٔ تأییدات الهی را در انجام مأموریّتی که جمال مبارک به آنان محوّل فرموده احساس کنند.

در این راستا، یکی از مؤثّرترین ابزاری که در اختیار شماست مؤسّسهٔ آموزشی است که سعی دارد فرد را در یک فرایند آموزشی سهیم سازد که در آن حسن اخلاق و انضباط شخصی در زمینهٔ خدمت پرورش می‌یابد و الگویی منسجم و پرنشاط از زندگی به وجود می‌آورد که مطالعه، عبادت، تبلیغ و جامعه‌سازی و کلّاً آنچه را که موجب تحوّل و تقلیب جامعه می‌شود در هم می‌تند. محور این فرایند آموزشی تماس با کلام الهی است که قدرتش تداوم‌بخشِ مساعی هر فرد در تطهیر قلب خویش و پیمودن مسیری از خدمت با "قدم انقطاع" می‌باشد. حضرت ولیّ‌امرالله مؤمنین جوان را به یادگیری از طریق "مشارکت فعّالانه و صمیمانه و مستمرّ" (ترجمه) در فعّالیّت‌های جامعه تشویق می‌فرمودند. در نامه‌ای از طرف آن حضرت خطاب به یک مؤمن جوان چنین آمده است: "حیات جامعهٔ بهائی آزمایشگاهی ضروری برای شما فراهم می‌نماید که در آن می‌توانید اصولی را که از تعالیم مبارکه فرا گرفته‌اید به اعمالی پویا و سازنده درآورید." در ادامهٔ نامه چنین می‌فرمایند: "هنگامی که جزئی واقعی از آن

موجودِ زنده شوید می‌توانید روح حقیقی ساری در تعالیم الهی را درک نمایید.“ (ترجمه) یک چنین مشارکت مشتاقانه در فعّالیّت‌های امری زمینه‌ای ارزشمند برای کوشش‌های جوانان و نیز بزرگ‌سالان فراهم می‌سازد تا حیات خود را با تعالیم حضرت بهاءالله تطبیق دهند. این بدان معنا نیست که افراد گه‌گاه دچار اشتباه، که شاید در مواردی اشتباهی بزرگ هم باشد، نخواهند شد. با این حال، هنگامی که علاقه به حفظ موازین بهائی از طریق خدمت به مصالح عمومی در محیطی سرشار از عشق بی‌دریغ و تشویقِ صمیمانه پرورش یابد، احبّای الهی در مواجهه با چنین مشکلی، از فرط شرمساری احساس نخواهند کرد که راهی جز کناره‌گیری از فعّالیّت‌های جامعه ندارند و یا حتّی بدتر از آن، خود را مجبور نخواهند یافت که چالش‌های خویش را با پوششی از ادب و نزاکت بپوشانند و حیاتی را پیش گیرند که درآن گفتارشان نزد عموم با رفتارشان در خلوت در تباین و تضادّ باشد.

بنا بر این بدیهی است که باید هم‌زمان به نیازهای پیشرفت اخلاقی فرد، با کوشش‌های لازم برای تقویت قابلیّت‌های جامعه و مؤسّسات آن توجّه نمود.... محیط مورد نظر در اصل محیطی است مملوّ از محبّت و حمایت که در آن مؤمنین، همگی در عین تلاش برای نیل به موازین بهائی در رفتار شخصی خود نسبت به یکدیگر شکیبایی و احترام نشان می‌دهند و در مواقع لزوم از نصایح حکیمانه و مساعدت بی‌دریغ برخوردار می‌شوند. در جامعهٔ بهائی نه جایی برای بدگویی و غیبت و نه مکانی برای عیب‌جویی از دیگران و خودنیک‌پنداری موجود است.

در این رابطه، هر محفل ملّی لزوماً باید قبول نماید که اگر محبّت و حمایت متقابل تنها نکتهٔ مورد توجّه در درون جامعه باشد، اگر چه به تنهایی از اهمّیّتِ خاصّی برخوردار است، ولی این مسئله باعث خواهد شد که محیطی راکد ناشی از ذهنیّتی محدود ایجاد شود. جامعهٔ جهانی بهائی رسالتی تاریخی بر عهده دارد و هم‌گام با گسترش روزافزون خود باید قابلیّت پرداختن به نیازهای روحانی و مادّی را که دائماً پیچیده‌تر می‌شوند کسب کند. پیام بیت العدل اعظم مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ به این نکته اشاره می‌نماید که: ”یک جامعهٔ کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترک‌شان با یکدیگر متّحدند، آرمان‌های والا ویژگی خاصّ آن است، در ادارهٔ امور خویش ماهر و در برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد — یک چنین جامعه‌ای شکوفا ولی دور از واقعیّت‌هایی که توده‌های وسیع بشریّت با آن سر و کار دارند هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد که به منزلهٔ الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعهٔ بشری عمل نماید.“ سلسله نقشه‌های جهانی کنونی تمهیداتی برای ایجاد تدریجی قابلیّت فردی و جمعی برای این مأموریّتِ جامعه فراهم می‌سازد. هر یک از مؤسّسات جامعهٔ بهائی که به وضع موجود خود قانع باشد، در حفظ جوانان از قوای مادّی‌گراییِ بی‌حدّ و انحطاط اخلاقیِ ملازمِ آن که اجتماع را مورد حمله قرار داده‌اند با مشکلاتی مواجه خواهد شد. نکات فوق به ماهیّت فرایند قابلیّت‌سازی که هر مؤسّسهٔ بهائی باید با جدّیّت به آن اشتغال ورزد اشاره می‌کند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۳ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۸۷]**

همانطور که بدون شک آگاهید بیت العدل اعظم توصیه فرموده‌اند که مسئولیّت هدایت برخی از مجهودات، از جمله ابتکارات در زمینهٔ بین‌المللی و آنچه که مربوط به ترویج مطالعات امری است باید به عهده مؤسّسات بهائی باشد که موظّف به هدایت تلاش‌های جامعه در مسیرهای مؤثّر عمل هستند.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۸ ژوئن ۲۰۱۶ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی) **[۸۸]**

اوّلین اقدامی که یک محفل باید در جهت تنفیذ احکام الهی در ناحیهٔ تحت اِشراف خود بردارد داشتن رویکردی صحیح به آموزش عمومی احبّا در مورد احکام است، و چنین تلاش‌های آموزشی می‌تواند در چارچوب مقصود عظیم‌تر ظهور اعظم که پیشبرد مدنیّتی دائم التّقدم است قرار گیرد. به این ترتیب، احبّا از احکام نه به خاطر ترس از مجازات بلکه به دلیل عشق به حضرت بهاءالله و درک اینکه این احکام موجب رفاه اجتماعی و رشد روحانی و مادّی خودشان می‌باشد پیروی خواهند کرد. در حالی که این رویکرد — که لزوماً تدریجی و بلندمدّت است — ادامه دارد، محافل باید در مورد اجرای احکام، محتاطانه و سنجیده قضاوت نمایند و به یاد داشته باشند که مسئولیّت‌شان تربیت مؤمنین جدید و نسل‌های جوان بهائی با رعایت محبّت و صبر است.

کاربرد این اصول نیاز به تفکّر فراوان دارد، به خصوص با توجّه به شرایط دائماً در حال تحوّل در محلّه‌ها و دهکده‌هایی که افراد زیادی در فعّالیّت‌های جامعه‌سازی شرکت می‌کنند، و برخی از آنها، اغلب از میان جوانان به امر الله ایمان آورده‌اند. در چنین مکان‌هایی، همانطور که مطمئناً مشاهده کرده‌اید، مؤمنین جدید عمیقاً با اجتماع اطراف خود در تماس و مرتبط بوده و همراه با بسیاری دیگر، به فعّالیّت‌هایی مشغول‌اند که به تدریج خصوصیّات کلّ جمعیّت را تغییر می‌دهد و به آن کمک می‌کند که به سوی دیدگاه حضرت بهاءالله یعنی یک نظم جدید جهانی حرکت کند. از نامهٔ شما واضح است که مؤمنین جدید در چنین مکان‌هایی به طور فزاینده‌ای با احکام بهائی آشنا می‌شوند و تلاش می‌کنند که در زندگی خود از آن پیروی کنند. با این حال، می‌توان انتظار داشت که زیربنای محیط اجتماعی که آنها به نحو جدایی‌ناپذیری به ویژه در زمینه خویشاوندان بخشی از آن هستند، گاهی آنها را مجبور به مصالحه در تلاش‌هایشان در این خصوص بنماید. شاید بزرگ‌ترین چالش در اینجا پیروی از احکام مربوط به امور شخصی، مانند ازدواج و تدفین می‌باشد.

بیت العدل اعظم معتقدند که در مکان‌هایی که مراکز فعّالیّت‌های فشرده می‌شوند، تلاش و مراقبت بیشتری لازم است که آموزش در مورد احکام بهائی نه فقط متوجّه کسانی باشد که به طور رسمی تسجیل شده‌اند بلکه همه کسانی را که به نوعی با فرایند جامعه‌سازی مرتبط هستند نیز در بر گیرد. بیت العدل اعظم بسیار خرسندند که در چندین محدودهٔ جغرافیایی در ...، دوستان توانایی تماس با تعداد زیادی از خانوارها را به طور منظّم کسب می‌کنند، اصول بهائی را با دیگران در میان می‌گذارند، مشارکت بیشتر در فعّالیّت‌ها را ترویج می‌دهند و به تدریج الگویی از زندگی جامعه را بر اساس تعالیم امر الهی توسعه می‌دهند. بر اساس این تجربه، در بسیاری از خانوارها ارائه گفتمانی در مورد ماهیّت حیات خانوادهٔ بهائی و برخی از احکام حضرت بهاءالله در بارهٔ احوال شخصی نباید دشوار باشد. با این اقدام، شما طبیعتاً می‌خواهید روشن کنید که هدف احکام تعیین شده توسّط مظهر ظهور الهی محدود کردن امکانات انسانی یا معرّفی آداب تشریفاتی جدیدی برای جایگزینی آداب قدیم نیست. بلکه منظور این است که برای انسان امکان احساس آزادی واقعی و تحقّق استعداد ذاتی واقعی خود را، به صورت فردی و جمعی فراهم سازد. چه بسا اتّفاق افتاده که دوستان اجتماع بزرگ با حضور در مراسم ازدواج بهائی، شادی و شگفتی خود را از سادگی و متانت آن که عاری از عناصر تشریفاتی بوده ابراز داشته‌اند تشریفاتی که بسیاری آن را دست و پاگیر و نامناسب برای ارتقای روح می‌دانند. و چه بسیار مواقعی که آنان با آشنایی با تمهیدات احکام ازدواج بهائی، از نحوهٔ اجتناب از تقلیل پیوند زناشویی به یک معاملهٔ اقتصادی، بلکه حفظ تقدّس و اصالت آن و رعایت حرمت خانواده، شگفت‌زده شده‌اند. در واقع هر ازدواج بهائی فرصتی برای نشان دادن ویژگی خاصّ احکام بهائی به اجتماع بزرگ‌تر است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۸ صادره از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یکی از محافل ملّی)

سه عامل فعّال

آنچه بیش از هر امر دیگری موجب شعف و سرور بی‌اندازهٔ این عبد گردیده وقوف بر این است که اعضای این هیئت مرکزی که متقبّل مسئولیّتی خطیر شده‌اند و با وظایفی حسّاس و صعب مواجه می‌باشند، فرداً و جمعاً نه تنها از هم‌دردی خواهران و برادران روحانی خود بهره‌مندند بلکه می‌توانند با اطمینان خاطر به حمایت فعّالانه و صمیمانهٔ ایشان در اجرای خدمات منظّم و شایان به آستان امر حضرت بهاءالله متّکی باشند. فی‌الحقیقه باید هم چنین باشد زیرا اگر هم‌کاری واقعی و مستمرّ و اطمینان متقابل بین آحاد احبّا و محافل ملّی و محلّی ایشان متوقّف شود، امور نافعهٔ امر الله نیز به ناچار متوقّف گردیده و هیچ عامل دیگری قادر نخواهد بود که هماهنگی و کارآیی آن را در آینده تضمین نماید.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۲۳ دسامبر ۱۹۲۲ حضرت شوقی افندی) **[۹۰]**

ما نباید طالب یک‌نواختی در تشکیل هر یک از محافل ملّی و یا محلّی باشیم. زیرا شالودهٔ نظم اداری بهائی اصل وحدت در کثرت است که مکرّراً و شدیداً در آثار بهائی تأکید شده است. تفاوت‌هایی که اساسی و برخلاف تعالیم اصلی امر الله نیستند باید نگهداری شود در حالی که وحدت اصلیّهٔ نظم اداری به هر قیمتی باید حفظ و تضمین گردد. به راستی هم وحدت هدف و هم وحدت وسیله برای عملکرد سریع و مطمئن هر محفلی اعمّ از محلّی یا ملّی حیاتی و ضروری می‌باشد.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۲ ژانویه ۱۹۳۴ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) **[۹۱]**

حضرت بهاءالله خطاب به ملکه ویکتوریا مرقوم فرمودند "فانظروا العالم کهیکل انسان". ما نیز می‌توانیم عالم بهائی، جند الهی، را با همان دید بنگریم. در هیکل انسانی، هر سلّول، هر عضو، و هر عصب نقشی دارد که ایفا می‌کند. اگر همه نقش خود را بازی کنند هیکل انسانی سالم، پرتوان، پرطراوت و آماده برای آنچه به او محوّل گردد خواهد بود. هیچ سلّولی، هر قدر ناچیز، حیات مستقلّی از بدن، چه در کمک به بدن و چه در بهره‌مند شدن از آن ندارد. این حقیقت در مورد هیکل عالم انسانی صدق می‌کند که در آن خداوند "خلعت موهبت را زیور کلّ بشر" فرموده و در مورد جامعهٔ جهانی بهائی کاملاً صادق است زیرا که این جامعه هم‌اکنون موجودی است زنده، متّحد در آرمان‌هایش، و متّفق در روش‌هایش، طالب مساعدت و تأیید از یک منشأ، و منوّر به نور آگاهی از وحدت خود. در این مجتمع ارگانیک که مهتدی به هدایات الهی و مبارک و نورانی است، مشارکت همگانی از اهمّیّت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و سرچشمهٔ نیرو و نشاطی است که هنوز برای ما ناشناخته می‌باشد....

سِرّ واقعی مشارکتِ عمومیْ در منویّاتی نهفته است که حضرت مولی الوری غالباً ابراز می‌فرمودند، یعنی یاران باید مفتون یکدیگر باشند، یکدیگر را دائماً تشویق کنند، با هم کار کنند، مانند یک روح در یک بدن باشند، و بدین ترتیب پیکری کامل، ارگانیک و سالم شوند که از روح تحرّک و نورانیّت می‌یابد. در چنین پیکری کلّ از خودِ موجودِ زنده صحّت و نشاط کسب خواهند کرد و ریاحین و اثمار طیّبه به بار خواهد آمد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ سپتامبر ۱۹۶۴ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۹۲]**

در رضوان سال ۱۹۹۶ بهائیان عالم به اجرای مشروعی جهانی اقدام خواهند نمود که یگانه مقصد آن پیشبرد قابل ملاحظه‌ای در فرایند دخول افواج خواهد بود. وصول به این مقصد از طریق پیشرفت شایانی در فعّالیّت‌ها و بلوغ افراد احبّا، مؤسّسات و جوامع محلّی صورت خواهد گرفت. پیشرفت در این فرایند واضحاً به ترقّی هر سه شرکت‌کنندهٔ آن که به طور نزدیک بهم مرتبط‌اند بستگی دارد. چهار سال آینده باید شاهد افزایش بی‌سابقه‌ای در فعّالیّت‌های مؤثّر تبلیغیِ ناشی از ابتکارات

فردی احبّا باشد. هزاران هزار از دوستان محتاج مساعدت خواهند بود تا بتوانند پویایی و قدرت ایمان خویش را با مداومت در تبلیغ امر الهی و حمایت از نقشه‌های مؤسّسات امری و مساعی جوامع بهائی خود، عملاً نمودار سازند. این احبّای عزیز را باید یاری نمود تا به خوبی دریابند که دوام و استمرار مجاهدات‌شان منوط به آنست که تا چه حدّ زندگی شخصی و اخلاق و رفتارشان "... جنبه‌های گوناگون شکوه و عظمت اصول جاودانهٔ نازله از قلم حضرت بهاءالله را منعکس می‌نماید." (ترجمه) تسریعِ روند تبلیغ فردی لزوماً باید با افزایش پروژه‌های تبلیغی منطقه‌ای و محلّی توأم باشد. بدین منظور باید به مؤسّسات کمک شود تا توانایی خود را برای مشورت بر طبق اصول بهائی افزایش دهند، و احبّا را در یک بینش مشترک متّحد ساخته استعدادهای آنان را در سبیل خدمت به امر الهی به کار گیرند. به علاوه، مؤمنین جدید باید در جوامع محلّیِ فعّالی که به مدارا و محبّت متّصف و با یک حسّ هدفمندیِ قویّ و اراده‌ای جمعی هدایت می‌شوند ادغام گردند یعنی محیطی که در آن قابلیّت همهٔ اعضا، اعمّ از زن و مرد و جوان و کودک، شکوفا می‌گردد و قوایشان با اقدامی هماهنگ مضاعف می‌شود.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۶ دسامبر ۱۹۹۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای)

[۹۳]

حضرت ولیّ‌امرالله به ضرورت قطعیِ ابتکار فردی و اقدام تأکید نموده، فرموده‌اند که "بدون حمایت قلبی مستمرّ و کریمانهٔ فرد" هر نقشه و اقدام محفل ملّی "محکوم به شکست" بوده و هدف نقشهٔ ملکوتی حضرت مولی الوری "دچار وقفه و رکود" خواهد گردید؛ از این گذشته، "هر فردی که بالمآل از قیام به ایفای نقش خویش بازماند" (ترجمه) از تأییدات الهیّه و از نیروی حیات‌بخش حضرت بهاءالله بی‌نصیب خواهد ماند. بنا بر این فردِ مؤمن عامل اصلی هر پیشرفتی است که باید حاصل شود، فرد است که قدرت اجرا در دست اوست و تنها فرد است که می‌تواند آن قدرت را از طریق ابتکار فردی و عملِ مداوم به ظهور رساند. در مورد احساسِ عدم کفایت که گه‌گاه مانع ابتکارات شخصی می‌گردد، نامه‌ای که از جانب حضرت ولیّ‌امرالله نگاشته شده شامل این توصیهٔ هیکل مبارک است، "اهمّ آنها بطوری که اشاره کرده‌اید فقدان شجاعت و ابتکارات شخصی و احساس حقارت است که یاران را از سخن گفتن در مجامع عمومی بازمی‌دارد. دقیقاً همین کاستی‌ها است که هیکل مبارک مایل‌اند احبّا بر آن فایق آیند. زیرا این نقایص نه تنها مانع کوشش آنان می‌شود بلکه در حقیقت سبب خمودت شعلهٔ ایمان در قلوب‌شان نیز می‌گردد. تا زمانی که همهٔ احبّا به آن درجه از آگاهی نرسند که هر یک از آنها بنفسه در حدّ توانایی خود قادر به ابلاغ پیام الهی است، هرگز نخواهند توانست به هدفی که مولای دانا و مهربان برای آنان مقرّر فرموده نائل شوند.... هر نفس بهائی بالقوّه مبلّغ امر است و فقط باید آنچه را که خداوند در او به ودیعه گذاشته به کار گیرد تا وفاداری خویش را به این امانت الهی ثابت نماید." (ترجمه)...

متمایز از فرد و مؤسّسات، جامعه با افزایش تعداد اعضایش خصوصیّت و هویّت خاصّ خود را می‌یابد. این افزایش تحوّلی ضروری است که باید مورد توجّه زیاد قرار گیرد، هم در نقاطی که تسجیل مؤمنین جدید به معیار وسیع تا به حال صورت گرفته و هم در موارد متعدّدتر بی‌شماری که وقوع دخول افواج قابل پیش‌بینی است. یک جامعه البتّه بیش از مجموع اعضای آن است؛ جامعه یک واحد کامل تمدّن و متشکّل از افراد، خانواده‌ها و مؤسّسات می‌باشد که همگی مؤسّسین و مشوّقین سیستم‌ها، نهادها، و سازمان‌هایی هستند که با هدفی مشترک برای رفاه مردم، هم در داخل و هم در خارج از مرزهای خود با هم کار می‌کنند؛ جامعه ترکیبی از شرکت‌کنندگان متنوّع و همبسته است که در حال دستیابی به اتّحاد در کاوشی خستگی‌ناپذیر به دنبال ترقّی روحانی و اجتماعی‌اند. از آنجا که بهائیان در همه جا در اوّلین مراحل فرایند جامعه‌سازی هستند، کوشش عظیمی باید صرف تکالیف جاری شود.

همانطور که در یکی از پیام‌های قبلی ذکر کرده‌ایم، شکوفایی جامعه به خصوص در سطح محلّی نیاز به بهبود قابل ملاحظه‌ای در الگوهای رفتار دارد: آن الگوهایی که به وسیلهٔ آنها جلوهٔ جمعی خصایل فرد فرد اعضای جامعه و کارکرد محفل روحانی در وحدت و صمیمیّت جامعه و در پویاییِ فعّالیّت و رشد آن متجلّی است. شکوفایی جامعه نیاز به همبستگی عناصر متشکّلهٔ آن — یعنی بزرگسالان، جوانان، اطفال — در فعّالیّت‌های روحانی، اجتماعی، آموزشی، اداری و اشتغال آنان در نقشه‌های محلّیِ تبلیغ و توسعه دارد. لازمهٔ شکوفایی جامعه وجود اراده‌ای جمعی و احساسی از هدف‌مندی است تا به محفل روحانی از طریق انتخابات سالیانه تداوم بخشد. این شکوفایی شامل نیایش جمعی پروردگار است. از اینرو، برگزاری جلسات مرتّب دعا، در صورت امکان در حظیرةالقدس‌های محلّی و در غیر این صورت در اماکن دیگر از جمله در منازل احبّا، برای حیات روحانی جامعه ضروری است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۹۴]**

هیچ یک از دستاوردهای افراد و یا جامعه نمی‌تواند بدون تشویق و حمایت و هدایت سوّمین عامل نقشه یعنی تشکیلات امری، استمرار یابد. جای بسی دلگرمی است که تشکیلات تا چه حدّ ابتکارات شخصی را ترویج می‌دهند، قوا را در جهت تبلیغ هدایت می‌کنند، ارزش اقدام سیستماتیک را گوشزد می‌نمایند، حیات روحانی جامعه را رونق می‌دهند و در ایجاد محیطی پر روح و ریحان می‌کوشند. در عمل یاد می‌گیرند که برای کمک به جامعه در راه حفظ تمرکز خود بر هدف نقشه، چطور وحدت نظر بین احبّا را حفظ نمایند، مکانیسم‌هائی برای هماهنگ کردن مجهوداتشان بوجود آورند و منابع موجود را طبق اولویّت‌هایی حکیمانه توزیع نمایند. این اولویّت‌ها البتّه فعّالیّت‌هایی را که به مهارت‌های تخصّصی افراد محتاج است نیز شامل می‌شود. آنچه علی‌الخصوص در میان این قبیل فعّالیّت‌ها شایان تذکّر می‌باشد ارتباط با اولیاء امور است که محافل روحانی ملّی با جدیّت آن را دنبال می‌کنند و اقداماتی در زمینهٔ توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی است مثل آنچه به وسیلهٔ

سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی انجام می‌شود. تشکیلات به این گونه نیازها رسیدگی می‌کند و کفایت خود را در هدایت مجهودات قاطبهٔ احبّا در جهت اجرای اقدامات اساسی نقشه افزایش می‌دهد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۹۵]**

در مواردی چند خاطرنشان نموده‌ایم که هدف سلسله نقشه‌های جهانی که بهائیان عالم را به جشن صدمین سال عصر تکوین در سال ۲۰۲۱ میلادی رهنمون خواهد کرد از طریق پیش‌رفت قابل ملاحظه‌ای در فعّالیّت و بلوغ افراد احبّا، مؤسّسات امری و جامعه تحقّق خواهد پذیرفت. شواهد افزایش قابلیّت در این مقطع زمانی یعنی در نیمه‌راه دورانی که عبارت از بیست و پنج سال مساعی متمرکز و مستمرّ خواهد بود، در همه جا مشهود است. آنچه از اهمّیّت خاصّی برخوردار می‌باشد تأثیر وسیع و فزایندهٔ قوّهٔ محرّکهٔ منبعث از تعامل بین سه شرکت‌کنندهٔ اصلی نقشه است. مؤسّسات امری از سطح ملّی تا محلّی با وضوحی هر چه بیشتر درمی‌یابند که چگونه شرایطی ایجاد نمایند که موجب بروز قوای روحانی تعداد متزایدی از احبّا در جهت نیل به هدفی مشترک می‌گردد. جامعه بیش از پیش به محیطی تبدیل می‌شود که در آن مجهودات فردی و اقدامات جمعی، با کمک مؤسّسهٔ آموزشی، می‌تواند مکمّل یک‌دیگر واقع شده موجب حصول پیش‌رفت گردد. شور و اهتزازی که جامعه از خود نشان می‌دهد و اتّفاق نظری که به مجهودات جمعی آن روح می‌بخشد، نفوسی از همهٔ اقشار را که مشتاقند وقت و نیروی خود را وقف رفاه عالم انسانی نمایند به نحوی فزاینده به خود جذب می‌کند. روشن است که ابواب جامعه به روی هر نفسی که

مستعدّ ورود و دریافت رزق روحانی از این ظهور اعظم باشد بیش از پیش گشوده است. افزایش چشم‌گیر در سرعت امر تبلیغ در سال گذشته خود اعظم گواه بر کارآیی تعامل بین سه شرکت‌کنندهٔ نقشه است. پیش‌رفت حاصله در فرایند دخول افواج حقیقتاً قابل ملاحظه بود.

در زمینهٔ این تعاملات پیش‌رفته، کارآیی ابتکار فردی به نحو فزاینده‌ای در افزایش است. در پیام‌های پیشین، به اثرات مثبتی که فرایند مؤسّسهٔ آموزشی بر شروع ابتکار فردی احبّا می‌گذارد اشاره نمودیم....

آنچه موجب دل‌گرمی مستمرّ این جمع می‌گردد این است که تا چه حدّ این ابتکارات فردی تحت نظم و انضباط است. جوامع بهائی در سراسر جهان به تدریج درس‌هایی را که از سیستماتیک بودن آموخته‌اند ملکهٔ ذهن خود می‌سازند و چارچوبی که سلسلهٔ نقشه‌های کنونی را توصیف نموده به مساعی احبّا استمرار و انعطاف‌پذیری می‌بخشد. این چارچوب نه تنها محدودیّتی برای احبّا ایجاد نمی‌کند بلکه آنان را قادر می‌سازد تا از فرصت‌ها استفاده نمایند، در برقراری روابط کوشا باشند و تصوّری از رشد سیستماتیک را به مرحلهٔ عمل درآورند. به این ترتیب این چارچوب به قدرت جمعی آنان شکل می‌بخشد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۹۶]**

پیروان اسم اعظم همگی به خوبی می‌دانند که منظور از این ظهور اعظم ایجاد یک خلق جدید است. "... اوّل کلمة خرجت من فمه و اوّل ندآء ارتفع منه بمشیّتک و ارادتک انقلبت الأشیآء کلّها و السّمآء و ما فیها و الأرض و من علیها...." افراد، مؤسّسات و جامعه، سه شرکت‌کنندهٔ نقشهٔ ملکوتی، تحت تأثیر مستقیم قوای خلّاقهٔ ظهور حضرت بهاءالله در حال تقلیب هستند و مفهومی جدید از هر یک، متناسب با نیاز بشری که به مرحلهٔ بلوغ خود نزدیک می‌شود، در حال بروز است. روابطی که این سه شرکت‌کننده را به هم پیوند می‌دهد نیز در حال تحوّلی عمیق می‌باشد و قوای تمدّن‌سازی به عرصهٔ وجود می‌آید که تنها با پیروی از تعالیم مبارک ایجاد می‌شود. خصایص مشخّصهٔ این روابط، همکاری و وابستگی متقابل که نمایان‌گر هم‌بستگی همه‌جانبهٔ حاکم بر عالم خلقت است می‌باشد. به این ترتیب فرد بدون توجّه به "منافع ذاتیّه و فوائد شخصیّه"، خود را "چون افراد بندگان غنیّ مطلق" می‌شمرد و تنها آرزویش اجرای احکام او است. به این ترتیب احبّای عزیز درمی‌یابند که "عواطف و احساسات فراوان و حسن نیّت و کوشش بسیار" اگر در مجاری صحیح جریان نیابد، فواید محدودی خواهد داشت، "آزادی بی قید و بند فردی باید با مشورت دوطرفه و فداکاری تعدیل گردد، و روحیّهٔ ابتکار و عمل باید با درکی عمیق‌تر از ضرورت هماهنگی اقدامات و تعّهدی کامل‌تر نسبت به خیر و مصلحت عموم، تقویت گردد." و بدین ترتیب همگی می‌توانند میادین فعّالیّتی را که فرد می‌تواند از آن طریق به بهترین وجه ابتکار شخصی خود را نشان دهد از کارهایی که فقط مربوط به مؤسّسات امری است به آسانی تشخیص دهند. همان طور که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند احبّا "به جان و دل" اوامر مؤسّسات‌شان را اطاعت می‌کنند تا "امور انتظام یابد و ترتیبی حاصل کند." البتّه این اطاعت، کورکورانه نیست بلکه اطاعتی است که حاکی از ظهور بلوغ نوع انسان است، انسانی که به مقتضیات یک نظام به وسعت و عظمت نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله پی‌برده است.

و کسانی که از بین این چنین نفوس مشتعلی برای خدمت در مؤسّسات آن نظم عظیم دعوت می‌شوند به خوبی بیانات حضرت ولیّ‌امرالله را درک می‌کنند که می‌فرمایند: "وظیفهٔ اعضای محافل فرمان دادن نیست بلکه مشورت است، مشورت نه تنها در بین خودشان بلکه تا حدّ امکان با احبّایی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند." آنان "هرگز" نباید چنین "گمان کنند که زینت اصلی پیکر امر الهی هستند و از نظر توانایی و شایستگی ذاتاً بر دیگران برتری دارند و یا تنها مروّجین تعالیم و اصول این امر اعظم می‌باشند." "در نهایت تواضع" به وظایف خود بپردازند و "با سعهٔ صدر، حسّ عدالت و انجام وظیفه، خلوص،

افتادگی، پای‌بندی کامل به رفاه و منافع احبّا و امر الهی و بشریّت بکوشند تا نه تنها شایستهٔ اطمینان و حمایت و احترام، بلکه تحسین و محبّت واقعی کسانی گردند که افتخار خدمت به آنان را دارند.'' در چنین جوّی، مؤسّساتی که به آنها قدرت و اختیارات اعطا شده خود را ابزاری برای پرورش استعدادهای مکنون بشری و شکوفایی این استعدادها در مسیری خلّاق و شایسته می‌شمرند.

جامعهٔ اسم اعظم، متشکّل از چنین افراد و چنین مؤسّساتی، عرصه‌ای آن‌چنان مشحون از گرایش‌های روحانی می‌گردد که در آن قوا از طریق وحدت در عمل به چندین برابر فزونی می‌یابد. در بارهٔ این چنین جامعه‌ای است که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: ''اگر نفوسی مؤمن حقیقی شوند ارتباط روحانی یابند و مظهر محبّت رحمانی گردند و کل سرمست جام محبّت الله شوند البتّه آن اتّحاد و ارتباط نیز ابدیست. یعنی نفوسی که از خود بگذرند و از نقایص عالم بشری تجرّد یابند و از قیود ناسوتی منصرف گردند البتّه پرتو انوار وحدت الهی بتابد و جمیع در عالم ابدی وحدت حقیقی یابند.''

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای)

[۹۷]

مشاهدهٔ عالم بهائی در حالی که به انجام وظایف خویش مشغول می‌باشد چشم‌اندازی بس روشن است. در حیات افراد مؤمنی که بیشتر از هر چیز آرزومندند دیگران را به عبادت پروردگار بی‌نیاز و خدمت به عالم انسانی فراخوانند نشانه‌های تقلیبی روحانی را می‌توان یافت که ربّ مجید برای هر نفسی اراده فرموده است. در روحیّه‌ای که مشوّق و محرّک فعّالیّت‌های هر جامعهٔ بهائی است — جوامعی که همّ خود را وقف افزایش توان‌مندی اعضای خود از پیر و جوان و نیز دوستان و هم‌کاران خود برای خدمت به مصالح عمومی می‌نمایند — می‌توان بینشی از چگونگی بسط و توسعهٔ یک اجتماع یافت که بر اساس تعالیم الهی پایه‌ریزی شده است. و در آن محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته‌ای که فعّالیّت در چارچوب نقشه افزایش یافته و نیاز به ایجاد انسجام در بین خطوط عمل کاملاً احساس می‌شود، بسط ساختارهای اداری نمایان‌گر بارقه‌ای است از اینکه چطور مؤسّسات امری به تدریج مسئولیّت‌های بیشتر و جامع‌تر خود را در جهت ترویج رفاه و پیشرفت بشریّت به عهده خواهند گرفت. بنا بر این واضح است که بلوغ و تکامل فرد، جامعه و مؤسّسات بسیار امیدبخش است ولی فراتر از این، با نهایت سرور شاهد آن هستیم که روابطی که این سه را به هم پیوند می‌دهد سرشار از محبّت و حمایت متقابل است.

ولی روابط بین سه همتای این بازیگران در جهان — یعنی شهروندان، هیئت اجتماع، و نهادهای اجتماع — بالعکس نمایان‌گر نزاع و نفاقی است که از خصوصیّات مرحلهٔ متلاطم انتقال و تحوّل می‌باشد. این سه بازیگر که مایل نیستند به مثابهٔ اجزای وابستهٔ یک کلّیّت ارگانیک عمل نمایند، در چنگ تلاشی بیهوده و بی‌ثمر برای کسب قدرت اسیرند. چقدر متفاوت است اجتماعی که حضرت عبدالبهاء در الواح و خطابات بی‌شمار خود ترسیم فرموده‌اند، اجتماعی که در آن جمیع روابط، از تعاملات روزانه گرفته تا مناسبات میان کشورها، بر اساس آگاهی از وحدت نوع انسان استوار است. هم‌اکنون بهائیان و دوستان‌شان در دهکده‌ها و محلّه‌ها در سراسر جهان به ایجاد و ترویج روابطی قائمند که مشحون از این آگاهی است و روایح جان‌بخش هم‌کاری و الفت و محبّت از آن به مشام می‌رسد. در چنین فضای بی‌تکلّف و بی‌ادّعایی، به جای کشمکش‌ها و درگیری‌های رایج در اجتماع، گزینه‌ای مشهود در حال ظهور و بروز است. بدین ترتیب آشکار می‌گردد که فردی که مایل است به نحوی مسئولانه به ابراز عقاید شخصی خود بپردازد در مشورت‌هایی که هدف آن ترویج خیر عمومی است متفکّرانه شرکت می‌کند و از وسوسهٔ اصرار بر عقاید شخصی دوری می‌جوید. مؤسّسات بهائی با آگاهی از ضرورت اقدام هماهنگ برای حصول نتایج سودمند، همّ خود را صرف تربیت و تشویق می‌کنند نه کنترل و سلطه‌جویی. جامعه‌ای که مایل است مسئولیّت

ترقّی و پیشرفت خود را در دست گیرد اتّحاد حاصله از مشارکت صمیمانه در اجرای نقشه‌های مؤسّسات را سرمایه‌ای ارزشمند به شمار می‌آورد. تحت تأثیر ظهور حضرت بهاءالله، روابط بین این سه عامل، حیاتی تازه و صمیمیّتی بی‌اندازه می‌یابد. این روابط در مجموع محیطی را به وجود می‌آورند که در آن به تدریج یک مدنیّت روحانی جهانی که جلوه‌گاه الهامات الهی است شکوفا می‌گردد.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۱۲ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) **[۹۸]**

سلسله نقشه‌های جهانی کنونی که در عید اعظم رضوان آغاز شد بیست و پنج سال تمام ادامه خواهد داشت، سفینهٔ امر اللّه را به قرن سوّم عصر بهائی خواهد رساند و در رضوان سال ۲۰۴۶ به پایان خواهد رسید. عالم بهائی طیّ این دوران بر یک هدف واحد تمرکز خواهد داشت: ظهور و بروز بیش از پیش نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی. پیگیری این هدفِ کلّی مستلزم افزایش بیشتر قابلیّت در فرد مؤمن، جامعهٔ محلّی و مؤسّسات بهائی است. این سه شرکت‌کنندهٔ دائمی نقشه، هر یک سهمی در اجرای آن دارند و هر یک دارای قابلیّت‌ها و خصوصیّاتی هستند که باید پرورش یابد. امّا هیچ یک به تنهایی قادر به ظاهر ساختن کامل استعدادهای بالقوّهٔ خود نیست. از طریق تقویت روابط پویایشان با یکدیگر است که توانایی‌هایشان توأم گشته، چندین برابر می‌شود. حضرت عبدالبهاء تشریح می‌فرمایند که هر چقدر صفات همکاری و کمکِ متقابل در میان مردمان فزونی یابد به همان نسبت "جمعیّت بشریّه در ترقّی و سعادت قدم پیشتر نهد"؛ این اصل در آیین بهائی شاخص و شکل‌دهندهٔ تعاملات بین افراد، مؤسّسات و جوامع می‌باشد و هیکل امر الله را از نیروی اخلاقی و سلامت روحانی برخوردار می‌سازد.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قارّه‌ای) **[۹۹]**

یادداشت‌ها

۱ همه‌گیری کرونا. ↩

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.